



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۱۱۰

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 110

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۶	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۱۱۰
۲۶	مشخصات کتاب
۲۶	۱- وعید
۲۶	۱- آثار وعید
۲۶	۲- تحقق وعید خدا
۲۶	۳- وعید به پیروان ابلیس
۲۷	۴- وعید به ظالمان
۲۸	۵- وعید به قوم ثمود
۲۸	۶- وعید به کافران
۲۸	۷- وعید خدا
۳۰	۸- وعید در هدایت
۳۰	۹- وعید های خدا
۳۰	۱۰- وعید های خدا
۳۲	۲- وقت
۳۲	۱- ابزار وقت شناسی
۳۲	۲- اختفای وقت قیامت
۳۲	۳- اختفای وقت هجوم
۳۴	۴- اعلام وقت عبادت
۳۴	۵- اهمیت نماز اول وقت
۳۴	۶- اهمیت وقت شناسی
۳۶	۷- اهمیت وقت نماز
۳۶	۸- اهمیت وقت ولادت
۳۷	۹- بهترین وقت آسایش

- ۳۸ ۱۰- بهترین وقت عبادت
- ۳۹ ۱۱- بهترین وقت نماز
- ۴۰ ۱۲- تعیین وقت قیامت
- ۴۰ ۱۳- تفاوت وقت ها
- ۴۲ ۱۴- جهل به وقت قیامت
- ۴۲ ۱۵- شگفتی وقت افشای رازها
- ۴۲ ۱۶- علم به وقت عذاب
- ۴۴ ۱۷- علم به وقت قیامت
- ۴۴ ۱۸- فضیلت نماز اول وقت
- ۴۴ ۱۹- نقش جهل به وقت قیامت
- ۴۴ ۲۰- نقش علم به وقت قیامت
- ۴۶ ۲۱- وقت آرامش
- ۴۶ ۲۲- وقت آسایش
- ۴۶ ۲۳- وقت احتجاج ابراهیم(ع)
- ۴۶ ۲۴- وقت ارائه معجزه موسی(ع)
- ۴۸ ۲۵- وقت ارزشمند
- ۴۸ ۲۶- وقت استراحت
- ۴۸ ۲۷- وقت استراحت مصریان
- ۴۸ ۲۸- وقت استراحت مولا
- ۵۰ ۲۹- وقت استراحت والدین
- ۵۰ ۳۰- وقت استغفار
- ۵۰ ۳۱- وقت استغفار یعقوب(ع)
- ۵۱ ۳۲- وقت اعلام تبری از مشرکان
- ۵۲ ۳۳- وقت انتقام از کافران
- ۵۲ ۳۴- وقت ایمان کافران
- ۵۲ ۳۵- وقت بازگشت به خدا

- ۳۶- وقت بازگشت مریم(س) ----- ۵۴
- ۳۷- وقت برپایی قیامت ----- ۵۴
- ۳۸- وقت برخورد سپاه فرعون با بنی اسرائیل ----- ۵۵
- ۳۹- وقت بعثت انبیا ----- ۵۶
- ۴۰- وقت بیداری اصحاب کهف ----- ۵۶
- ۴۱- وقت پاداش ----- ۵۶
- ۴۲- وقت پاداش صالحان ----- ۵۸
- ۴۳- وقت پاداش عمل ----- ۵۸
- ۴۴- وقت پاداش مؤمنان ----- ۶۰
- ۴۵- وقت پیروزی مسلمانان ----- ۶۰
- ۴۶- وقت تأمین معاش ----- ۶۰
- ۴۷- وقت تأمین نیاز محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۶۲
- ۴۸- وقت تجمع اصحاب الجنه ----- ۶۲
- ۴۹- وقت تحقق وعده های خدا ----- ۶۳
- ۵۰- وقت تسبیح ----- ۶۴
- ۵۱- وقت تسبیح خدا ----- ۶۶
- ۵۲- وقت تشخیص جنسیت جنین ----- ۶۹
- ۵۳- وقت تعیین سرنوشت ----- ۷۰
- ۵۴- وقت تقدیر آفرینش ----- ۷۰
- ۵۵- وقت تقسیم روزی ----- ۷۰
- ۵۶- وقت تلاش ----- ۷۲
- ۵۷- وقت توبه ----- ۷۲
- ۵۸- وقت تهجد ----- ۷۲
- ۵۹- وقت ثبت عمل ----- ۷۴
- ۶۰- وقت حج ----- ۷۴
- ۶۱- وقت حمد خدا ----- ۷۴

- ۶۲- وقت خلقت آدم(ع) ----- ۷۶
- ۶۳- وقت خواب ----- ۷۶
- ۶۴- وقت خواب محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۷۸
- ۶۵- وقت دعا ----- ۷۸
- ۶۶- وقت ذبح قربانی حج ----- ۸۰
- ۶۷- وقت ذکر ----- ۸۰
- ۶۸- وقت ذکر خدا ----- ۸۰
- ۶۹- وقت روزه ----- ۸۲
- ۷۰- وقت شب قدر ----- ۸۴
- ۷۱- وقت شکست حق ناپذیران صدراسلام ----- ۸۶
- ۷۲- وقت شکست کافران ----- ۸۶
- ۷۳- وقت شکست کافران صدراسلام ----- ۸۸
- ۷۴- وقت شکست مشرکان صدراسلام ----- ۸۸
- ۷۵- وقت شناسی در تبلیغ ----- ۸۸
- ۷۶- وقت طعام ----- ۸۸
- ۷۷- وقت طلوع فجر ----- ۹۰
- ۷۸- وقت عبادت ----- ۹۰
- ۷۹- وقت عذاب ----- ۹۲
- ۸۰- وقت عذاب اهل مدین ----- ۹۲
- ۸۱- وقت عذاب حق ناپذیران ----- ۹۲
- ۸۲- وقت عذاب قوم ثمود ----- ۹۴
- ۸۳- وقت عذاب قوم عاد ----- ۹۴
- ۸۴- وقت عذاب قوم لوط ----- ۹۴
- ۸۵- وقت عذاب کافران ----- ۹۶
- ۸۶- وقت عذاب گمراهان ----- ۹۸
- ۸۷- وقت عذاب مشرکان ----- ۹۹

- ۸۸- وقت غسل در ماه رمضان ۱۰۰
- ۸۹- وقت فراغت محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۰۰
- ۹۰- وقت فضیلت نماز صبح ۱۰۰
- ۹۱- وقت قربانی حج ۱۰۲
- ۹۲- وقت قضای روزه ۱۰۲
- ۹۳- وقت قیامت ۱۰۲
- ۹۴- وقت کار ۱۱۶
- ۹۵- وقت کیفر ۱۱۷
- ۹۶- وقت کیفر عمل ۱۱۸
- ۹۷- وقت گواهی اخروی انبیا ۱۱۹
- ۹۸- وقت لقاءالله ۱۲۰
- ۹۹- وقت مبارزه با موسی(ع) ۱۲۳
- ۱۰۰- وقت مبارزه جادوگران فرعون ۱۲۴
- ۱۰۱- وقت محرومیت از تعلم ۱۲۴
- ۱۰۲- وقت مرگ ۱۲۵
- ۱۰۳- وقت میوه چینی اصحاب الجنه ۱۲۶
- ۱۰۴- وقت نابودی آفرینش ۱۲۶
- ۱۰۵- وقت نجات خانواده لوط(ع) ۱۲۶
- ۱۰۶- وقت نزول بلا بر باغ سوخته ۱۲۶
- ۱۰۷- وقت نزول زبور ۱۲۷
- ۱۰۸- وقت نزول قرآن ۱۲۸
- ۱۰۹- وقت نزول وحی ۱۲۸
- ۱۱۰- وقت نماز ۱۲۸
- ۱۱۱- وقت نماز شب ۱۳۰
- ۱۱۲- وقت نماز صبح ۱۳۰
- ۱۱۳- وقت نماز عشا ۱۳۲

- ۱۱۴- وقت نماز عصر ۱۳۲
- ۱۱۵- وقت نماز قضا ۱۳۳
- ۱۱۶- وقت نماز مغرب ۱۳۴
- ۱۱۷- وقت نماز های مستحبی ۱۳۴
- ۱۱۸- وقت نماز های یومیه ۱۳۵
- ۱۱۹- وقت وجوب وصیت ۱۳۶
- ۱۲۰- وقت ورد ۱۳۶
- ۱۲۱- وقت ورود موسی(ع) به مدین ۱۳۸
- ۱۲۲- وقت ولادت اسحاق(ع) ۱۳۸
- ۱۲۳- وقت ویرانی باغ سوخته ۱۳۸
- ۱۲۴- وقت هجرت موسی(ع) ۱۳۸
- ۱۲۵- وقت هجوم مجاهدان غزوه ذات السلاسل ۱۴۰
- ۱۲۶- وقت هلاکت اهل مدین ۱۴۰
- ۱۲۷- وقت هلاکت قارون ۱۴۰
- ۱۲۸- وقت هلاکت قوم ثمود ۱۴۱
- ۱۲۹- وقت هلاکت قوم نوح ۱۴۲
- ۱۳۰- {وقت شناسی} ۱۴۲
- ۱۳۱- ابزار وقت شناسی ۱۴۳
- ۱۳۲- اهمیت وقت شناسی ۱۴۴
- ۱۳۳- وقت شناسی در تبلیغ ۱۴۴
- ۱۳۴- تفاوت وقت ها ۱۴۶
- ۳- وقف ۱۴۷
- ۱- وقف برای بتها ۱۴۷
- ۲- وقف در جاهلیت ۱۴۷
- ۴- وکالت ۱۴۹
- ۱- احکام وکالت ۱۴۹

- ۲- کفایت وکالت خدا ۱۴۹
- ۳- وکالت جایز ۱۵۰
- ۴- وکالت خدا ۱۵۱
- ۵- وکالت در بیع ۱۵۱
- ۶- وکالت در قیامت ۱۵۳
- ۷- محدوده اختیارات وکیل ۱۵۳
- ۸- وکیل ۱۵۳
- ۹- وکیل در حسابرسی اخروی ۱۵۵
- ۱۰- وکیل یعقوب(ع) ۱۵۶
- ۵- ولادت ۱۵۷
- ۱- آثار ولادت عیسی(ع) ۱۵۷
- ۲- آیات خدا در ولادت یحیی(ع) ۱۵۷
- ۳- ابراهیم(ع) هنگام ولادت یعقوب(ع) ۱۵۷
- ۴- استهزای ولادت عیسی(ع) ۱۵۸
- ۵- اعجاز ولادت عیسی(ع) ۱۵۸
- ۶- اعلام بشارت ولادت یحیی(ع) ۱۵۸
- ۷- الوهیت و ولادت ۱۵۹
- ۸- امنیت هنگام ولادت ۱۶۰
- ۹- اهمیت وقت ولادت ۱۶۰
- ۱۰- اهمیت ولادت ۱۶۰
- ۱۱- بشارت ولادت اسحاق(ع) ۱۶۰
- ۱۲- بشارت ولادت اسماعیل(ع) ۱۶۲
- ۱۳- بشارت ولادت عیسی(ع) ۱۶۴
- ۱۴- بشارت ولادت یحیی(ع) ۱۶۵
- ۱۵- تاریخ ولادت اسحاق(ع) ۱۶۶
- ۱۶- تاریخ ولادت اسماعیل(ع) ۱۶۷

- ۱۶۸ ۱۷- تاریخ ولادت عیسی(ع)
- ۱۶۸ ۱۸- تاریخ ولادت یحیی(ع)
- ۱۶۸ ۱۹- تاریخ ولادت یعقوب(ع)
- ۱۷۰ ۲۰- ترس هنگام ولادت موسی(ع)
- ۱۷۰ ۲۱- ترسناکی ولادت
- ۱۷۰ ۲۲- تشبیه به ولادت
- ۱۷۱ ۲۳- حتمیت ولادت عیسی(ع)
- ۱۷۲ ۲۴- خدا و ولادت
- ۱۷۲ ۲۵- زکریا(ع) هنگام ولادت یحیی(ع)
- ۱۷۴ ۲۶- سلامتی هنگام ولادت
- ۱۷۴ ۲۷- عبرت از ولادت عیسی(ع)
- ۱۷۴ ۲۸- عظمت منافع ولادت عیسی(ع)
- ۱۷۴ ۲۹- فلسفه ولادت عیسی(ع)
- ۱۷۶ ۳۰- کیفیت ولادت عیسی(ع)
- ۱۷۶ ۳۱- معجزه ولادت عیسی(ع)
- ۱۷۸ ۳۲- معجزه ولادت یحیی(ع)
- ۱۷۸ ۳۳- مکان ولادت اسحاق(ع)
- ۱۷۸ ۳۴- وقت ولادت اسحاق(ع)
- ۱۷۹ ۳۵- ولادت اسحاق(ع)
- ۱۸۰ ۳۶- ولادت اسماعیل(ع)
- ۱۸۰ ۳۷- ولادت انسان
- ۱۸۰ ۳۸- ولادت انسان ها
- ۱۸۱ ۳۹- ولادت تکوینی عیسی(ع)
- ۱۸۲ ۴۰- ولادت در الوهیت
- ۱۸۲ ۴۱- ولادت عیسی(ع)
- ۱۸۶ ۴۲- ولادت یحیی(ع)

- ۴۳- ویژگیهای ولادت عیسی(ع) ۱۸۶
- ۴۴- ویژگیهای ولادت موسی(ع) ۱۸۸
- ۶- ولایت ۱۸۹
- ۱- ولایت ۱۸۹
- ۲- آثار اعراض از ولایت خدا ۱۸۹
- ۳- آثار ذکر ولایت خدا ۱۹۱
- ۴- آثار رد ولایت خدا ۱۹۱
- ۵- آثار عقیده به ولایت خدا ۱۹۱
- ۶- آثار قبول ولایت خدا ۱۹۳
- ۷- آثار قبول ولایت شیطان ۱۹۳
- ۸- آثار قبول ولایت غیر خدا ۱۹۳
- ۹- ولایت کافران آثار قبول ۱۹۴
- ۱۰- آثار محرومیت از ولایت خدا ۱۹۵
- ۱۱- آثار نیاز به ولایت ۱۹۵
- ۱۲- آثار ولایت آل محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۹۵
- ۱۳- آثار ولایت ائمه(ع) ۱۹۷
- ۱۴- آثار ولایت خدا ۱۹۷
- ۱۵- آثار ولایت شیطان ۲۰۱
- ۱۶- آثار ولایت غیر خدا ۲۰۱
- ۱۷- آثار ولایت کافران ۲۰۱
- ۱۸- آثار ولایت یتیم ۲۰۳
- ۱۹- اجتناب از ولایت کافران ۲۰۳
- ۲۰- احکام ولایت غیر خدا ۲۰۴
- ۲۱- ارزش ولایت امام علی(ع) ۲۰۵
- ۲۲- اعراض از ولایت خدا ۲۰۵
- ۲۳- اعراض از ولایت مسیحیان ۲۰۵

- ۲۰۶- اعراض از ولایت یهود
- ۲۰۷- اعلام ولایت امام علی(ع)
- ۲۰۷- اولویت در ولایت
- ۲۰۸- اهمیت ولایت
- ۲۱۱- اهمیت ولایت امام علی(ع)
- ۲۱۱- اهمیت ولایت خدا
- ۲۱۳- ایمان به ولایت خدا
- ۲۱۳- ایمان و ولایت کافران
- ۲۱۳- برخورداری از ولایت خدا
- ۲۱۵- بطلان ولایت غیر خدا
- ۲۱۵- پاداش ولایت اهل بیت(ع)
- ۲۱۷- پرسش از ولایت اهل بیت(ع)
- ۲۱۷- جاودانگی ولایت خدا
- ۲۱۸- حاکمیت ولایت خدا
- ۲۱۹- حرمت ولایت کافران
- ۲۱۹- حرمت ولایت منافقان
- ۲۲۰- حق ولایت
- ۲۲۳- حقانیت ولایت خدا
- ۲۲۴- دلایل بی منطقی ولایت غیر خدا
- ۲۲۵- دلایل رد ولایت شیاطین
- ۲۲۵- دلایل ولایت خدا
- ۲۲۵- دین و ولایت خدا
- ۲۲۶- ذکر ولایت خدا
- ۲۲۷- ذلت نیازمند به ولایت
- ۲۲۷- رد ولایت غیر خدا
- ۲۲۷- رد ولایت مؤمنان

- ۲۲۸ ۵۰- زمينه ذکر ولايت خدا
- ۲۲۹ ۵۱- زمينه قبول ولايت غير خدا
- ۲۲۹ ۵۲- زمينه ولايت خدا
- ۲۳۰ ۵۳- زمينه ولايت شيطان
- ۲۳۱ ۵۴- زمينه ولايت ظالمان
- ۲۳۱ ۵۵- زمينه ولايت موسى(ع)
- ۲۳۱ ۵۶- سرزنش قبول ولايت شياطين
- ۲۳۲ ۵۷- سرزنش قبول ولايت شيطان
- ۲۳۳ ۵۸- سرزنش قبول ولايت غير خدا
- ۲۳۳ ۵۹- سرزنش ولايت غير خدا
- ۲۳۴ ۶۰- سرزنش ولايت كافران
- ۲۳۵ ۶۱- سقوط ولايت
- ۲۳۵ ۶۲- شرايط ولايت
- ۲۳۷ ۶۳- شرايط ولايت خدا
- ۲۳۷ ۶۴- شرايط ولايت مؤمنان
- ۲۳۷ ۶۵- شگفتی قبول ولايت شياطين
- ۲۳۸ ۶۶- شگفتی قبول ولايت شيطان
- ۲۳۹ ۶۷- شگفتی ولايت غير خدا
- ۲۳۹ ۶۸- شؤون ولايت
- ۲۳۹ ۶۹- شؤون ولايت خدا
- ۲۴۱ ۷۰- ظالمان و ولايت
- ۲۴۱ ۷۱- عقل و ولايت خدا
- ۲۴۱ ۷۲- عقیده به ولايت غير خدا
- ۲۴۲ ۷۳- عقیده به ولايت معبودان باطل
- ۲۴۲ ۷۴- علم در ولايت
- ۲۴۲ ۷۵- عوامل محرومیت از ولايت خدا

- ۲۴۴ ----- ۷۶- عوامل ولایت ظالمان
- ۲۴۵ ----- ۷۷- فرجام شوم ولایت شیطان
- ۲۴۵ ----- ۷۸- قبول ولایت اهل کتاب
- ۲۴۵ ----- ۷۹- قبول ولایت خدا
- ۲۴۷ ----- ۸۰- قبول ولایت شیاطین
- ۲۴۸ ----- ۸۱- قبول ولایت شیطان
- ۲۵۱ ----- ۸۲- قبول ولایت ظالمان
- ۲۵۱ ----- ۸۳- قبول ولایت غیر
- ۲۵۱ ----- ۸۴- قبول ولایت غیر اولیاءالله
- ۲۵۲ ----- ۸۵- قبول ولایت غیر خدا
- ۲۵۵ ----- ۸۶- قبول ولایت کافران
- ۲۵۹ ----- ۸۷- قبول ولایت مسیحیان
- ۲۶۱ ----- ۸۸- قبول ولایت مشرکان
- ۲۶۲ ----- ۸۹- قبول ولایت یهود
- ۲۶۵ ----- ۹۰- قدرت در ولایت
- ۲۶۵ ----- ۹۱- کفر ولایت غیر خدا
- ۲۶۵ ----- ۹۲- کفر قبول ولایت غیر خدا
- ۲۶۵ ----- ۹۳- محبت در ولایت
- ۲۶۷ ----- ۹۴- محرومان از ولایت
- ۲۶۷ ----- ۹۵- محرومان از ولایت اخروی
- ۲۶۷ ----- ۹۶- محرومیت از ولایت خدا
- ۲۶۹ ----- ۹۷- محمد(صلی الله علیه و آله) و ولایت خدا
- ۲۶۹ ----- ۹۸- محمد(صلی الله علیه و آله) ولایت امام علی(ع)
- ۲۶۹ ----- ۹۹- مدح ولایت خدا
- ۲۶۹ ----- ۱۰۰- مشرکان و ولایت
- ۲۷۱ ----- ۱۰۱- مشمولان ولایت خدا

- ۱۰۲- مشمولان ولایت شیطان ۲۷۳
- ۱۰۳- معروضان از ولایت ۲۷۳
- ۱۰۴- معروضان از ولایت خدا ۲۷۵
- ۱۰۵- ملاک ولایت ۲۷۵
- ۱۰۶- منشأ ولایت ۲۷۷
- ۱۰۷- منشأ ولایت امام علی(ع) ۲۷۷
- ۱۰۸- منشأ ولایت محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۷۸
- ۱۰۹- موانع ولایت حق ۲۷۹
- ۱۱۰- موانع ولایت شیاطین ۲۷۹
- ۱۱۱- موانع ولایت غیر خدا ۲۸۰
- ۱۱۲- مهربانی در ولایت ۲۸۱
- ۱۱۳- نشانه های ولایت حق ۲۸۱
- ۱۱۴- نشانه های ولایت خدا ۲۸۱
- ۱۱۵- نعمت ولایت ۲۸۳
- ۱۱۶- نعمت ولایت اهل بیت ۲۸۳
- ۱۱۷- نقش ولایت ۲۸۳
- ۱۱۸- نیاز به ولایت ۲۸۴
- ۱۱۹- نیاز به ولایت خدا ۲۸۵
- ۱۲۰- ولایت اخروی خدا ۲۸۵
- ۱۲۱- ولایت الله ۲۸۷
- ۱۲۲- ولایت امام علی(ع) ۲۸۹
- ۱۲۳- ولایت امام مهدی(ع) ۲۹۱
- ۱۲۴- ولایت انبیا ۲۹۲
- ۱۲۵- ولایت اولیای مقتول در دوران صالح(ع) ۲۹۵
- ۱۲۶- ولایت باطل ۲۹۵
- ۱۲۷- ولایت بر اصحاب کهف ۲۹۵

- ۱۲۸- ولایت بر بنی اسرائیل ----- ۲۹۶
- ۱۲۹- ولایت بر پیروان شیطان ----- ۲۹۷
- ۱۳۰- ولایت بر زن ----- ۲۹۷
- ۱۳۱- ولایت بر فرزند ----- ۲۹۹
- ۱۳۲- ولایت بر فرزندان ----- ۲۹۹
- ۱۳۳- ولایت بر محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۳۰۰
- ۱۳۴- ولایت بر مسجد الحرام ----- ۳۰۱
- ۱۳۵- ولایت بر مشرکان ----- ۳۰۱
- ۱۳۶- ولایت بر موجودات ----- ۳۰۱
- ۱۳۷- ولایت بر موجودات آسمان ها ----- ۳۰۳
- ۱۳۸- ولایت بر مؤمنان ----- ۳۰۳
- ۱۳۹- ولایت پدر ----- ۳۰۵
- ۱۴۰- ولایت پسندیده ----- ۳۰۷
- ۱۴۱- ولایت تشریحی یوسف(ع) ----- ۳۰۷
- ۱۴۲- ولایت تکوینی ----- ۳۰۷
- ۱۴۳- ولایت تکوینی یوسف(ع) ----- ۳۰۸
- ۱۴۴- ولایت حرام ----- ۳۰۹
- ۱۴۵- ولایت حقیقی ----- ۳۰۹
- ۱۴۶- ولایت خالق آفرینش ----- ۳۰۹
- ۱۴۷- ولایت خدا ----- ۳۱۱
- ۱۴۸- ولایت در آخرت ----- ۳۲۷
- ۱۴۹- ولایت در ادیان ----- ۳۲۷
- ۱۵۰- ولایت در ازدواج ----- ۳۲۷
- ۱۵۱- ولایت در انصار ----- ۳۲۹
- ۱۵۲- ولایت در خویشاوندان ----- ۳۳۱
- ۱۵۳- ولایت در قیامت ----- ۳۳۱

- ۱۵۴- ولایت در مؤمنان ۳۳۱
- ۱۵۵- ولایت در مهاجران ۳۳۳
- ۱۵۶- ولایت دنیوی خدا ۳۳۵
- ۱۵۷- ولایت رهبری دینی ۳۳۵
- ۱۵۸- ولایت شیاطین ۳۳۵
- ۱۵۹- ولایت شیطان ۳۳۵
- ۱۶۰- ولایت طاغوت ۳۳۷
- ۱۶۱- ولایت عیسی(ع) ۳۳۹
- ۱۶۲- ولایت غیر خدا ۳۳۹
- ۱۶۳- ولایت قرآن ۳۴۱
- ۱۶۴- ولایت کافران ۳۴۱
- ۱۶۵- ولایت محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۴۷
- ۱۶۶- ولایت مرد ۳۵۱
- ۱۶۷- ولایت مسیحیان ۳۵۱
- ۱۶۸- ولایت مشرکان ۳۵۲
- ۱۶۹- ولایت مطلق خدا ۳۵۳
- ۱۷۰- ولایت معبودان باطل ۳۵۳
- ۱۷۱- ولایت مقبول ۳۵۳
- ۱۷۲- ولایت ممنوع ۳۵۵
- ۱۷۳- ولایت منافقان ۳۵۵
- ۱۷۴- ولایت مؤمنان ۳۵۵
- ۱۷۵- ولایت ناپسند ۳۶۱
- ۱۷۶- ولایت والدین ۳۶۱
- ۱۷۷- ولایت هارون(ع) ۳۶۱
- ۱۷۸- ولایت یهود ۳۶۱
- ۱۷۹- ویژگیهای ولایت خدا ۳۶۳

- ۱۸۰- {ولایت تکوینی} ۳۶۳
- ۱۸۱- ولایت تکوینی ۳۶۴
- ۱۸۲- ولایت تکوینی یوسف(ع) ۳۶۵
- ۱۸۳- آثار اعراض از ولایت خدا ۳۶۵
- ۱۸۴- آثار ذکر ولایت خدا ۳۶۵
- ۱۸۵- آثار رد ولایت خدا ۳۶۷
- ۱۸۶- آثار عقیده به ولایت خدا ۳۶۷
- ۱۸۷- آثار قبول ولایت خدا ۳۶۷
- ۱۸۸- آثار محرومیت از ولایت خدا ۳۶۸
- ۱۸۹- آثار ولایت خدا ۳۶۹
- ۱۹۰- اعراض از ولایت خدا ۳۷۲
- ۱۹۱- اهمیت ولایت خدا ۳۷۳
- ۱۹۲- حاکمیت ولایت خدا ۳۷۵
- ۱۹۳- حقانیت ولایت خدا ۳۷۶
- ۱۹۴- دلایل ولایت خدا ۳۷۷
- ۱۹۵- دین و ولایت خدا ۳۷۷
- ۱۹۶- ذکر ولایت خدا ۳۷۷
- ۱۹۷- زمینه ذکر ولایت خدا ۳۷۸
- ۱۹۸- زمینه ولایت خدا ۳۷۹
- ۱۹۹- شرایط ولایت خدا ۳۷۹
- ۲۰۰- شؤون ولایت خدا ۳۸۰
- ۲۰۱- عقل و ولایت خدا ۳۸۱
- ۲۰۲- عوامل محرومیت از ولایت خدا ۳۸۱
- ۲۰۳- قبول ولایت خدا ۳۸۳
- ۲۰۴- محرومیت از ولایت خدا ۳۸۵
- ۲۰۵- محمد(صلی الله علیه و آله) و ولایت خدا ۳۸۵

- ۳۸۶ ----- ۲۰۶- مدح ولایت خدا
- ۳۸۷ ----- ۲۰۷- مشمولان ولایت خدا
- ۳۸۹ ----- ۲۰۸- معروضان از ولایت خدا
- ۳۸۹ ----- ۲۰۹- نشانه های ولایت خدا
- ۳۹۱ ----- ۲۱۰- نیاز به ولایت خدا
- ۳۹۱ ----- ۲۱۱- ولایت خدا
- ۴۰۷ ----- ۲۱۲- ویژگیهای ولایت خدا
- ۴۰۹ ----- ۲۱۳- {ولایت و امامت}
- ۴۱۲ ----- ۷- ولی
- ۴۱۲ ----- ۱- آگاهی ولی
- ۴۱۲ ----- ۲- اختیارات ولی
- ۴۱۴ ----- ۳- دفع ضرر در ولی
- ۴۱۴ ----- ۴- شرایط ولی
- ۴۱۴ ----- ۵- منفعت رسانی در ولی
- ۴۱۴ ----- ۶- ولی مشرکان
- ۴۱۶ ----- ۷- ولی یوسف(ع)
- ۴۱۷ ----- ۸- ولید بن مغیره
- ۴۱۷ ----- ۱- آرزوهای ولید بن مغیره
- ۴۱۷ ----- ۲- استکبار ولید بن مغیره
- ۴۱۷ ----- ۳- اظهار دشمنی ولید بن مغیره
- ۴۱۷ ----- ۴- اعراض ولید بن مغیره
- ۴۱۹ ----- ۵- امکانات مادی ولید بن مغیره
- ۴۱۹ ----- ۶- انگیزه دشمنی ولید بن مغیره
- ۴۱۹ ----- ۷- بینش باطل ولید بن مغیره
- ۴۲۰ ----- ۸- تداوم توطنه ولید بن مغیره
- ۴۲۱ ----- ۹- تفکر ولید بن مغیره

- ۱۰- توطنه ولید بن مغیره ۴۲۱
- ۱۱- تهدید ولید بن مغیره ۴۲۱
- ۱۲- تهمتهای ولید بن مغیره ۴۲۳
- ۱۳- ثروتمندی ولید بن مغیره ۴۲۳
- ۱۴- حق ستیزی ولید بن مغیره ۴۲۵
- ۱۵- حق ناپذیری ولید بن مغیره ۴۲۵
- ۱۶- دشمنی ولید بن مغیره ۴۲۵
- ۱۷- ردایل اخلاقی ولید بن مغیره ۴۲۷
- ۱۸- زنازادگی ولید بن مغیره ۴۲۷
- ۱۹- زیاده طلبی ولید بن مغیره ۴۲۷
- ۲۰- طمع ولید بن مغیره ۴۲۸
- ۲۱- عجله ولید بن مغیره ۴۲۹
- ۲۲- فرزندان ولید بن مغیره ۴۲۹
- ۲۳- فلسفه دین ستیزی ولید بن مغیره ۴۲۹
- ۲۴- فلسفه مخالفت ولید بن مغیره ۴۳۱
- ۲۵- قدرت طلبی ولید بن مغیره ۴۳۱
- ۲۶- قیاس ولید بن مغیره ۴۳۱
- ۲۷- لجاجت ولید بن مغیره ۴۳۱
- ۲۸- لعن بر ولید بن مغیره ۴۳۳
- ۲۹- مخالفت ولید بن مغیره ۴۳۳
- ۳۰- ولید بن مغیره و قرآن ۴۳۳
- ۹- ویرانی ۴۳۵
- ۱- آثار ویرانی باغ سوخته ۴۳۵
- ۲- حتمیت ویرانی شهرها ۴۳۵
- ۳- زمین ویرانی روستاها ۴۳۵
- ۴- زمین ویرانی شهرها ۴۳۵

- ۴۳۷ ----- ۵- عذاب با ویرانی شهرها
- ۴۳۷ ----- ۶- عوامل ویرانی شهرها
- ۴۳۷ ----- ۷- عوامل ویرانی شهرهای قوم لوط
- ۴۳۹ ----- ۸- ملاک ویرانی مسجد
- ۴۳۹ ----- ۹- منشأ ویرانی
- ۴۳۹ ----- ۱۰- منشأ ویرانی شهرهای قوم لوط
- ۴۳۹ ----- ۱۱- وقت ویرانی باغ سوخته
- ۴۴۱ ----- ۱۲- ویرانی باغ سوخته
- ۴۴۱ ----- ۱۳- ویرانی خانه دشمنان دین
- ۴۴۲ ----- ۱۴- ویرانی خانه های قوم ثمود
- ۴۴۳ ----- ۱۵- ویرانی سد ذوالقرنین
- ۴۴۳ ----- ۱۶- ویرانی سرزمین قوم لوط
- ۴۴۵ ----- ۱۷- ویرانی شهر بصره
- ۴۴۵ ----- ۱۸- ویرانی شهر قوم لوط
- ۴۴۵ ----- ۱۹- ویرانی شهرها
- ۴۴۵ ----- ۲۰- ویرانی شهرهای اقوام پیشین
- ۴۴۷ ----- ۲۱- ویرانی شهرهای امت های پیشین
- ۴۴۷ ----- ۲۲- ویرانی شهرهای قوم لوط
- ۴۴۷ ----- ۲۳- ویرانی کاخ فرعونیان
- ۴۴۸ ----- ۱۰- هابیل
- ۴۴۸ ----- ۱- آثار قتل هابیل
- ۴۴۸ ----- ۲- ادب هابیل
- ۴۴۸ ----- ۳- اصلاح طلبی هابیل
- ۴۴۸ ----- ۴- انتصاب هابیل
- ۴۵۰ ----- ۵- انگیزه قتل هابیل
- ۴۵۰ ----- ۶- ایمان هابیل

- ۴۵۱ ۷- پاداش هابیل
- ۴۵۲ ۸- تحریف قصه هابیل
- ۴۵۲ ۹- تقوای هابیل
- ۴۵۳ ۱۰- تهدید هابیل
- ۴۵۴ ۱۱- خدانشناسی هابیل
- ۴۵۴ ۱۲- دفن هابیل
- ۴۵۶ ۱۳- شجاعت هابیل
- ۴۵۶ ۱۴- شخصیت هابیل
- ۴۵۷ ۱۵- عفو هابیل
- ۴۵۸ ۱۶- عقیده هابیل
- ۴۵۸ ۱۷- علم هابیل
- ۴۵۸ ۱۸- فضایل هابیل
- ۴۶۱ ۱۹- قابیل و هابیل
- ۴۶۲ ۲۰- قبول قربانی هابیل
- ۴۶۴ ۲۱- قتل هابیل
- ۴۶۶ ۲۲- قدرت هابیل
- ۴۶۶ ۲۳- قربانی هابیل
- ۴۶۸ ۲۴- قصه هابیل
- ۴۷۶ ۲۵- مسؤولیت هابیل
- ۴۷۶ ۲۶- مکان قتل هابیل
- ۴۷۷ ۲۷- منطق هابیل
- ۴۷۸ ۲۸- هابیل در اهل کتاب
- ۴۷۸ ۲۹- هابیل و قابیل
- ۴۸۱ ۳۰- هدیه هابیل
- ۴۸۲ ۳۱- هشدار هابیل
- ۴۸۳ ۱۱- هاروت

- ۴۸۳ ۱- تبعیت یهود از هاروت
- ۴۸۳ ۲- معلّم هاروت
- ۴۸۳ ۳- هاروت در بابل
- ۴۸۴ ۴- هاروت و تعلم جادوا
- ۴۸۴ ۵- هاروت و تعليم جادوا
- ۴۸۴ ۶- هشدارهای هاروت
- ۴۸۶ درباره مرکز

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 110

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- وعید

1- آثار وعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 113 - 9

9- ایجاد روحیه تقوا در آدمی ، نیازمند به کارگیری هشدار ها و وعید ها است .

و صرّفنا فیہ من الوعید لعلّہم یتّقون

2- تحقق وعید خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 3

3_ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جوایز تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادى . . . فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

3- وعید به پیروان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 43 - 2

2- هشدار و وعده تهدیدآمیز خداوند به پیروان گمراه ابلیس

إلا من اتبعك من الغاوين. وإن جهنم لموعدهم أجمعين

4- وعيد به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9- ابراهيم - 14 - 47 - 2

2- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس يوم يأتيهم العذاب فيقول الذين ظلموا .. . وقد مكروا مكروهم ... فلاتح

ص: 1

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است «فاء» تفریع در «فلا تحسبن» مؤید این ارتباط است.

5- وعید به قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 65 - 6, 5

5_ نزول عذاب بر قوم ثمود، وعده ای راستین و تخلف ناپذیر

ذکر وعده غیر مکذوب

6_ نزول عذاب بر قوم ثمود، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذکر وعده غیر مکذوب

6- وعید به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 40 - 12

12_ عذاب های وعده داده شده به کفرپیشگان، قانونمند و دارای حساب و کتاب تعیین شده و مشخص

و عنده أمّ الکتب... وعلینا الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 32 - 1

1 - وعده بهشت به متقین، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنم... و أزلفت الجنة للمتقین... هـ_ذا ما توعدون

7- وعید خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 138 - 7

7_ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 5

5_ وعده ها و وعید های خداوند ، برخاسته از ربوبیت او و برای رشد و تربیت انسانهاست .

ص: 2

قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً فهل وجدتم ما وعد ربكم حقاً

8- وعید در هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 8 - 6

6 - استفاده از وعده و وعید و هشدار و تشویق ، روش قرآن برای هدایت مردم است .

هدی . . . فبشره بعذاب ... لهم جنات النعیم

گوشزد کردن فرجام مؤمنان، پس از یادآوری عذاب معرضان از آیات خدا، شیوه ای است که در آن، برای شنونده امید و ترس ایجاد می شود و چنین حالتی شخص را در حالت اعتدال نگه می دارد.

9- وعید های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 1,2

1- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم آءای تی . . . و یقولون متی هـ ذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از «وعد» در این آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

2- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هـ ذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که «ال» در «الوعد» عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

وعید های

10- وعید های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 1,2

1- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءای_تی . . . و یقولون متی ه_ذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از «وعد» در این آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

2- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی ه_ذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که «ال» در «الوعد» عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت

ص: 3

2- وقت

1- ابزار وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 2,4

2 - ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هی موقیت للناس

«مواقیت» (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

4 - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

2- اختفای وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 5

5 - زمان قیامت ، نامعلوم است .

ثم إذا شاء أنشره

کارهایی که در آیات پیشین به خداوند نسبت داده شد، گرچه مقید به مشیت الهی است؛ ولی قید «إذا شاء» تنها در مورد محشور شدن انسان ذکر شده است تا این نکته را برساند که هر چند برای آن افعال (خَلَقَهُ، يَسِّرُهُ، أَمَاتَهُ وَأَقْبَرَهُ) می توان زمانی را حدس زد؛ ولی در مورد قیامت، تنها باید به خواست خداوند نظر داشت.

3- اختفای وقت هجوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 3 - 3

3 - پنهان داشتن زمان یورش بر دشمن و هجوم در لحظه های استراحت او ، روشی مطلوب در جهاد

فالمغیرت صبغًا

4- اعلام وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 3

3- زکریا (ع)، در مدت سکوت سه روزه، دخول وقت عبادت را در صبح و عصر، با اشاره به مردم اعلام می کرد.

فخرج علی قومه من المحراب فأوحى إليهم أن سبحوا بكرة وعشيًا

احتمال می رود جمله «فخرج...» در باره خروج زکریا(ع) در مدت سه روز باشد. در این صورت، «بکره و عشیاً» ظرف برای فعل های «خرج» و «أوحى» خواهد بود و مفاد آیه چنین می شود: چون زکریا(ع) وظیفه اعلام دخول وقت عبادت را برعهده داشت، در صبح و عصر آن سه روز که نمی توانست با مردم سخن بگوید، دستور «سبحوا» را با اشاره به آنان تفهیم می کرد.

5- اهمیت نماز اول وقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 2 - 20

20 - لزوم خواندن نماز، در ابتدای وقت آن *

وانحر

در «تاج العروس» آمده است: «نَحَرَ الصَّلَاةِ»؛ یعنی، نماز را در آغاز وقت آن خواند.

6- اهمیت وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 22,23,38

22 - آن هنگام که رشته سفید ظاهر شده در افق از رشته سیاه شب تمییز داده شود، هنگام فجر است.

حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

حرف «من» در «من الفجر» بیان برای «الخيط الأبيض» است؛ یعنی، آن رشته سفید همان فجر است.

23 - طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لكم ليله الصيام... كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

«ایاماً معدودات» در آیه 184، روزه را مخصوص روز می داند و «حتی یتبیین . . .» شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

38 - « عن ابی عبداللہ (ع) فی قوله تعالی « أتموا الصیام إلی اللیل » قال : سقوط الشفق ؛

از امام صادق (ع) در معنای «لیل» در آیه «أتموا الصیام إلی اللیل» روایت شده که شب با زائل شدن شفق شروع می شود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 4

ص: 5

4- از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 10

10- شناخت زمان و تنظیم آن ، برای زندگی انسان امری با اهمیت و حیاتی است .

لتعلموا عدد السنین و الحساب

اهمیت وقت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 5

5- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلّم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

7- اهمیت وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 36 - 15

15 - « عن الإمام موسى بن جعفر عن أبيه عليهما السلام في قول الله عزّوجلّ «... يسّح له فيها بالغدوّ والأصال»... قال الصلاة في أوقاتها ;

امام موسی بن جعفر (ع) از پدر بزرگوارش نقل می کند که درباره قول خدای عزّوجلّ - «... یسّح له فیها بالغدوّ و الأصال» فرمود: مقصود خواندن نماز در اوقات معین آن است.»

8- اهمیت وقت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 5

5- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

وسلّم عليه يوم ولد ويوم يموت ويوم يبعث حيّاً

9- بہترین وقت آسایش

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 9

ص: 6

9- شب، بهترین و مناسب ترین زمان برای استراحت و آسایش

یأتیکم بلیل تسکون فیه

تصریح خداوند به این که شب را برای آسایش و استراحت بشر قرار داده است، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

10- بهترین وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 64 - 9

9_ سحرگاهان، بهترین و مناسب ترین وقت برای نماز و عبادت

و الذین یتیتون لربهم سجّداً و قیّماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 3

3- شب هنگام، فرصتی مناسب و شایسته برای عبادت پروردگار

أمن فوقنا آلاء اللیل

یاد شدن وقت شب برای عبادت، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 1

1- شب، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قم اللیل... إن نأشئه اللیل... و أقوم قیلاً

«ناشئه» مشتق از «نَشَأُ» (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه «ناشئه» به «اللیل»، می تواند اضافه بیانیه و یا اضافه ظرفیه باشد. گفتنی است که آیه یاد شده تعلیل برای «قم اللیل...» می باشد؛ یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 7 - 1

1 - شب، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

«سبح» در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ»، تعلیل دیگری برای «قم اللیل» است؛ یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

11- بهترین وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 7

9_ سحرگاهان ، بهترین و مناسب ترین وقت برای نماز و عبادت

و الذین یبیتون لربهم سجّداً و قیّماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 1

1 - شب ، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قم الّیل . . . إنّ ناشئه الّیل ... و أقوم قیلاً

«ناشئه» مشتق از «نُشأ» (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه «ناشئه» به «اللیل»، می تواند اضافه بیانیه و یا اضافه ظرفیه باشد. گفتنی است که آیه یاد شده تعلیل برای «قم اللیل...» می باشد؛ یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

12- تعیین وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 104 - 1

1_ خداوند برای برپایی قیامت ، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما نُؤخّره إلاّ لأجل معدود

13- تفاوت وقت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 17 - 5

5- زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها ، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقدار حرکت ماده اند، تفاوتی با هم ندارند، اما از این که برخی ایام برای تسبیح خداوند مناسب معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله . . . وعشيًا و حين تطهرون

ص: 8

14- جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 104 - 4

4- زمان برپایی قیامت برای انسان ها مجهول است و همچنان مجهول خواهد ماند .

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 21 - 3، 2

2- خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون ایتان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در «یشعرون» و «یبعثون» معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

3- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون ایتان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر «یبعثون» پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی «یدعون» است.

15- شگفتی وقت افشای رازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 10 - 6

6 - غفلت از فرجام اخروی و لحظه برملا شدن اسرار آدمی ، شگفت آور و حالتی نکوهیده است .

أفلا یعلم إذا . . . و حصّل ما فی الصدور

مفعول «أفلا یعلم» یا محذوف است؛ یعنی: «أفلا یعلم مآله؟» و یا کلمه «إذا» از ظرفیه خارج شده و مفعول به قرار گرفته است؛ یعنی: «أفلا یعلم وقت . . . تحصیل ما فی الصدور؟». در این صورت مراد، توییح بر غفلت از حوادث آن زمان است.

16- علم به وقت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 110 - 4

4- علم به زمان کیفر و عذاب انسان ها ، درگرو آگاهی به نهان و آشکار آنان است .

إن أدری أقریب . . . إنه یعلم الجهر من القول

ص: 9

17- علم به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 21 - 4

4- داشتن حیات و مطلع بودن از زمان وقوع قیامت ، از شرایط الوهیت

آموت غیر اَحیاء و ما یَشعرون اَیَّان یبعثون

از اینکه خداوند در مقام رد الوهیت معبودهای مشرکان، از آنها به عنوان مردگانی فاقد هرگونه حیات و شعور نام می برد، می توان استفاده کرد که خدا باید دارای حیات و علم باشد.

18- فضیلت نماز اول وقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 78 - 9

9- نماز صبح در اول فجر ، مورد شهود و نظاره ای ویژه

إن قرءان الفجر کان مشهودًا

چنان که از روایات استفاده می شود «شهود ویژه» عبارت است از شهود ملائکه شب و ملائکه روز که هر دوی آنان، شاهد نماز صبح نمازگزارند.

19- نقش جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 24

24- مشخص نبودن زمان وقوع قیامت و نزدیک شمردن آن ، دارای نقش تربیتی و هدایتی برای انسان

قل عسی أن یكون قریبًا

مشخص نکردن زمان دقیق وقوع قیامت از سویی و یادآوری قریب الوقوع بودن آن از سوی دیگر، می تواند برای توجه دادن انسانها به آن باشد تا آنان خود را همواره برای وقوع قیامت آماده کنند.

20- نقش علم به وقت قیامت

23- بی نیازی انسان از دانستن زمان دقیق وقوع رستاخیز و تأثیر نداشتن آن در هدایت و کمال او

قل عسی أن یکون قریباً

از اصرار قرآن در اثبات اصل معاد و از عدم تعیین وقت مشخص برای آن، استفاده می شود که انسان برای راه یابی به صلاح و هدایت و ایمان به قیامت، نیازی به دانستن زمان دقیق معاد ندارد.

ص: 10

21- وقت آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 2

2 - شب ، زمانی مناسب برای آرمیدن و آرامش یافتن

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه

22- وقت آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 73 - 2

2 - شب ، بستری مناسب برای سکون و آرامش انسان

جعل لکم الّیل . . . لتسکنوا فیه

23- وقت احتجاج ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 4

4- گفت وگویی ابراهیم (ع) با آزر ، در زمان نبوت آن حضرت بوده است . *

إنّه کان صدیقاً نبیّاً . إذ قال لأبیه

در باره «إذ قال . . .» چندین احتمال ادبی وجود دارد. 1_ بدل برای «ابراهیم» باشد که در این صورت حکم مفعولٌ به برای «اذکر» در آیه قبل را دارد. 2_ ظرف برای «کان» و یا «نبیّاً» باشد. برداشت فوق بر احتمال دوم مبتنی است.

24- وقت ارائه معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 6

6 - موسی (ع) ، مناسب ترین زمان را برای تبلیغ و ارائه معجزات خویش و منکوب ساختن فرعون برگزید .

قال موعدکم یوم الزینہ و أن یحشرالناس ضحی

روز عید، نوعاً روز فراغت و آمادگی فکری مردم است. انتخاب چنین روزی از سوی موسی (ع) و نیز توجه به حضور گسترده مردم در روشنایی روز، حکایت از انتخاب مناسب آن حضرت دارد.

ص: 11

25- وقت ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 5

5 - سحرگاهان ، لحظاتی مبارک ، برای صالحان *

نجین_هم بسحر

تصریح به «سحر» و تعیین زمان نجات خاندان لوط، ممکن است بیانگر مطلب یاد شده باشد.

26- وقت استراحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 5

5 - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

27- وقت استراحت مصریان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 15 - 1

1 - ورود موسی (ع) به شهر مصر ، در ساعت استراحت و غفلت و بی خبری مردم

و دخل المدینه علی حین غفله من أهلها

«غفلت» به معنای بی خبری و مراد از «علی حین غفله من أهلها» (ساعت بی خبری مردم شهر) زمانی است که مردم دست از کسب و

کار می کشند و به خانه هایشان برمی گردند و از آنچه در شهر می گذرد بی خبر می مانند.

28- وقت استراحت مولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 10.15

10 - رفت و آمد خدمت کاران به اتاق صاحبان خود، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر، استراحت نیمروزی و هنگام خواب شب، بدون اذن جایز است .

لیستندکم الذین ملکت ایم_نکم . . . من قبل صلوه الفجر . . . لیس علیکم و لا علیهم جنا

15 - ضرورت معاشرت تنگاتنگ خدمت کاران با صاحبان خود و مشقت اجازه خواستن، فلسفه و دلیل لازم نبودن اذن خواستن برای رفت و آمد نزدیک آنان در غیر از سه وقت مقرر

لیستندکم . . . ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوفون علیکم بعضکم

ص: 12

29- وقت استراحت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 4,11

4 - پیش از نماز بامداد ، وقت استراحت نیمروزی (ظهر) و پس از نماز عشا (هنگام خواب شب) ، سه زمان برهنگی و خلوت پدران و مادران محسوب می شود .

لیستندنکم ... ثلث مرّت من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثيابکم من الظهیره و من بعد

11 - رفت و آمد فرزندان به اتاق پدر و مادر ، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا ، بدون اذن جایز است .

لیستندنکم ... و الذین لم يبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

30- وقت استغفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 15

15- خصوصیت های زمانی ، در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت دخیل است .

سأستغفر لک ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 18 - 2

2- سحرگاهان ، بهترین و مناسب ترین زمان برای راز و نیاز با خداوند و طلب آمرزش از او

و بالأسحار هم یستغفرون

31- وقت استغفار یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 18

18_ « عن أبی عبدالله (ع) : فی قول یعقوب لبنیه « سوف أستغفر لکم ربی » قال : آخرها إلی السحر لیله الجمعه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب که گفت: «سوف أستغفر لکم ربی» روایت شده است که فرمود: یعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت.».

32- وقت اعلام تبری از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 3

3_ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، روز ابلاغ پیام برائت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عموم مردم حاضر در مراسم حج

ص: 13

و أذن من الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر

بر اساس نظر مفسران، سال نهم هجرت، سال اعلام براءت است و بر پایه روایاتی که از ائمه معصومین (ع) رسیده است، روز حج اکبر، دهم ذیحجه است.

33- وقت انتقام از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 16 - 2

2- انتقام اصلی خداوند از کفر پیشگان ، موکول به روز قیامت

یوم نبطش البطشه الكبرى إنا منتقمون

34- وقت ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 18 - 1

1- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم

35- وقت بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 6,7,8

6- بازگشت انسان به سوی خدا است .

یوم یرجعون إلیه

7- خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قد يعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «و یوم..» عطف بر «ما أنتم...» باشد.

8 - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 57 - 7

7 - بازگشت به خدا ، بلافاصله پس از مرگ نیست ، بلکه پس از گذشت مدتی طولانی خواهد بود .

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

ص: 14

«ثم» حرف عطف تراخی دلالت بر نکته بالا می کند.

36- وقت بازگشت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 4

4- ورود مریم (س) با نوزادش عیسی (ع) بر قوم خویش، به هنگام روز بود.

فلن أكلّم اليوم إنسيًا .. فأشارت إليه

37- وقت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 187 - 3,6,10

3_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به اعلام عدم آگاهی خویش به لحظه فرارسیدن قیامت

قل إنما علمها عند ربی

6_ برپایی و ظهور قیامت دارای وقتی مشخص

لا یجلیها لوقتها إلا هو

10_ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت، حتی به صورت احتمال

لا تأتیکم إلا بغته

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که انسان زمان تحقق آن را، حتی به صورت احتمال و حدس، در ذهن خویش ترسیم نکرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 14

14_ زمان برپایی قیامت از امور غیبی است.

لو كنت أعلم الغیب لاستكثرت من الخیر

پیامبر(صلی الله علیه و آله) در پاسخ کسانی که می پنداشتند او به زمان برپایی قیامت آگاهی دارد، با جمله «لو كنت أعلم الغيب . . .» بیان می دارد که من عالم به غیب نیستم ; یعنی زمان برپایی قیامت از امور غیبی جهان است.

38- وقت برخورد سپاه فرعون با بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 60 - 1

1 - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

ص: 15

واژه «مشرقین» از مصدر «اشراق» (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل «أتبعوهم» می باشد؛ یعنی، «فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس». گفتنی است که «إتباع» (مصدر «أتبعوا») در این جا به معنای ملحق شدن است.

39- وقت بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 11 - 3

3 - «قال الصادق (ع): «أُتت» أي بعثت فی أوقات مختلفه ;

امام صادق(ع) درباره «أُتت» فرمود: یعنی [آن گاه که رسولان] در اوقات مختلف مبعوث شوند».

40- وقت بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 7

7- بیداری اصحاب کهف ، هم زمان با یکدیگر و در هنگامی بود که پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض . . . فابعثوا أحدکم

از گفتگوی اصحاب کهف در باره مشخصات زمان خواب شان و نیز از تصمیم آنان به تهیه غذا از شهر، نکته فوق استفاده می شود.

41- وقت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 5

5- قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

«دین» در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 41 - 5

5- آخرت، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ يجزيه الجزاء الأوفى

به کار رفتن عبارت «الجزاء الأوفى» برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد؛ اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

ص: 16

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 9 - 8

8 - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتقوا الله الذی الیه تحشرون

«حشر» (مصدر «تحشرون») به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

42- وقت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 30 - 2

2 - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأما الذین ءامنوا .. وأما الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

43- وقت پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 19 - 9

9- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجاتٍ ممّا عملوا و لیوفّیهم اعمّ لهم و هم لایظلمون

لام در «لیوفّیهم»، بیانگر غایت و هدف است و این که با «واو» آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 148 - 11

11 - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت این ما تكونوا یأت بکم اللّٰه جمیعاً

جمله «این ما تكونوا . . .» تعلیل جمله قبل است؛ یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک پردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 6 - 1

1 - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّٰه جمیعاً فینبئهم بما عملوا

ص: 17

44- وقت پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 30 - 2

2 - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأما الذين ءامنوا . . . وأما الذين كفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

45- وقت پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 109 - 12،13

12- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

وإن أدرى أقرب أم بعيد ماتوعدون

«إن» در «إن أدرى» نافیه است.

13- محدودیت علم پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدرى أقرب أم بعيد ماتوعدون

46- وقت تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 67 - 3

3_ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه «مبصراً» لفظ «مظلماً»، بعد از «الّیل» ؛ و به قرینه «لتسکنوا فیه» جمله «لتعملوا فیه»، بعد از لفظ «مبصراً» مقدر است ؛ یعنی: هو

الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً لتعملوا فیہ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 6

6- روز، زمان مناسب برای تلاش و کوشش جهت تأمین زندگی است .

و من ءای_ته . . . و النهار و ابتغاؤکم من فضله

برداشت بالا همان گونه که برخی مفسران نیز گفته اند، بنابراین اساس است که در آیه، تقدیم و تأخیری به این صورت «و

ص: 18

من آیاته منامکم باللیل و ابتغواکم من فضله بالنهار» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 22

22 - روز، زمان مناسب برای تلاش اقتصادی و تأمین زندگی

تقوم أدنی من ثلثی الیل . . . بیتغون من فضل الله

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که تلاش روزانه (بیتغون . . .) در برابر شب زنده داری (تقوم...اللیل) واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 2

2 - روز، زمانی مناسب برای فعالیت و فراهم سازی آذوقه زندگانی

و جعلنا النهار معاشاً

از جمله معانی «معاش» «معیشت» است؛ یعنی، آنچه زندگی به آن تداوم یابد (لسان العرب). مفاد آیه شریفه با توجه به این معنا، مبالغه در سبب بودن روز برای معیشت و زندگانی است.

47- وقت تأمین نیاز محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 7 - 5

5 - «عن أبي جعفر (ع) فی قوله: «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً» يقول: فراغاً طویلاً لنومک و لحاجتک؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً» روایت شده که خدا [به رسول خود] می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت».

48- وقت تجمع اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 21 - 1

1 - صاحبان بوستان یمنی در سپیده صبح، همدیگر را صدا زده و در یک جا اجتماع کردند .

«مصبح» (مفرد «مصبحین») به کسی گویند که در آغاز طلوع فجر (سپیده صبح) وارد شده باشد.

49- وقت تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 25 - 4، 2، 1

ص: 19

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور ابلاغ صریح آگاه نبودن خویش، از زمان تحقق وعده های خداوند به مردم

قل إن أدری أقرب ما توعدون

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود.

قل إن أدری أقرب ما توعدون أم يجعل له ربی أمداً

«أمد» در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن_ به قرینه «قرب»_ مدت طولانی است.

4 - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقرب ما توعدون أم يجعل له ربی أمداً

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره «نضربن حارث» است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: «متی ه_ ذا الوعد إن کنتم صادقین» (10/48).

50- وقت تسبیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 17 - 4, 3

3 - تسبیح و تنزیه خداوند، در هر صبح و شام، لازم است.

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

برداشت بالا، بنابراین است که «سبحان» بدل از فعل امر باشد.

4 - صبح گاهان و شام گاهان، لحظه هایی ویژه و مناسب برای تسبیح و عبادت خدا است.

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 2, 4

2 - تسبیح خداوند به هنگام شام گاه و نیم روز، لازم است.

فسبحن الله... و عشیاً و حین تطهرون

4- تسبیح خداوند در همه لحظه ها و فرصت ها ، لازم است .

فسیحن الله حین تمسون و حین تصبحون . . . و عشیاً و حین تظہرون

احتمال دارد ذکر اوقات یاد شده _ که وقت های ممتاز شبانه روز است _ کنایه از همه لحظه های مناسب شبانه روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 42 - 3

3- صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا الله . . . و سبحوه بکره و أصیلاً

بنابراین که «بکره» و «أصیلاً» به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

ص: 20

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 6

6 - شبانگاه و بامداد، بهترین وقت برای تسبیح پروردگار جهان

یسَّبِحَنَّ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که تصریح به شبانگاه و بامداد به خاطر خصوصیت ویژه ای باشد که در آن دو زمان وجود دارد و قهراً این خصوصیت می تواند حاکی از برتری و امتیاز آن دو وقت باشد.

51- وقت تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 15

15- سپیده دم و پسین گاه، زمان های مناسب برای تسبیح خداوند

أَنْ سَبَّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 6،7

6- پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، موظف به تسبیح و حمد پروردگار، پیش از طلوع و غروب خورشید

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

«باء» در «بحمد ربّک» یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب «سَبِّحْ» گرچه مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

7- تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

وَمِنْ أَمْرٍ آتَى الْيَلِّ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

«آناء» به معنای «ساعات و اوقات» است و «من» معنای تبعیض دارد. بنابراین «من آناء اللیل»؛ یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. «بحمد ربّک» در صدر آیه، قرینه بر این است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند ، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع . . . یسبح له فیها بالغدو و الأصال

13 - صبح و شب ، موقعیت های بسیار مناسب برای تسبیح و تقدیس خداوند

یسبح له فیها بالغدو و الأصال

قید «بالغدو و الأصال» برای این نیست که تسبیح را به دو وقت صبح و شب مقید سازد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این دو وقت از میان دیگر وقت ها بیانگر مناسب تر بودن آن دو، برای تسبیح و عبادت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 12،16

ص: 21

12 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

16 - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 9 - 9

9 - آغاز و پایان هر روز ، مناسب ترین لحظات برای یاد خدا و تسبیح او

و تَسْبِيحُوهُ بَكْرَهُ وَأَصِيلاً

اختصاص یافتن «بکره» و «أصیلاً» به ذکر، ممکن است کنایه از همه لحظات نباشد، بلکه تأکیدی بر این دو مجال به حساب آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 39 - 10، 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور تسبیح و ستایش پروردگار ، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

10 - « عن النبي (صلی الله علیه و آله) فی قوله « و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ » قال : قبل طلوع الشمس صلاة

الصبح ، و قبل الغروب صلاة العصر ؛

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره سخن خداوند «و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ . . .» روایت شده است که فرمود: [مراد از

تسبیح] قبل از طلوع خورشید «نماز صبح» و [مراد از تسبیح] قبل از غروب «نماز عصر» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 10

10 - شب هنگام ، وقت مناسب برای عبادت ، تسبیح و ستایش خداوند

و من الیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً

52- وقت تشخیص جنسیت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 5

5- مشخص شدن جنسیت (نر و ماده بودن) ، پس از استقرار نطفه در رحم

و أنه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه إذا تمنی

وصف «إذا تمنی»، می تواند بیانگر این معنا باشد که نوع زوجین و جنسیت آنها، پس از جریان نطفه و استقرار در رحم صورت می گیرد.

ص: 22

53- وقت تعیین سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 6

6- شب قدر ، شب سرنوشت

فیها یفرق کلّ امر حکیم

با این که در معنای آیه شریفه، احتمال های مختلفی رخ می نماید؛ اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شده است. به علاوه که ارتباط این آیه با وصف «مبارکه» در آیه قبل، مؤید آن است.

54- وقت تقدیر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 1

1- شب قدر ، شب تقدیر ، تدبّر و تثبیت امور هستی

فیها یفرق کلّ امر حکیم

واژه «یفرق» ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 5

5 - مشخصات امور جهان در شب قدر ، تعیین می شود .

لیله القدر

«قدر» در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله «تقدیر» (مصباح)؛ «تدبیر امور» (قاموس)؛ «تقسیم ارزاق»، «شرف» و «عظمت» (تاج العروس) و . . . برداشت یاد شده ناظر به معنای اول و دوم است. مطلق بودن کلمه «قدر»، آن را شایسته تطبیق بر تمام مقدرات ساخته و «من کلّ امر» (در ذیل سوره) گواه تعمیم است.

55- وقت تقسیم روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - « عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنَّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنَّ في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كلُّ أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلَّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان،

ص: 23

شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

56- وقت تلاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 2

2 - روز ، زمانی مناسب برای فعالیت و فراهم سازی آذوقه زندگانی

و جعلنا النهار معاشاً

از جمله معانی «معاش» «معیشت» است؛ یعنی، آنچه زندگی به آن تداوم یابد (لسان العرب). مفاد آیه شریفه با توجّه به این معنا، مبالغه در سبب بودن روز برای معیشت و زندگانی است.

57- وقت توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 34 - 2

2- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ... ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كَفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول «لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ» نخواهد بود.

58- وقت تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 79 - 10

10- لحظات آرام و تیره شب ، لحظاتی مناسب برای ارتباط با خدا و اوج گرفتن در مقامات معنوی

و من الیل فتهجد به .. عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً

هر چند عبادت در همه حالات مناسب است، اما اختصاص به ذکر شب از میان سایر اوقات بخصوص با لفظ «تهجد» _ که بیدار شدن از

خواب را دربردارد _ می تواند بر نکته فوق دلالت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 5

5 - لزوم پرداختن به تهجد، پس از استراحت

ص: 24

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْءًا

برخی از اهل لغت «ناشئه اللیل» را به برخاستن پس از خوابیدن (القومه بعد النومه) معنا کرده اند (قاموس المحيط).

59- وقت ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 29 - 8

8 - نسخه برداری از اعمال آدمیان ، هم زمان با صدور عمل از سوی آنان *

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ

تعبیر «إِنَّا كُنَّا..» با «ما كنتم...» هم وزن و هر دو ماضی استمراری است. این هماهنگی تعبیرها، افاده می کند که استنساخ عمل، هم زمان با خود عمل صورت گرفته است.

60- وقت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 4,5

4 - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

5 - حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحج

«الحج» عطف به «الناس» می باشد؛ یعنی، هی موقیت الحج.

61- وقت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 6,7

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

«باء» در «بحمد ربّک» یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب «سَبِّحْ» گرچه مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

7 - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

و منْ أُنَايَ الْيَلِّ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ

«أُنَاء» به معنای «ساعات و اوقات» است و «من» معنای تبعیض دارد. بنابراین «من أُنَاء اللَّيْلِ»؛ یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. «بحمد ربّک» در صدر آیه، قرینه بر این است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

ص: 25

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 16، 12

12 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

16 - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

62- وقت خلقت آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 20

20 _ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « یوم الجمعة سید الأيام . . . خلق الله فيه آدم واهبط فيه آدم إلى الأرض » ;

روز جمعه شریف ترین روزهاست . . . در آن روز خداوند آدم را آفرید و در همین روز او را به زمین فرستاد».

63- وقت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 5، 3

3 _ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصراً

به قرینه «مبصراً» لفظ «مظلماً»، بعد از «اللیل» ؛ و به قرینه «لتسكنوا فيه» جمله «لتعملوا فيه»، بعد از لفظ «مبصراً» مقدر است ؛ یعنی: هو الذي جعل لكم الليل مظلماً، لتسكنوا فيه والنهار مبصراً لتعملوا فيه.

5 _ شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است .

هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 3

3 - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءای_ته منامکم بالیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و «النهار» مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به «إبتغاء» و «باللیل» متعلق به «منامکم» باشد، نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 5

5 - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

ص: 26

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

64- وقت خواب محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 7 - 5

5- « عن أبي جعفر (ع) في قوله: «إنَّ لك في النهار سبحةً طويلاً» يقول: فراغاً طويلاً لنومك و لحاجتك ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: «إنَّ لك في النهار سبحةً طويلاً» روایت شده که خدا [به رسول خود] می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت».

65- وقت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 186 - 15

15 - ماه رمضان ، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان .. و إذا سألك عبادي عني فإني أجيب دعوة الداع

برداشت فوق بیانگر وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 9

9_ بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

يدعون ربهم بالغدوة والعشيّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 8

8- سپیده دم و پسین ، فرصت هایی مناسب برای دعا به درگاه خداوند است .

بالغدوة والعشيّ

مراد از «غده و عشی» ممکن است دو زمان مخصوص باشد و احتمال می رود تمام ساعات شبانه روز مورد نظر باشد. برداشت بالا، ناظر به نخستین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 15

15- خصوصیت های زمانی، در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت دخیل است.

سأستغفر لک ربّی

ص: 27

66- وقت ذبح قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 33 - 2

2 - مراسم قربانی ، دارای زمانی معین است .

لکم فیها من فاع إلى أجل مسمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 3

3 - مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هریک از ادیان آسمانی پیشین

و لکلّ أُمَّه جعلنا منسگًا

67- وقت ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 41 - 14

14 - آغاز و پایان روز ، از مناسبترین اوقات برای یاد خدا

و اذکر ربّک . . . بالعشّی و الابکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 42 - 3

3 - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا الله . . . و سبّحوه بکره و أصیلاً

بنابراین که «بکره» و «أصیلاً» به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

68- وقت ذکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 9 - 9

9 - آغاز و پایان هر روز ، مناسب ترین لحظات برای یاد خدا و تسبیح او

ص: 28

و تسبیحوه بکره و أصیلاً

اختصاص یافتن «بکره» و «أصیلاً» به ذکر، ممکن است کنایه از همه لحظات نباشد، بلکه تأکیدی بر این دو مجال به حساب آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 39 - 9

9 - قبل از طلوع و غروب خورشید ، لحظه هایی مناسب برای یاد خدا *

و سبِّح بحمد ربِّک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 8 - 2

2 - لزوم ذکر و یادکردن پروردگار در ضمن تلاش گسترده روزانه

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا . و اذکر اسم ربِّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 25 - 1,5

1 - ذکر نام پروردگار و یاد او در سپیده دم و پسین گاه ، توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و اذکر اسم ربِّک بکره و أصیلاً

«بکره»، هم به فاصله میان نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب) و هم به آغاز روز (مفردات راغب). «أصیلاً» به فاصله میان عصر و مغرب گفته می شود (صحاح اللغه) و نیز به معنای آخر روز آمده است (العین). «ذکر» هم دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان. (مفردات راغب)

5 - سپیده دم و پسین گاه ، از اوقات مناسب برای ذکر و یاد خداوند

و اذکر اسم ربِّک بکره و أصیلاً

أصیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 1

1 - زمان روزه گرفتن ، روزهاست نه شبها

کتب علیکم الصیام .. آیاماً

«آیاماً» ظرف زمان برای «الصیام» در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 1

1 - ماه رمضان ، ماهی که برای روزه گرفتن تعیین شده است .

ص: 29

کتب علیکم الصیام . . . آیاماً معدودت ... شهر رمضان

«شهر رمضان» خبر برای مبتدای محذوف؛ یعنی، «هی» است که به «آیاماً معدودات» بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 21

21 - زمان روزه از طلوع فجر تا شب است .

ثم أتموا الصیام إلى الیل

70- وقت شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 37

37 - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده: «فان قال: فلم جعل الصوم فی شهر رمضان خاصه دون سایر الشهور؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذی أنزل الله فی القرآن و فیهِ فرّق بین الحق و الباطل كما قال الله عز و جل «شهر رمضان الذی أنزل فیهِ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» و فیهِ تبیء محمد (صلی الله علیه و آله) و فیهِ لیله القدر التی هی خیر من ألف شهر . . .»

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده «شهر رمضان الذی أنزل فیهِ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان». در این ماه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 4 - 44 - 9

9- «عن أبی عبداللّه (ع): . . . إذا كانت لیله ثلاث و عشرين (من رمضان) « فیها یفرق کلّ أمر حکیم » . . .»

از امام صادق (ع) روایت شده است: . . . هرگاه شب بیست سوم رمضان فرا رسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد. . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 1 - 97 - 10, 11, 12

10 - «عن اسحاق بن عمار عن أبی عبداللّه (ع) قال: سمعته یقول و ناس یسألونه و یقولون إنَّ الأرزاق تقسم لیله النصف من شعبان فقال

: لا والله ما ذلك إلا في ليلة تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليلة تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليلة احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليلة ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليلة القدر التي قال الله : « خير من ألف شهر » ؛

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه

ص: 30

خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر».

11 - « عن زراره عن أبي جعفر (ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي إحدى وعشرين أو ثلاث وعشرين ;

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است».

12 - « عن ابن عمر قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : التمسوا ليلة القدر ليلة سبع وعشرين ;

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 5

5 - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سَلْمِ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

حرف «حَتَّى» _ که برای بیان انتهای غایت است _ دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

71- وقت شکست حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 111 - 1

1- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

وإن أدري لعلّه فتنه لكم

ضمیر «لعلّه» به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

72- وقت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 26 - 2

2- زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حَتَّىٰ إِذَا آوَا مَا يُوعَدُونَ.. أَقْرَبَ مَا تُوْعَدُونَ... عِلْمُ الْغَيْبِ

تعریف «الغیب» برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و «عالم الغیب» خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی _ به قرینه آیات پیشین _ مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

ص: 31

73- وقت شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 111 - 1

1- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است.

وإن أدری لعلّہ فتنه لکم

ضمیر «لعلّہ» به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

74- وقت شکست مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 111 - 1

1- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است.

وإن أدری لعلّہ فتنه لکم

ضمیر «لعلّہ» به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

75- وقت شناسی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 17

17_ ضرورت بهره گیری مبلغان دینی، از فرصت های مناسب برای ارشاد و هدایت مردم

أءنک لآنت یوسف قال أنا یوسف . . . من یتق و یصبر

76- وقت طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 8

8- بامداد و عصر ، وقت هایی مناسب برای غذا خوردن

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً

ص: 32

77- وقت طلوع فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 22

22 - آن هنگام که رشته سفید ظاهر شده در افق از رشته سیاه شب تمیز داده شود ، هنگام فجر است .

حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

حرف «من» در «من الفجر» بیان برای «الخيط الأبيض» است؛ یعنی، آن رشته سفید همان فجر است.

78- وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 17 - 5

5 - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها ، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله حين تمسون و حين تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقدار حرکت ماده اند، تفاوتی با هم ندارند، اما از این که برخی ایام برای تسبیح خداوند مناسب معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 5,6

5 - ظهر و عشا ، لحظه هایی مناسب و ممتاز برای عبادت خداوند است .

فسبحن الله ... و له الحمد ... و عشياً و حين تطهرون

در صورتی که مراد از «حين تطهرون» همان لحظه های خاص عصرگاه و نیم روز باشد، این برداشت قابل استفاده است.

6 - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله ... و عشياً و حين تطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - شب هنگام ، وقت مناسب و شایسته برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی

كانوا قليلاً من الّيل ما يهجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 7

7 - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إنّ ناشئه الّيل هي أشدّ وطءًا

یکی از معانی «ناشئه اللیل»، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

ص: 33

79- وقت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 53 - 8,9

8 - کیفر و عذاب خداوند ، تابع سنتِ اجلِ تعیین شده او است .

و لولا أجل مسمی لجاهم العذاب

9 - عذاب تعیین شده برای کافران ، به خاطر اجل معین ، تأخیر دارد و لکن تحقق اش قطعی است .

و لولا أجل مسمی لجاهم العذاب

80- وقت عذاب اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 94 - 13

13_ کفرپیشگان قوم شعیب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند .

فأصبحوا فی دی_رهم ج_ثمین

«أصبحوا» می تواند به معنای «دخلوا فی الصباح» (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای «صاروا» (شدند و گشتند) باشد. بر اساس معنای نخست، جمله «فأصبحوا» دلالت می کند که هلاکت قوم شعیب در آغاز صبحدم بوده است و صیحه و غرش _ به قرینه «فاء» در «فأصبحوا» _ پیش از صبح؛ یعنی، در شب تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 37 - 4

4 - زلزله مدین ، در شب رخ داد .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا فی دارهم ج_ثمین

احتمال دارد که «أصبحوا» به معنای «دخلوا فی الصباح» باشد. بنابراین، زلزله، در شب اتفاق افتاده است.

81- وقت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

وإن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

«إن» در «إن أدری» نافیه است.

13- محدودیت علم پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

ص: 34

82- وقت عذاب قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 67 - 9

9_ کفر پیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا في ذي رهم ج_ثمین

چنان چه «أصبحوا» به معنای «دخلوا في الصباح» باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صیحه و غرش _ به قرینه فاء در «فأصبحوا» _ پیش از صبح; یعنی در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 83 - 1

1- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی ، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين . و آتین_هم آء_تنا ... معرضین ... فأخذتهم الصی

83- وقت عذاب قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 23 - 4, 1

1- اظهار بی اطلاعی هود (ع) ، از کیفیت و زمان نزول عذاب الهی بر کافران قومش

فأتنا .. قال إنما العلم عند الله

4- هود (ع) ، تنها موظف به ابلاغ رسالت خویش و نه تعیین زمان عذاب و آوردن آن

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما العلم عند الله و أبلغكم ما أرسلت به

84- وقت عذاب قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 28, 23, 3

3_ فرشتگان ، فرارسیدن زمان عذاب و کیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ کردند .

إنارسل ربك لن يصلوا إليك فأسر . . أليس الصبح بقريب

23_ صبحگاه ورود فرشتگان به دیار قوم لوط ، زمان مقرر شده برای نزول عذاب بر آن قوم

إن موعدهم الصبح

«ال» در «الصبح» جانشین مضاف الیه است. بنابراین «إن موعدهم الصبح»؛ یعنی: پگاه امشب ، زمان عذاب موعود قوم لوط می باشد.

28_ « عن أبي بصير و غيره عن أحدهما عليهما السلام : . . . لما قال جبرئيل : « إنارسل ربك » قال له لوط : يا جبرئيل

ص: 35

عَجَل ، قال : نعم ، قال : يا جبرئيل عَجَل ، قال : « إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب » . . . فأدخل جناحه تحتها حتى إذا استعلت قلبها عليهم ورمى جدران المدينة بحجار من سجّيل وسمعت إمراه لوط الهدهه فهلكت منها ;

ابوبصير و غير او از امام باقر يا امام صادق _عليهما السلام_ روايت کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: «موعده هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟»... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گِل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 66 - 4

4- عذاب و هلاکت قوم لوط ، در صبحگاهان تحقق پذیرفت .

آن دابر هـ_ؤلاء مقطوع مصبحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 38 - 1,2

1 - نزول عذاب بر قوم لوط ، در صبحگاهان

و لقد صَبَّحَهُمْ بَكْرَهُ عَذَابٍ مُسْتَقَرًّا

2 - وزش طوفان شن بر قوم لوط ، در نخستین ساعات روز

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا .. و لقد صَبَّحَهُمْ بَكْرَهُ عَذَابٍ

85- وقت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 109 - 12,13

12- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

وإن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

«إن» در «إن أدرى» نافیه است.

13- محدودیت علم پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدرى أقریب أم بعید ماتوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 53 - 10، 5

5- عذاب های تعیین شده از سوی خداوند برای کافران ، دارای اجل و وقت معینی است .

ولولا أجل مسمی لجاؤهم العذاب

ص: 36

10 - عذاب کافران در موعد مقرر، به صورت ناگهانی، آنان را فراخواهد گرفت .

و لياتينهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 54 - 7

7 - کافران، اگر به خاطر اجل تعیین شده در دنیا، گرفتار عذاب نشوند، عذاب اخروی شان قطعی است .

و يستعجلونك بالعذاب ولولا أجل مسمى لجاهم العذاب . . . يستعجلونك بالعذاب وإنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 26 - 2

2 - زمان نزول عذاب، شکست کافران و برپایی قیامت، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّى اذا اوا ما يوعدون.. اقريب ما توعدون... علم الغيب

تعریف «الغیب» برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و «عالم الغیب» خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی _ به قرینه آیات پیشین _ مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 27 - 3

3 - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری اقريب ما توعدون . . . إلا من ارتضى من رسول

86- وقت عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 16

16 - تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا، مهلت خداوند به آنان است .

فليمدد له الرحمن مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ

87- وقت عذاب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 109 - 12،13

12- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

وإن أدری أقرب أم بعید ماتوعدون

«إن» در «إن أدری» نافیہ است.

ص: 37

13- محدودیت علم پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدري أقریب أم بعید ماتوعدون

88- وقت غسل در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 15

15 - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشروهن و ابتغوا ما كتب الله لكم .. حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «ما كتب الله» تحصیل طهارت است؛ چنانچه در سوره مائده (آیه 6) آمده است: «وإن كنتم جناباً فاطهروا .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيداً طيباً».

89- وقت فراغت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 7 - 3

3 - فراغت بال پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب

إن لك في النهار سبحة طويلاً

90- وقت فضیلت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 78 - 15، 8

8- مطلوبیت و فضیلت اقامه نماز صبح در اول وقت (طلوع فجر)

و قرآن الفجر

با اینکه وقت نماز صبح نیز موسع است و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب مجال دارد، اضافه شدن نماز به «فجر» اهمیت و فضیلت اول وقت را می رساند.

15- « عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي عبد الله (ع) : أخبرني بأفضل المواقيت في صلاة الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عزوجل يقول : « وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً » یعنی صلاة الفجر تشهده ملائکه اللیل و ملائکه النهار فإذا صلّى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرتین اثبتها ملائکه اللیل و ملائکه النهار ;

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از با فضیلت ترین اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند - عزوجل - می فرماید: « وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً » مقصود نماز طلوع فجر است که فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار

ص: 38

[توسط] فرشتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسیله] فرشتگان مأمور روز».

91- وقت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 9

9- انجام تکلیف قربانی ، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه)

و یذکروا اسم الله فی ایام معلومت علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت(ع) وارد شده است، مراد از «ایام معلومات»، ایام تشریق (دهم تا سیزدهم) ذی حجه است.

92- وقت قضای روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 6

6 - قضای روزه های رمضان ، مشروط به وقتی خاص نیست .

فعدة من ایام آخر

تعیین «ایاماً معدودات» به ماه رمضان - که در آیه بعد مطرح شده - و عدم تعیین «ایام آخر» به روزها و یا ماهی خاص، بیانگر این است که برای قضای روزه های رمضان وقت خاصی در نظر گرفته نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 18

18 - قضای روزه های ماه رمضان مشروط به زمانی خاص نیست .

فعدة من ایام آخر

دلیل این برداشت، نظیر استدلالی است که در برداشت شماره 6 در آیه قبل گذشت.

93- وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ خداوند برای برپایی قیامت، زمان مشخصی را تعیین کرده است.

و ما نُؤخِّره إلاَّ لأجل معدود

3_ برای تأخیر قیامت، دلیل و علتی جز انتظار فرارسیدن زمان مخصوص آن وجود ندارد.

و ما نُؤخِّره إلاَّ لأجل معدود

برداشت فوق، بر این مبناست که لام در «لأجل» برای تعلیل باشد.

5_ تا برپایی قیامت، تنها زمانی اندک باقی مانده است.

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

کلمه «معدود» (شمارش دار) به اندک بودن تعداد اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 107 - 7

7_ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت حتی به صورت احتمال

أو تأتیهم الساعة بغته و هم لا یسعرون

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که آدمی زمان تحقق آن را حتی به صورت احتمال و حدس تعیین نکرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 38 - 2

2- روز قیامت و زمان دقیق برپایی آن ، مشخص و معلوم در نزد خداوند

فأنظرنی إلى یوم یبعثون . قال فإنک من المنظرین . إلى یوم الوقت المعلوم

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از «الوقت المعلوم» روز رستاخیز و قیامت باشد و نام گذاری آن روز به «وقت معلوم» برای این است که تنها خدا، زمان دقیق آن را می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 77 - 5

5- نزدیکی برپایی قیامت در نظر خداوند ، علی رغم دور جلوه کردن آن در چشم آدمیان

و ما أمر الساعة إلا کلمح البصر أو هو أقرب

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «أمر الساعة» رخداد قیامت باشد نه فرمان برپایی آن؛ که در این صورت آیه می تواند به بینش آدمیان نسبت به دور بودن قیامت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 20، 21، 17

17- مشرکان ، انتظار داشتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زمان وقوع قیامت آگاه باشد .

و يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريباً

20- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد .

متى هو قل عسى أن يكون قريباً

21- زمان وقوع قیامت ، نزدیک است .

و يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 15 - 5

5 - خداوند به اراده خویش ، زمان برپایی قیامت را از انسان ها مخفی نگه داشته است .

أَكَادُ أُخْفِيهَا

ص: 40

در قاموس آمده است که «أكاد» (در این آیه) به معنای «آرید» است و «أكاد أخفيها»؛ یعنی، اراده می‌کنم که آن را مخفی نگه دارم، بر این اساس مراد از اخفای قیامت، پنهان داشتن زمان وقوع آن خواهد بود، نه اصل وقوع آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 1 - 9

9- زمان فروپاشی نظام طبیعت و برپایی قیامت ، زمانی معین در نزد خداوند

إنّ زلزله الساعة شيء عظيم

«ال» در «الساعة» برای عهد است. بنابراین «الساعة» _ آن هنگام _ اشاره به زمانی مشخص و معین دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 55 - 4

4- زمان برپایی قیامت ، زمانی است مشخص در پیشگاه خداوند .

حتّى تأتيم الساعة بغته

به کارگیری «ساعة» با الف و لام عهد بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 7,8

7- خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قد يعلم ما أنتم عليه و يوم يرجعون إليه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «و یوم..» عطف بر «ما أنتم...» باشد.

8- مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

ألا إنّ لله ما فی السموت و الأرض قد يعلم ما أنتم عليه و يوم يرجعون إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 65 - 5,6

5- زمان برپایی قیامت، از امور غیبی و علم آن تنها در اختیار خداوند

قل لا یعلم .. الغیب إلا اللّٰه و ما یشعرون اَیّان یشعرون

از ارتباط «ایّان یشعرون» با «الغیب» استفاده می شود که رستاخیز، خود مصداق و نمونه ای از امور غیبی است که دانش آن تنها در اختیار خدا است.

6- آگاهی نداشتن غیر خدا به لحظه برپایی رستاخیز، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون اَیّان یشعرون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصداق مورد نظر در «ما یشعرون» هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 71 - 3

ص: 41

3 - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هـ ذاً . . و يقولون متى هـ ذاً الوعد

مراد از «الوعد» به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 55 - 6

6 - زمان برپایی قیامت ، در آخرین لحظه های پایانی دنیا است . *

و یوم تقوم الساعة

نامیده شدن قیامت به «الساعة» ممکن است به جهت این باشد که قیامت، در آخرین دقیقه ها و لحظه های عمر دنیا رخ می دهد و از این رو، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 56 - 12

12 - کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

يقسم المجرمون . . فهـ ذاً یوم البعث ولـ كنکم كنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 34 - 1

1 - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إنّ الله عنده علم الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 63 - 1,4,5,6,7,9,10

1 - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره وقت وقوع قیامت

يسئلك الناس عن الساعة . . لعلّ الساعة تكون قريباً

«قرباً» قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

4- آگاهی از زمان وقوع قیامت، امری برای مردم بس مهم بود.

يسئلك الناس عن الساعة

5- منافقان و بیماردلان مدینه، با طرح پرسش هایی از امور غیبی، مانند «زمان وقوع قیامت»، در صدد استهزای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند.

لئن لم ينته المنافقون والذين في قلوبهم مرض .. يسئلك الناس عن الساعة

بنابراین که «ال» در «الناس» عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

6- پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز از زمان وقوع قیامت بی اطلاع بود.

يسئلك الناس عن الساعة .. و ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً

7- پیامبر (صلی الله علیه و آله) هیچ راهی برای آگاهی از زمان وقوع قیامت ندارد.

و ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً

«ما» در «ما يدريك» استفهامیه و مبتدا، و جمله بعدی، خبر آن است و معنای عبارت چنین است: چه چیزی تو را آگاه می

کند از وقت وقوع قیامت؟

9- پاسخ خداوند به پرسش مردم درباره زمان قیامت، این است که جز خدا، کسی خبر ندارد.

يسئلك الناس عن الساعة قل إنما علمها عند الله

10- زمان وقوع قیامت، از اخبار غیبی است.

قل إنما علمها عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 30 - 1,5,6

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هـ ذا الوعد .. قل لكم ميعاد يوم لا تستأخرون عنه ساعه

5- زمان وقوع قیامت، تغییر ناپذیر است.

قل لكم ميعاد يوم لا تستأخرون عنه ساعه و لا تستقدمون

6- زمان وقوع قیامت، برای هیچ کس روشن نیست.

يقولون متى هـ ذا الوعد .. قل لكم ميعاد يوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 2

2- قیامت، روزی است قریب الوقوع.

يوم الأزفة

«الأزفة» اسم فاعل از فعل «أزَفَ» به معنای «قَرَّبَ» می باشد. «يوم الأزفة»؛ یعنی، روز نزدیک شونده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إليه يردّ علم الساعة

تقدیم «إلیه» بر «یردّ» مفید حصر است.

2 - قیامت و زمان برپایی آن ، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إليه يردّ علم الساعة

3 - آگاهی خداوند از زمان برپایی قیامت ، لازمه ربوبیت او است .

وما ربك بظلم . . . إليه يردّ علم الساعة

با توجه به رجوع ضمیر «إلیه» به «ربک» در آیه قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 17 - 12، 11

11 - امکان برپایی قیامت ، در هر لحظه از زمان

ص: 43

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

12 - زمان وقوع قیامت ، مخفی و پنهان حتی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 9

9 - تعیین زمان برپایی قیامت ، در اختیار خداوند و در گرو مشیت او است .

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

با توجه به این که زمان جمع آوری موجودات روز قیامت است، از آیه شریفه استفاده می شود که تعیین زمان آن وابسته به اراده و مشیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 85 - 5

5 - آگاهی به زمان برپایی قیامت مختص خداوند است .

له ملک السموت و الأرض . . . و عنده علم الساعه

از تقدم خبر بر مبتدا، حصر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 12 - 1

1 - سؤال تمسخر آمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون اّیان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخر آمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- زمان برپایی قیامت ، معلوم و مشخص نزد خداوند

إلی میقت یوم معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- زمان برپایی رستاخیز ، خارج از قلمرو دانش بشر

و نُنشئکم فی ما لا تعلمون

«ما»ی موصوله در «فیما»، می تواند کنایه از کیفیت خلقت اخروی و یا کنایه از زمان حیات مجدد یافتن انسان در آخرت باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است؛ یعنی، ما مرگ را بر این اساس مقدر کردیم که در زمانی که نمی دانید، شما را بار دیگر ایجاد کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 25 - 7، 1

1 - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و يقولون متی هـ_ذا الوعد

استفهام در «متی هـ_ذا الوعد» حقیقی نیست؛ بلکه از باب تهکّم و استهزا است.

7 - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجباجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لَجّوا فی عتوّ و نفور . . . و يقولون متی هـ_ذا الوعد إن کنتم صـ_دقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 26 - 5، 3، 2

2 - آگاهی از زمان دقیق برپایی قیامت ، تنها در انحصار خداوند است و هیچ کس از آن باخبر نیست .

و يقولون متی هـ_ذا الوعد . . . قل إنّما العلم عند الله

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إنّما العلم عند الله

پاسخ پیامبر (صلی الله علیه و آله) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در انحصار خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تنها عهده دار انداز مردمان ، درباره برپایی قیامت بود ، نه مشخص ساختن زمان دقیق آن .

قل إنّما العلم عند الله و إنّما أنا نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حصر در «انّما أنا نذیر» حصر اضافی بوده و نسبت به علم به زمان برپایی قیامت سنجیده شده است؛ یعنی، من تنها اندازگر به وقوع قیامت هستم، نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 26 - 2

2- زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتی اذا اوا ما یوعدون .. اقرب ما توعدون ... علم الغیب

تعریف «الغیب» برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و «عالم الغیب» خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی _ به قرینه آیات پیشین _ مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 27 - 3

3- امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری اقرب ما توعدون . . . إلا من ارتضى من رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 6 - 1،2

ص: 45

1 - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل ایتان یوم القی-مه

2 - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل ایتان یوم القی-مه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 17 - 5

5 - قیامت ، از دیر زمان و در علم خداوند ، دارای زمانی مشخص بوده است .

إنّ یوم الفصل کان میق-تاً

فعل «کان» دلالت دارد که وقت قیامت از پیش مشخص بوده است. «میقات» گر چه اسم آلت است؛ ولی معنای «وقت» دارد؛ نظیر میعاد و میلاد که از اسم آلت بودن خارج شده و به معنای مصدر خود استعمال شده اند. متعلق میقات _ به قرینه سیاق کلام _ محشور شدن و مجازات دیدن است؛ یعنی، قیامت وقت مشخص شده برای این حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 44 - 1

1 - تنها خداوند ، خصوصیات قیامت و زمان وقوع آن را می داند .

إلی ربّک منتهیها

«منتهیها» _ به قرینه سیاق آیات پیشین _ به معنای منتهای علم به قیامت و شناخت خصوصیات و زمان آن است. تقدیم «إلی ربّک» بیانگر حصر است.

94- وقت کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 7 - 1

1 - شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إنّ لک فی النهار سبحاً طویلاً

«سبح» در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ»، تعلیل دیگری برای «قم الليل» است؛ یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

95- وقت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 5

5 - قیامت، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است.

یوم الدین

ص: 46

«دین» در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 41 - 5

5 - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ يجزيه الجزاء الأوفى

به کار رفتن عبارت «الجزاء الأوفى» برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد؛ اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 9 - 8

8 - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتقوا الله الذى إليه تحشرون

«حشر» (مصدر «تحشرون») به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

96- وقت کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 19 - 9

9- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لكلّ درجاتٍ ممّا عملوا و لیوفّیهم أعمّ لهم و هم لا یظلمون

لام در «لیوفّیهم»، بیانگر غایت و هدف است و این که با «واو» آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 6 - 1

1 - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جمیعاً فینبئهم بما عملوا

97- وقت گواهی اخروی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 12 - 1

1 - گواهی پیامبران بر امت های خویش ، دارای وقتی معین در عرصه قیامت

ص: 47

وإذا الرسل أقتت . لأى يوم أجت

«أى» اسم استفهام و یا موصوله و مفید تعظیم و تهویل است. «أجت» به معنای «آخرت» است. در این برداشت مرجع ضمیر فاعلی «أجت»، میقات و گواهی پیامبران (قابل استفاده از آیه قبل) دانسته شد.

98- وقت لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 14، 6، 5

5_ لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست .

یوم یلقونه

مراد از «یوم یلقونه» می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

6_ قیامت ، روز ملاقات انسان با خدا

یوم یلقونه

14_ از علی (ع) روایت شده که : « و اما قوله تعالى : . . . » إلى يوم یلقونه بما أخلفوا الله ما وعدوه . . . یعنی البعث فسماه الله عز و جل لقائه ;

مراد از «یوم یلقونه» در آیه شریفه، روز رستاخیز است که خدای عز و جل آن را روز لقای خود نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 7 - 1

1_ قیامت ، روز دیدار با خداست .

إن الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 5

5_ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - فرقان - 25 - 21 - 3

3_ قيامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - عنكبوت - 29 - 5 - 4,5

2 - لقاء الهى ، موعد مشخصى دارد .

من كان يرجوا لقاء الله فإن أجل الله لأت

ص: 48

4- قیامت ، ظرف تحقق لقاء الله و حضور در پیشگاه خداوند است .

من كان يرجوا لقاء الله فإن أجل الله لأت

«لقاء الله» عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

5- لقاء الله ، پس از مرگ ، برای مشتاقان به آن ، تحقق پیدا می کند .

من كان يرجوا لقاء الله فإن أجل الله لأت

«أجل» در اصل، به معنای «مدت تعیین شده برای هرچیز» است و در «مدت تعیین شده برای حیات انسان» _ که از آن، به «مرگ» تعبیر می شود نیز استعمال می شود(مفردات راغب) بنابر معنای استعمالی آن، احتمال دارد مراد از «أجل الله» مرگی باشد که خداوند، برای انسان ها، مقرر کرده است. در این صورت، «فإن أجل الله لأت» اشعار دارد که لقاء الله، پس از مرگ، جامه عمل می پوشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 14

14 - قیامت ، جایگاه ملاقات مردم با خداوند است .

وإن كثيرا من الناس بلقاي ربهم لك فرون

مراد از «لقاء ربهم» برپایی قیامت است. اطلاق «لقاء رب» برای قیامت، از باب اطلاق فعل بر ظرف تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 16 - 4

4 - آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذين ... كذبوا... و لقاي الأخره

تعبیر از «تکذیب آخرت» به «تکذیب لقای آخرت»، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 54 - 2

2 - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشفاق - 84 - 6 - 8

8 - قیامت ، میعاد ملاقات انسان با خداوند است .

فمل_قیه

99- وقت مبارزه با موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 49

3- گردآوری ساحران ، برای هماوردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحره لمیقّت یوم معلوم

«میقات» به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا_ به قرینه آیه 59 سوره طه_ پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از «یوم معلوم» به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

4- اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هماوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقّت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

100- وقت مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- گردآوری ساحران ، برای هماوردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحره لمیقّت یوم معلوم

«میقات» به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا_ به قرینه آیه 59 سوره طه_ پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از «یوم معلوم» به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

4- اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هماوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقّت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

101- وقت محرومیت از تعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

21- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های

پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلى أرذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً

102- وقت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 11 - 4

4 - هرکس ، دارای اجل (زمان مردن) معینی است که فرا خواهد رسید .

ولن يؤخّر الله نفساً إذا جاء أجلها

ص: 50

103- وقت میوه چینی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 22 - 1

1 - باغداران یمنی ، همدیگر را به چیدن میوه ها در سپیده صبح تحریک و ترغیب کردند .

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرّمین

104- وقت نابودی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 1 - 9

9- زمان فروپاشی نظام طبیعت و برپایی قیامت ، زمانی معین در نزد خداوند

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

«ال» در «الساعه» برای عهد است. بنابراین «الساعه» _ آن هنگام _ اشاره به زمانی مشخص و معین دارد.

105- وقت نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 4

4 - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِّینَ هم بسحر

106- وقت نزول بلا بر باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 19 - 2

2 - در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فطاف . . . و هم نائمون

107- وقت نزول زبور

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 51

12- « [النبي (صلى الله عليه وآله)] قال : . . . أمّا العشرون : أنزل الزبور على داود في عشرين يوماً خلون من شهر رمضان و ذلك قوله في القرآن : « و آتينا داود زبوراً » . . . ;

پیامبر(صلى الله عليه وآله) فرمود: . . . اما بیست ... مقصود بیستم ماه رمضان است که در آن زبور بر داوود نازل شد و این سخن خدا در قرآن است که می فرماید: و آتینا داود زبوراً...».

108- وقت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 3 - 11

11- « عن حُمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزّوجلّ « إنا أنزلناه في ليلة مباركة » قال : نعم هي ليلة القدر و هي في كلّ سنه في شهر رمضان في العشر الأواخر فلم ينزل القرآن إلّا في ليلة القدر . . . ;

از حمران روایت شده است که از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ «إنا أنزلناه في ليلة مباركة» سؤال کرد؛ حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. ..».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 3

3- قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إنا أنزلناه في ليلة القدر

109- وقت نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 101 - 8

8 _ زمان و حالت نزول وحی دارای خصوصیتی ویژه می باشد .

و إن تسئلوا عنها حين ينزل القرآن تبدلکم

110- وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 103 - 8

8 - نماز را باید در اوقاتی خاص و معین برپا کرد .

ان الصلوه كانت على المؤمنین كتباً موقوتاً

«موقوتاً» از ماده «وقت»، به معنای زمان مشخص و محدود است.

ص: 52

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 7

7 - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْءًا

یکی از معانی «ناشئه اللیل»، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

111- وقت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 6

6 - برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

«ناشئه اللیل»، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

112- وقت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 37

37 - « عن علی بن مهزیار قال : كتب ابوالحسن بن الحصین إلى أبی جعفر الثانی (ع) معی جعلت فداک ، قد اختلفت موالوک فی صلاه الفجر فمنهم من یصلی إذا طلع الفجر الأول المستطیل فی السماء و منهم من یصلی إذا اعترض فی أسفل الأفق و استبان . . . فکتب (ع) بخطه و قرأته : الفجر - یرحمک الله - هو الخیط الأبیض المتعرض لیس هو الأبیض صعوداً . . . فقال : کلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر . . . »

علی بن مهزیار می گوید: ابوالحسن بن حصین در نامه ای که توسط من به امام جواد(ع) فرستاد، نوشت: فدایت شوم، دوستان و شیعیان شما در وقت نماز صبح اختلاف دارند؛ گروهی از آنان، وقتی سپیده اول (فجر کاذب) که در آسمان کشیده می شود طلوع نمود، نماز صبح می خوانند و بعضی نیز وقتی سپیده در پایین افق پخش و آشکار شد نماز می خوانند. امام(ع) با خط خود نوشت و من آن را خواندم که فجر همان نوار سفیدی است که در عرض افق ظاهر می شود و آن سفیدی که به طرف بالا می رود نیست؛ خداوند فرموده: کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر».

2_ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب، از اوقات مقرر شده برای نماز است.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ

«طرف» به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. «زُلف» (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

14_ «عن أبي جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارک و تعالی : . . . «أقم الصلاة طرفی النهار» و طرفاه صلاة المغرب

و الغداه . « و زلفاً من الليل » فهي صلاه العشاء الأخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . . . خداوند تبارک و تعالی فرمود: «أقم الصلاه طرفی النهار» دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] «زلفاً من الليل» آن نماز عشاء است...».

113- وقت نماز عشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 114 - 2،14

2_ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب، از اوقات مقرر شده برای نماز است.

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفاً من الیل

«طرف» به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. «زُلف» (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

14_ «عن أبی جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارک و تعالی : . . . «أقم الصلاه طرفی النهار» و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . « و زلفاً من الليل » فهي صلاه العشاء الأخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . . . خداوند تبارک و تعالی فرمود: «أقم الصلاه طرفی النهار» دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] «زلفاً من الليل» آن نماز عشاء است...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 78 - 4

4- آخرین وقت نماز عشا، نیمه شب است.

إلی غسق الیل

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «غسق الیل» - چنان که مفسران نیز گفته اند - نصف شب باشد.

114- وقت نماز عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 114 - 2

2_ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب، از اوقات مقرر شده برای نماز است.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ

«طرف» به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. «زُلف» (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

115- وقت نماز قضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 54

19 - « عن أبي جعفر (ع) قال : إذا فاتتک صلاه فذکرتها فی وقت آخری فإن کنت تعلم أنك إذا صلیت التی فاتتک کنت من الآخری فی وقت فابدأ بالتی فاتتک فإن الله عزوجلّ یقول : « أقم الصلاه لذکری » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هر وقت نمازی از توفوت شد و در وقت نماز دیگر آن را به یاد آوردی، اگر می دانی با انجام نماز قضا برای به جا آوردن نماز واجب در وقت خود فرصت باقی می ماند، پس ابتدا نماز قضا را به جا آور، چون خدای عزوجلّ می فرماید: «أقم الصلاه لذکری». (این استفاده فقهی ناظر به این نکته است که لام در «لذکری» برای توقیت است، در نتیجه معنای آیه این می شود: که «أقم الصلاه وقت تذکیری ایّاک»).

116- وقت نماز مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 114 - 14، 2

2_ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفاً من الیل

«طرف» به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. «زُلف» (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

14_ « عن أبي جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . وقال تبارک و تعالی : . . . « أقم الصلاه طرفی النهار » و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . « و زلفاً من اللیل » فهی صلاه العشاء الآخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . . . خداوند تبارک و تعالی فرمود: «أقم الصلاه طرفی النهار» دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] «زلفاً من اللیل» آن نماز عشاء است. . . .

117- وقت نماز های مستحبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 26

26 - « عن زراره عن أبي جعفر (ع) . . . قال : قلت له : « و أطراف النهار لعَلک ترضی » قال : یعنی تطوع بالنهار ;

از زراره نقل شده که گفت به امام باقر(ع) عرض کردم: [این که خدا فرموده: «و سبّح»] «و أطراف النهار لعَلک ترضی» [مراد چیست؟] فرمود: یعنی در روز، نماز مستحبی بخوان.

118- وقت نماز های یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 78 - 11، 12، 7، 1

1- فرمان الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اقامه نمازهایی ، از هنگام زوال خورشید تا نیمه شب و نیز در سپیده صبح

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرءان الفجر

ص: 55

«دلوک» به معنای رفتن خورشید به سوی غروب، «غسق» به معنای شدت ظلمت است (مفردات راغب). با توجه به معناهای لغوی، برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «لدلوك الشمس» زوال خورشید و «غسق الليل» نیمه شب باشد.

7- وقت نماز های پنجگانه ، موسّع (وسعت داده شده) است .

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الّيل وقرءان الفجر

11- « عن زراره قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن هذه الآية « أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الليل » قال : دلوك الشمس زوالها عند كبد السماء « إلى غسق الليل » إلى انتصاف الليل فرض الله فيما بينهما أربع صلوات الظهر و العصر و المغرب و العشاء . . . و « قرآن الفجر » قال : ركعتا الفجر . . . ;

زراره گوید از امام صادق (ع) از این آیه «أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الليل» سؤال کردم، حضرت فرمود: «دلوك الشمس» [یعنی] میل پیدا کردن خورشید از میان آسمان و «إلى غسق الليل» [یعنی] تا نصف شب که خدا میان این دو (ظهر و نصف شب) چهار نماز را واجب کرده است: ظهر، عصر، مغرب و عشا و درباره «قرآن الفجر» [حضرت] فرمود: [آن] دو رکعت نماز صبح است. . .».

12- « عن أمير المؤمنين (ع) قال : . . . دلالة الصلاه . . . الشمس يقول الله جلّوعزّ « أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الليل وقرآن الفجر . . . » فلا تعرف مواقيت الصلاه إلا بالشمس . . . ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: راهنمای [وقت] نماز . . . خورشید است. خدای عزّوجلّ می فرماید: «أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الليل وقرآن الفجر...» پس اوقات نماز شناخته نمی شود مگر به وسیله خورشید...».

119- وقت وجوب وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 1

1 - وجوب وصیت به هنگام فرا رسیدن مرگ و پیدایش آثار آن

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت . . . الوصیه

120- وقت ورد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 205 - 5

5_ انسان ها باید در دل و جان به یاد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذکر او گشایند .

«غدوه» (مفرد غدو) به معنای صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید) است. «أصال» جمع و یا جمع الجمع «اصیل» است و اصیل به زمان میان عصر تا مغرب گفته می شود. قابل ذکر است که «ال» در «الغدو» و «الأصال» برای استغراق است و افاده عموم می کند؛ یعنی هر صبح و عصر.

121- وقت ورود موسی (ع) به مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 3, 2

2- ورود موسی (ع) به حوالی مدین در اثنای روز

و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ

3- ورود موسی (ع) به محل آب شرب مدین هم زمان با آمدن چوپانان برای آب دادن دام هایشان

و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ

122- وقت ولادت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 27 - 2

2- اسحاق (ع)، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش، متولد شد.

و قال إني مهاجر... و وهبنا له إسحاق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم (ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

123- وقت ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 3

3- ویرانی بوستان باغداران یمنی، در شب هنگام و ناگهانی بود.

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

124- وقت هجرت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 20

20 - تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 24 - 5

5 - هم زمانی هجرت موسی (ع) به مدین با فصل گرما

ص: 57

125- وقت هجوم مجاهدان غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 5 - 3

3 - مجاهدان در غزوه «ذات السلاسل» با اسبان دونه ای که از ضربه سم آنها برق می جهید، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان، خود را به قلب دشمن رساندند.

والعديت صبحًا. فالمغیرت صبحًا. فأثرن به نقعًا. فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه «ذات السلاسل» نظر دارد.

126- وقت هلاکت اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 94 - 13

13_ کفرپیشگان قوم شعبی، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند.

فأصبحوا فی دی_رهم ج_ثمین

«أصبحوا» می تواند به معنای «دخلوا فی الصبح» (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای «صاروا» (شدند و گشتند) باشد. بر اساس معنای نخست، جمله «فأصبحوا» دلالت می کند که هلاکت قوم شعبی در آغاز صبحدم بوده است و صیحه و غرش _ به قرینه «فاء» در «فأصبحوا» _ پیش از صبح؛ یعنی، در شب تحقق یافته است.

127- وقت هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 3, 1

1 - اطلاع یافتن مردم از فرورفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذین تمّتوا مکانه بالأمس

3 - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود.

فخرج على قومه في زينته .. فحسفنا به ... وأصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس

قيد «بالأمس» (ديروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

128- وقت هلاکت قوم نَمُود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 58

9_ کفرپیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا في ذي-رهم ج-ثمين

چنان چه «أصبحوا» به معنای «دخلوا في الصباح» باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صیحه و غرش _ به قرینه فاء در «فأصبحوا» _ پیش از صبح; یعنی در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

129- وقت هلاکت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 52 - 1

1 - قوم نوح ، قومی هلاک شده به اراده خداوند ، قبل از عاد و ثمود

وأنه أهلك عاداً... و ثموداً... و قوم نوح من قبل

وقت شناسی

130- {وقت شناسی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 197 - 21، 1

1_ مراسم حج ، باید در ماههایی مخصوص انجام گیرد .

الحج اشهر معلومات

21_ ماه های حج ، شوال ، ذی القعدة و ذی الحجة است و در غیر آنها حج صحیح نیست .

الحج اشهر معلومات

امام صادق (ع): «الحج اشهر معلومات» شوال و ذوالقعدة و ذوالحجة ليس لأحد ان يحج في ما سواهن

131- ابزار وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 2،4

2 - ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هی موقیت للناس

«مواقیت» (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

4 - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

ص: 59

132- اهمیت وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 22,23,38

22 - آن هنگام که رشته سفید ظاهر شده در افق از رشته سیاه شب تمیز داده شود ، هنگام فجر است .

حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

حرف «من» در «من الفجر» بیان برای «الخيط الأبيض» است؛ یعنی، آن رشته سفید همان فجر است.

23 - طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لكم ليله الصيام . . . كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

«ایاماً معدودات» در آیه 184، روزه را مخصوص روز می داند و «حتى يتبين . . .» شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

38 - «عن ابی عبداللہ (ع) فی قوله تعالی «أتموا الصيام إلى الليل» قال : سقوط الشفق ;

از امام صادق(ع) در معنای «لیل» در آیه «أتموا الصيام إلى الليل» روایت شده که شب با زائل شدن شفق شروع می شود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 4

4 - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 10

10 - شناخت زمان و تنظیم آن ، برای زندگی انسان امری با اهمیت و حیاتی است .

لتعلموا عدد السنین و الحساب

133- وقت شناسی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 17

17_ ضرورت بهره‌گیری مبلغان دینی ، از فرصت‌های مناسب برای ارشاد و هدایت مردم

أَنتَ لَأَنْتَ يُوْسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ . . . مِنْ يَتَّقُ وَيَصْبِرُ

وقت‌ها

ص: 60

134- تفاوت وقت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 17 - 5

5 - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها ، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله حين تمشون و حين تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقدار حرکت ماده اند، تفاوتی با هم ندارند، اما از این که برخی ایام برای تسبیح خداوند مناسب معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 6

6 - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله .. و عشیاً و حين تطهرون

ص: 61

3- وقف

1- وقف برای بتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 139 - 1,3

1 _ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

وقالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذكورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از «ازواج» به قرینه تقابل آن با «ذکور» مطلق «زن» است نه خصوص همسران

3 _ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

2- وقف در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 138 - 3

3 _ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

وقالوا هذه أنعم و حرث حجر لا یطعمها إلا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 139 - 1,3

1 _ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

وقالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذكورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از «ازواج» به قرینه تقابل آن با «ذکور» مطلق «زن» است نه خصوص همسران

3_ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

ص: 62

4- وکالت

1- احکام وکالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 22،24

22- وکالت از جانب خریدار، جایز است.

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله «فابعثوا...» گرچه گفته اصحاب كهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحت است.

24- نامشخص بودن جنس و مقدار کالا، مانع از صحت وکالت نیست.

فابعثوا... فلیأتکم برزق منه

2- کفایت وکالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 3 - 5

5 - خداوند، وکیل و کارسازی کفایت کننده، برای توکل کنندگان است.

و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 48 - 13،14

13 - خداوند، کارساز و وکیلی کفایت کننده است.

و کفی بالله وکیلاً

14 - کفایت کنندگی و کارسازی خداوند، دلیل وجوب توکل بر او در همه امور است.

و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً

3- وکالت جايز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 63

22- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله «فابعثوا ..» گرچه گفته اصحاب كهف است و گفتار و كردار غير پیامبران برای استنباط حكم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحت است.

4- وکالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 13، 12

12_ تنها خداوند، وکیل و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

و هو علی کل شیء وکیل

13_ خداوند، ایجادکننده عالم و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

خلق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

مفاد جمله «و هو علی کل شیء وکیل»، پس از سخن از آفرینش، رد پندار کسانی است که در تدبیر عالم برای غیر خالق نقشی قائل باشند. به عبارت دیگر جمله اول توحید در خلق و جمله دوم توحید در امر را بیان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 14

14_ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

5- وکالت در بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 22، 24

22- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدكم بورقكم

جمله «فابعثوا..» گرچه گفته اصحاب كهف است و گفتار و كردار غير پيامبران براي استنباط حكم شرعي كارايي ندارد، ولي بيان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجيد، گويای جواز و صحت است.

24- نامشخص بودن جنس و مقدار کالا، مانع از صحت وكالت نيست .

فابعثوا .. فليأتكم برزق منه

ص: 64

6- وکالت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 109 - 7

7_ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

و كان الله بما يعملون محيطاً .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون على

«وکیل» به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

وکیل

7- محدوده اختیارات وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 12

12 - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

ليس على الأعمى حرج .. أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از «ما ملکتم مفاتحه» کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملک و حیواناتی مانند گاو، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

8- وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 173 - 14، 12

12_ خداوند ، وکیل و کفایت کننده مؤمنان مطیع ، صابر ، نیکوکار و تقوایسته

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ احسنوا منهم و اتقوا ... وقالوا حسبنا الله و

14_ خداوند ، کفایت کننده مؤمنان و بهترین وکیل برای آنان

حسبنا الله و نعم الوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 81 - 15,16

15_ خداوند ، وکیل است .

و کفی بالله وکیلا

16_ خداوند ، وکیلی کفایت کننده برای انسان متوکل

و توکل علی الله و کفی بالله وکیلا

ص: 65

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 12

12_ تنها خداوند، وکیل و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

و هو علی کل شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 12 - 12

12_ خداوند، نگهبان همه چیز و تدبیر کننده آن است.

والله علی کل شیء وکیل

«وکیل» به کسی گفته می شود که کار دیگری را به عهده گرفته است و چون در آیه شریفه با «علی» متعدی شده معنای حفاظت و نگهداری نیز در آن اشراپ شده است. بنابراین جمله «والله علی ...» اشاره به این معنا دارد که: خداوند عهده دار، حافظ و نگهبان امور همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 3 - 6

6 - خداوند، «وکیل» (کارساز) است.

و کفی باللّه وکیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 48 - 12

12 - خداوند، «وکیل» (کارساز) است.

و کفی باللّه وکیلاً

9- وکیل در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- برای محاسبه عمل انسان در قیامت، نیازی به وکیل، دلیل، شاهد و... نیست.

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

10- وکیل یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 14

14_ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد.

قال الله علی ما نقول وکیل

ص: 66

1- آثار ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 13

13- اشتهار مریم (س) به عفت و پاکدامنی در بین مردم، فزاینده نگرانی او از بازتاب منفی تولد عیسی (ع) در افکار عمومی جامعه

ی_لیتنی متّ قبل ه_ذا و کنت نسیّاً منسیّاً

«نسی» چیزی است که اهمیت چندانی ندارد، گرچه هنوز از خاطرها محو نشده باشد (مفردات راغب). توصیف آن به «منسیّاً» (فراموش شده) گویای آن است که صرف شایستگی برای فراموشی، مطلوب مریم نبوده؛ بلکه تحقق فراموشی را آرزو می کرده است. این آرزو نشان می دهد که آن حضرت، پیش از این به عنوان شخصیتی آبرومند در جامعه مطرح بوده و از این که این حادثه بازتاب های منفی در مردم داشته باشد، نگران بوده است.

2- آیات خدا در ولادت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 10 - 5

5- ناتوانی زکریا (ع) از سخن گفتن با مردم به مدت سه شبانه روز کامل، نشانه ای الهی بر زمان تحقق یافتن بشارت فرزند بود.

قال ۱ایتک الّا تکلم الناس ثلث لیل سوياً

«سوياً» یا صفت برای «ثلاث لیل» است و یا حال برای فاعل «الّا تکلم» و در هر دو صورت مراد از «سه شب» سه شبانه روز است. آیه چهل و یکم سوره آل عمران شاهد این معنا است. فعل «الّا تکلم» فعل نفی است و مراد از آن، تکلیف زکریا به سکوت نیست، بلکه از صادر نشدن سخنی از زکریا خبر می دهد.

3- ابراهیم (ع) هنگام ولادت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 6

6- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است.

وهبنا له إسحق و يعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم (ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

4- استهزای ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 57 - 3

3- موضع گیری استهزاآمیز مشرکان مکه، نسبت به بیان قرآن درباره تولد و زندگی عیسی بن مریم (ع)

و لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ

«صدید» (مصدر «یصدون») به معنای خندیدن و فریاد کشیدن و سر و صدا راه انداختن است. این امور معمولاً به هنگام استهزا، تحقق پیدا می کند.

5- اعجاز ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 11

11- تجلی عظمت و قدرت الهی در بارداری مریم (س) و تولد اعجاز آمیز عیسی (ع)

و جعلنها و ابنها آیه للعلّـلمین

6- اعلام بشارت ولادت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 8

8- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه، فرارسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند.

أَن سَبَّحُوا

ظاهر این است که آنچه زکریا (ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد؛ یعنی، زکریا (ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

7- الوهیت و ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 8

8_ ناسازگاری پدیده بودن (حدوث) و فناپذیری، با الوهیت و خدا بودن

ص: 68

قالوا إنّ الله هو المسيح .. الا رسول قد خلت من قبله الرسل

فرزندی مسیح(ع) برای مریم اشاره به پدیده و حادث بودن او و بیان رحلت رسولان پیشین اشاره به فناپذیری مسیح(ع) است و هدف از یادآوری این دو صفت استدلال بر خدا نبودن مسیح(ع) می باشد. یعنی مسیح(ع) حادث است و هیچ حادثی نمی تواند خدا باشد و نیز او فناپذیر است و فناپذیر خدا نیست.

8- امنیت هنگام ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 6

6- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلّم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

نکره بودن «سلام» بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و .. است.

9- اهمیت وقت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 5

5- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلّم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

10- اهمیت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 5

5- زمان ولادت ، مرگ و رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

والسلّم علیّ . . . یوم أُبعث حیّاً

11- بشارت ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 31 - 4

4 - فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط ، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع)) ، نیز به ابراهیم (ع) دادند .

و لَمَّا جَاءت رَسَلْنَا اِبْرٰهِيْمَ بِالْبَشْرٰى

ص: 69

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم(ع) بشارت فرزنددار شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که «البشری» در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 101 - 11

11 - « بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبداللہ (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته یاسحاق قال کان بین البشارتین خمس سنین قال اللہ سبحانہ فیئناہ بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلما کان فی اللیل أتى ابراهیم آت من ربّه فأراه الرؤیا فی ذبح ابنه اسماعیل بموسم مکة . . . ثم انطلقا إلى السعی فلما صارا فی المسعی قال ابراهیم (ع) لاسماعیل یا بنی إئی أری فی المنام أتى أذبحک فی موسم عامی هـ ذافماذا ترى قال یا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدی اسماعیل بکبش عظیم فذبحه و تصدق بلحمه علی المساکین ;

برید عجلی گوید: به امام صادق(ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا می فرماید: «فبشّرناه بغلام حلیم؛ یعنی، . . . چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسر من در خواب دیدم که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیة شد. پس ابراهیم(ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 112 - 1

1 - بشارت خداوند به ابراهیم (ع) ، به تولد فرزندی به نام اسحاق برای او

و بشرنّه یاسحاق

12- بشارت ولادت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 9

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 101 - 1,11

1 - تولّد نوجوانی بردبار (اسماعیل) ، بشارت خداوند به ابراهیم (ع)

«غلام» به پسری می گویند که تازه سبیل درآورده باشد و در اصطلاح فارسی به او نوجوان می گویند. گفتنی است مقصود از این نوجوان در این آیه _ به قرینه آیات بعد _ اسماعیل (ع) است.

11 - « بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبد الله (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته یاسحاق قال کان بین البشارتین خمس سنین قال الله سبحانه فیئـرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلما کان فی اللیل أتى ابراهیم آت من ربّه فأراه الرؤیا فی ذبح ابنه اسماعیل بموسم مکة . . . ثم انطلقا إلى السعی فلما صارا فی المسعی قال ابراهیم (ع)

لاسماعیل یابنّی اِتی اری فی المنام اُتی اذبحک فی موسم عامی ه_ذا فماذا تری قال یا اُبت افعَل ما توُمِر . . . و فدی اسماعیل بکیش عظیم فذبحه و تصدق بلحمه علی المساکین ;

برید عجلی گوید: به امام صادق(ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا می فرماید: «فبشّرناه بغلام حلیم؛ یعنی، . . . چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسر من در خواب دیدم که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیة شد. پس ابراهیم(ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد».

13- بشارت ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 14

14- «قال الباقر (ع) : اِئْها (مریم) بشرت بعیسی فینا هی فی المحراب اذ تمثّل لها الروح الامین بشراً سوياً ;

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 2

2- مأمور ویژه الهی با بشارت فرزند به مریم (س) ، خود را مأمور بخشیدن پسری پاک نهاد به وی معرفی کرد .

قال اِئْما انا رسول ربك لاهب لك غلـمًا زكياً

اسناد «هبه فرزند» به جبرئیل به خاطر وساطت او در بخشش الهی است. «زکی» از ریشه «زکاء» به معنای صلاح گرفته شده است (مصباح). «تزکیه» و «زکاه» در معانی «طهارت» و «نمّو» و «برکت» و «مدح» استعمال دارد و در هر مورد، معنای مناسب آن مورد نظر است. طهارت و صلاح کودک به شایستگی های ذاتی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 2

2- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

چنان چه مشارالیه «ذلک» مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی «موضوع همان گونه است که گفتم».

14- بشارت ولادت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 1

ص: 71

1- خداوند، زکریا (ع) را بر فراهم آوردن زمینه تولد یحیی (ع) - به رغم سال خوردگی وی و نازایی همسرش - مطمئن ساخت.

قال کذلک

جمله «قال کذلک»؛ یعنی، «قال الله الأمر کما وعدتک» یا «قال الله الأمر کما قلت»؛ در صورت اول، - خداوند بر وعده سابقش تأکید می‌ورزد که «ای زکریا همان گونه که گفته ام تو - به هر کیفیت - دارای پسر خواهی شد و در صورت دوم، خداوند موانع تولد یحیی را تصدیق کرده است؛ یعنی، «واقعیت همان است که تو گفتی و اسباب عادی برای تولد یحیی فراهم نیست، - ولی خدای تو گفته است: این کار بر من آسان است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 10 - 2

2- زکریا (ع)، خواهان علامت و نشانه ای بر الهی بودن بشارت تولد یحیی به وی *

قال رب اجعل لی آیه

علامت خواهی زکریا ممکن است از آن جهت باشد که وی اطمینان یابد آنچه او دریافت داشته، وحی الهی بوده است و نه القآت شیطانی؛ امکان تردید در این امور برای پیامبران با توجه به این نکته است که آنان تنها با امدادهای خداوند از آزار شیاطین و القآت آنها مصون می ماندند و خداوند گاه با ارائه نشانه و گاه با وسیله دیگر آنان را مطمئن می ساخت.

15- تاریخ ولادت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 8

8- اسماعیل (ع)، پیش از اسحاق (ع) به دنیا آمد و از نظر سنی بزرگتر از او بود.

وهب لی علی الکبر اسم عیل و إسح ق

از تقدم ذکر اسماعیل (ع) بر اسحاق (ع) در این آیه و آیات مشابه تقدم سنی استفاده می شود و تاریخ نیز مؤید این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 72 - 1

1- تولد اسحاق و یعقوب (ع)، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود.

و نَجِّينَه و لوطًا إِلَى الْأَرْضِ . . . و وهبنا له إسح ق و یعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

16- تاریخ ولادت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 8

ص: 72

8- اسماعیل (ع)، پیش از اسحاق (ع) به دنیا آمد و از نظر سنی بزرگتر از او بود.

وهب لی علی الکبر اسم عیل و إسح ق

از تقدم ذکرى اسماعیل (ع) بر اسحاق (ع) در این آیه و آیات مشابه تقدم سنی استفاده می شود و تاریخ نیز مؤید این برداشت است.

17- تاریخ ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 4

4- «عن الرضا (ع) قال: ليله خمس وعشرين من ذی القعدة... ولد فیها عیسی بن مریم (ع)...» ;

از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: شب بیست و پنجم ذی القعدة عیسی (ع) تولد یافت».

18- تاریخ ولادت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 12

12- «عن أبی جعفر (ع) قال: إتما ولد یحیی بعد البشاره له من اللّٰه بخمس سنین ;

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: همانا یحیی، پنج سال بعد از آن که خداوند به ولادت او بشارت داد، متولد شد».

19- تاریخ ولادت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 6

6- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است.

وهبنا له إسح ق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم (ع) دانسته شده، چنین بر می آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- تولد اسحاق و یعقوب (ع)، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود.

وَنجِّينَهُ وَلوطًا إِلَى الْأَرْضِ... وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

4- تولد یعقوب (ع)، در زمان حیات ابراهیم (ع) بود.

ص: 73

و وهبنا له إسحاق و يعقوب

يعقوب(ع) فرزند اسحاق و نوه ابراهيم(ع) است؛ ولی از آن جا که خداوند نام يعقوب را همراه با اسحاق ذکر فرمود و هر دو را به عنوان موهبت خود به ابراهيم يادآور شد، می رساند که يعقوب(ع) در زمان حیات ابراهيم(ع) تولد یافته بود.

20- ترس هنگام ولادت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 1

1 - تولد موسی (ع) ، در فضایی آکنده از خوف و خطر و به دور از چشم دیگران

يذبح أبناءهم . . . و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه

21- ترسناکی ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 10

10- « عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنَّ أوحش ما يكون هـ_ذا الخلق في ثلاثة مواطن يوم يولد . . . و يوم يموت . . . و يوم يبعث . . . و قد سلّم الله _ عزّوجلّ_ على يحيى (ع) في هـ_ذه الثلاثة المواطن و آمن روعته فقال : « و سلام عليه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حيّاً . . . » ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد. . . و روزی که برانگیخته می شود. . . و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: «و سلام علیه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حيّاً» . . .».

22- تشبیه به ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 7

7- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا كما خلقنكم أول مرة

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از جهت همراه نداشتن امکانات مادی و خالی بودن از هرگونه عنوان و

اعتبار باشد.

23- حتمیت ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 74

13- تولد عیسی (ع) بدون پدر و نشانه بودن او برای قدرت خداوند و رحمت الهی بودن او، از مقدرات خداوند و غیر قابل تغییر بود.

کذلک .. و لنجعلہ آیه للناس و رحمہ متا و کان أمراً مقضیاً

جمله «کان أمراً مقضیاً» ممکن است تنها در باره تولد عیسی (ع) باشد و ممکن است به هر سه موضوعی که در آیه ذکر شده است، مربوط باشد. «مقضیاً» اسم مفعول از «قضاء» است؛ یعنی آنچه قطعی شده و فیصله یافته باشد. «أمر» در معانی «فرمان» و «حادثه» استعمال می شود. کلمه «مقضیاً» قرینه بر اراده معنای دوم است.

24- خدا و ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 2,3,4

2- خداوند، فرزند کسی نیست.

و لم یولد

3- تجزیه شدن ذات خداوند و جدا شدن چیزی از او، ممکن نیست.

لم یلد

تعبیر ولادت در این آیه، شامل صادر شدن از مبدأ دیگر و انفصال جزء از کل نیز می باشد.

4- خداوند، از چیزی به وجود نیامده است.

و لم یولد

25- زکریا (ع) هنگام ولادت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 1,2,8

1- زکریا (ع)، در زمان فرارسیدن نشانه وعده داده شده برای پیدایش فرزندش یحیی، در عبادت گاه بود.

فخرج علی قومه من المحراب

محراب های بنی اسرائیل همان مسجدهای آنها بود که برای نماز در آن اجتماع می کردند (کتاب «العین»). فاء در «فخرج» فصیحه است؛

یعنی از جملاتی محذوف حکایت می‌کند. به قرینه آیه قیل، آن محذوف، سخن نگفتن زکریا به مدت سه روز است که چه به اعجاز و چه به اراده خود و به فرمان خداوند در آن سه روز سخن نگفت. تعبیر «فخرج...» آنگاه از عبادتگاه خود بیرون آمد، حاکی از این است که در آن سه روز در عبادتگاه بود.

2- زکریا (ع) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد.

فخرج علی قومه من المحراب

8- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه، فرارسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند.

أن سبّحوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد؛ یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

ص: 75

26- سلامتی هنگام ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 6

6- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

نکره بودن «سلام» بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و... است.

27- عبرت از ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 59 - 11

11 - چگونگی تولد و زندگی عیسی (ع) ، پیامدار آموزه هایی چند برای بنی اسرائیل

و جعلنّه مثلاً لبنی اسرائیل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از «مثل» قرار گرفتن عیسی (ع)، نحوه خلقت و آفرینش آن حضرت باشد.

28- عظمت منافع ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 10

10- پیدایش حضرت عیسی (ع) بدون پدر و اسباب متعارف ، کاری هدف مند و دارای منافع گسترده و بسیار بود .

هو علیّ هین و لنجعله آیه للناس

متحمل است عبارت «لنجعله...» عطف بر علّتی محذوف باشد؛ یعنی «خلقناه من غیر آب لأغراض لا مجال لذكرها و لنجعله» فایده این حذف «ایهام» است؛ یعنی به قدری اغراض این کار بزرگ و گسترده است که گویا در کلام نمی گنجد.

29- فلسفه ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- پیدایش حضرت عیسی (ع) بدون پدر و اسباب متعارف، کاری هدف مند و دارای منافع گسترده و بسیار بود.

هو علیّ هیّین و لنجعلہ آایه للناس

متحمل است عبارت «لنجعلہ..» عطف بر علّتی محذوف باشد؛ یعنی «خلقناه من غیر أب لأغراض لا مجال لذكرها و

لنجعله» فایده این حذف «ایهام» است؛ یعنی به قدری اغراض این کار بزرگ و گسترده است که گویا در کلام نمی گنجد.

30- کیفیت ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 59 - 11

11 - چگونگی تولد و زندگی عیسی (ع) ، پیامدار آموزه هایی چند برای بنی اسرائیل

و جعلنَه مثلاً لبني إسرائيل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از «مثل» قرار گرفتن عیسی (ع)، نحوه خلقت و آفرینش آن حضرت باشد.

31- معجزه ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 13، 11، 4

4- تولد عیسی (ع) ، امری خارق العاده و اعجاز آمیز بود .

قال ربك هو علي هين

11- حضرت عیسی (ع) و آفرینش او بدون پدر ، نشانه ای بزرگ برای پی بردن مردم به قدرت خداوند

و لنجعله آیه للناس

ضمیر مفعولی «لنجعله» به عیسی (ع) بازمی گردد. تنوین «آیه»، مفید تفخیم است؛ یعنی بدان جهت عیسی (ع) را به تو عطا کردیم که او را برای مردم آیتی بزرگ قرار دهیم.

13- تولد عیسی (ع) بدون پدر و نشانه بودن او برای قدرت خداوند و رحمت الهی بودن او ، از مقدرات خداوند و غیر قابل تغییر بود .

كذلك .. و لنجعله آیه للناس و رحمه منا و كان أمراً مقضياً

جمله «كان أمراً مقضياً» ممکن است تنها در باره تولد عیسی (ع) باشد و ممکن است به هر سه موضوعی که در آیه ذکر شده است، مربوط باشد. «مقضياً» اسم مفعول از «قضاء» است؛ یعنی آنچه قطعی شده و فیصله یافته باشد. «أمر» در معانی «فرمان» و «حادثه» استعمال می شود. کلمه «مقضياً» قرینه بر اراده معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تولد عیسی از مریم بدون پدر ، معجزه بزرگ الهی بود .

و جعلنا ابن مریم و أمَّهُ ءایه

نکره آمدن «آیه» برای تفخیم است و آن به معنای نشانه ای بزرگ می باشد.

ص: 77

32- معجزه ولادت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 6

6- تولد یحیی ، امری اعجاز آمیز و غیر عادی بود

قال كذلك قال ربك هو عليّ هين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 1

1- بشارت و وعده خداوند به زکریا ، با تولد اعجاز گونه یحیی تحقق یافت .

نَبَشْرِكْ بِغُلْمِ اسْمِهِ يَحْيٰى . . . يـِـ يَحْيٰى خذ الکتـب

33- مکان ولادت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 27 - 2

2- اسحاق (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

وقال اِنِّي مهاجر . . . ووهبنا له اسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

34- وقت ولادت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 27 - 2

2- اسحاق (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

وقال اِنِّي مهاجر . . . ووهبنا له اسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

35- ولادت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 11

11- حضرت ابراهیم (ع) قبل از تولد اسماعیل و اسحاق (ع) از خداوند خواستار فرزند شده بود .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسم عیل و إسحاق إن ربی لسمیع الدعاء

ص: 78

36- ولادت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 11

11- حضرت ابراهیم (ع) قبل از تولد اسماعیل و اسحاق (ع) از خداوند خواستار فرزند شده بود .

الحمد لله الذي وهب لي على الكبر اسم عيل وإسحق إن ربّي لسميع الدعاء

37- ولادت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 11 - 5

5 - ناتوانی و نادانی انسان ، در آغاز تولد

ذرنی و من خلقت وحيداً

کلمه «وحيداً» می تواند حال برای مفعول محذوف باشد؛ یعنی، «خلقتۀ منفرداً». بر این اساس و به قرینه آیات بعد (و جعلت له مالاً ممدوداً...)، مقصود از «خلقت وحيداً»، ناتوانی و ناداری انسان در آغاز تولد است.

38- ولادت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 78 - 1,2,3

1- تولد انسان ها از مادرانشان ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

إن الله على كلّ شيء قدير . و الله أخرجكم من بطون أمّه تكم

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط این آیه با آیه قبل است که در پایان آن، سخن از قدرت بی پایان الهی به میان آمده بود.

2- انسان به هنگام تولد از مادر ، فاقد هرگونه دانش و آگاهی است .

أخرجكم من بطون أمّه تكم لاتعلمون شيئاً

3- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجكم من بطون أمهاتكم لاتعلمون شيئاً

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

39- ولادت تکوینی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 26

ص: 79

و اذ تخلق من الطین . . . و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

40- ولادت در الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 7

7- کسی که از دیگری تولّد یافته، نمی تواند خدا باشد.

و لم یولد

جمله «لم یولد»، علاوه بر این که تصور هر گونه مبدئی را برای خداوند باطل می داند؛ تعریض به کسانی است که عیسی (ع) را خدا می پنداشتند، با آن که به متولّد شدن آن حضرت معترف بودند.

41- ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 10

10_ اتهام ارتباط نامشروع مریم (ع) با مردی نجار به نام یوسف، و باردار شدن وی به عیسی (ع)، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

امام صادق (ع): .. الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ...

امالی صدوق، ص 92، ح 3، مجلس 22؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 426، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 72 - 4.6

4_ مسیح (ع) فرزند مریم نه خدا و نه زده او

المسیح ابن مریم

6_ زاده شدن مسیح (ع) از مریم (ع) گواهی روشن بر خدا نبودن او

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مريم

تصریح به فرزندی مسیح(ع) برای مریم، برای بیان این حقیقت است که فرزند بودن (مخلوق بودن) با الوهیت تنافی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 4

4_ زاده شدن مسیح (ع) از مادر ، دلیل روشن بر خدا نبودن او

قالوا إنّ الله هو المسيح .. ما المسيح ابن مريم

توصیف مسیح(ع) به فرزندی او برای مریم _ پس از بیان ادعای الوهیت مسیح(ع) _ رد پندار خدا بودن اوست.

ص: 80

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 1

1- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله)

واذکر فی الکتب مریم

«اذکر» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 4

4- خداوند، هم زمان با ولادت عیسی (ع)، در نقطه ای پایین تر از مکان استقرار مریم (س)، جویباری پدیدار ساخت.

فنادیها من تحتها ألا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریاً

«سری» به معنای نهر کوچک است و به معنای «رفیع» نیز استعمال شده است، ولی جمله «اشربی» _ در آیات بعد _ قرینه بر اراده معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 2,8

2- حضرت عیسی (ع) در زمان تولد، دارای جسم و روحی سالم و آماده رشد و کمال بود.

والسلّم علیّ یوم ولدت

8- حضرت عیسی (ع) همانند دیگر انسان ها، دارای تولد، مرگ و رستاخیز و خود معترف به آن است.

یوم ولدت و یوم أموت و یوم أبعث حیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 2,14

2- توهّم فرزند بودن عیسی (ع) برای خداوند، برخاسته از تحلیل نادرست ماجرای تولد و سخن گفتن معجزنمای او بود.

ذلك عيسى ابن مريم . . ما كان لله أن يتخذ من ولد

نقی فرزند از خداوند پس از بیان قصه تولد عیسی (ع) می تواند بیانگر این نکته باشد که گروهی این نوع امور معجزه آسا را دلیل فرزند خدا بودن او قرار داده اند.

14- ماجرای تولد و سخن گفتن عیسی (ع) ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر هستی است ؛ نه نشان فرزند عیسی (ع) برای خداوند .

ما كان لله أن يتخذ من ولد . . إذا قضى أمراً فإنما يقول له كن فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 6

6 - بارداری مريم (س) و تولد مسیح (ع) ، با دمیده شدن روح الهی در او

فنفخنا فيه من روحنا

ص: 81

42- ولادت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 10، 2، 1

1- حضرت یحیی (ع)، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

2- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت.

و سلم علیه یوم ولد

«سلام» دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا «سلام علیه»؛ یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

10- «عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنّ أوحش ما يكون هـ ذا الخلق في ثلاثة مواطن يوم يولد . . . و يوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلم الله عزوجل علی یحیی (ع) فی هـ ذه الثلاثة المواطن و آمن روعته فقال : « و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً . . . » ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. . . و روزی که می میرد. . . و روزی که برانگیخته می شود. . . و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: «و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً» . . .».

43- ویژگیهای ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 11

11- ویژگی های حضرت عیسی (ع)، از اولین لحظه میلاد او بروز کرد.

فنادیها من تحتها ألا تحزنی قد جعل ربك تحتك سریاً

کلمه «من تحتها» (از پایین او) دلالت می کند که حضرت عیسی(ع) هنگامی این سخنان را گفته که هنوز مادرش، حتی او را به آغوش نگرفته و بر دامن خویش نشانده بود، شناخت حالات مادر و پی بردن به نیازهای روحی او، بیانگر عمق توان مندی های حضرت عیسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 4

4- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی، بر میرابودن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد.

والسلّم علیّ یوم ولدت

ص: 82

44- ویژگیهای ولادت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 7 - 1

1 - تولد موسی (ع) ، در فضایی آکنده از خوف و خطر و به دور از چشم دیگران

يَذَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ . . . وَأَوْحِينَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضَعِيهِ

ص: 83

6- ولایت

1- ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 35 - 11، 5

5_ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی

11_ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش ، به هنگام در حیات نبودن عمران *

ربّ ائی نذرت لک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 123 - 7

7_ نصرت و یاری الهی به مؤمنان ، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

والله وليّهما .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله «و لقد نصرکم الله»، می تواند استدلالی باشد برای جمله «والله وليّهما». یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است؛ به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 175 - 19

19_ مؤمنان مجاهد ، از اولیای خداوند و دور از ولایت شیطان هستند . *

انّما ذلکم الشیطان یخوّف اولیاءه .. ان کنتم مؤمنین

چون دشمنان دین (کافران و منافقان) از اولیای شیطانند، بنابراین مجاهدان، دور از ولایت شیطان و در نتیجه از اولیای خدا خواهند بود. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که «یخوّف اولیاءه» به معنای «یخوفکم اولیاءه» باشد.

2- آثار اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10_ نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند ، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

ص: 84

آوردن «ولی» به صورت مفرد به جای «أولیاء» در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن «أولیاء» اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 9

9_ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند، اسیر ولایت های متعدد و گوناگون می شوند.

أفأخذتم من دونه أولیاء

برداشت فوق از جمع آوردن «أولیاء» استفاده شده است.

3- آثار ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 196 - 6

6_ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهرا سیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلا تنظرون... هو یتولی الصلحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهرا سند.

4- آثار رد ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 8

8_ کسانی که ولایت خدا را نپذیرند، خویشان را به ولایتهای متعدد و بی اساس گرفتار خواهند کرد.

و ما کان لهم من دون الله من أولیاء

جمع آوردن کلمه «أولیاء» با وجود این که بیان معنای مقصود با کلمه «ولی» نیز ممکن بود، اشاره به این نکته دارد که انسان، اگر ولایت الهی را نپذیرد، گرفتار تعدد اولیا می شود و ناچار است به ولایتهای متعددی گردن نهد.

5- آثار عقیده به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 24

24 - اعتقاد به مولویت و سرپرستی خداوند، مقتضی اعتصام به او و پرهیز از چنگ زدن به دامن غیر او

و اعتصموا باللّٰه هو مولیکم

جمله «هو مولیکم» به منزله تعلیل برای «اعتصموا باللّٰه» است؛ یعنی، به خدا اعتصام کنید؛ زیرا او مولا و قیّم شما است.

ص: 85

6- آثار قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 25

25_ پذیرش ولایت خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن در برابر خدا و شایسته بودن برای همزیستی با صالحان در سرای آخرت

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره توفنی مسلماً و ألحقنی بالصّـلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 16

16_ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرورفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . . . أم هل تستوی الظلمت والنور

7- آثار قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 4 - 4,5

4- ضلالت و گمراهی ، پیامد قطعی قرار گرفتن در قلمرو ولایت شیطان و پیروی از او

من تولاه فإنه یضله

5- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند

کتب علیه أنه من تولاه. . . ویهدیه إلی عذاب السعیر

8- آثار قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 16

16_ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرورفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . . أم هل تستوى الظلمت والنور

9- ولایت کافران آثار قبول

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 14

ص: 86

14_ پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنی اسرائیل

تری کثیراً منهم يتولون .. لبس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم

10- آثار محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 46 - 2

2- جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 4

4- ذلّت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ .. ذلک ... و أَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ

11- آثار نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 9

9- موجود نیازمند ولایت (سرپرستی و دوستی) ، از سر ذلّت موجودی در مانده و دارای کاستی است .

و لم یکن له ولیّ من الذلّ

«ولایت» یا به معنای دوستی است و یا به معنای سرپرستی است که در هر دو صورت، در صورتی که از سر ذلّت باشد نشانگر وجود

نقص و کاستی در شیء مورد حمایت و دوستی است.

12- آثار ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 19

19- « عن أبي عبدالله (ع) قال : من تولّى آل محمّد . . . فهو من آل محمّد . . . لا- انه من القوم بأعيانهم وإنما هو منهم بتولّيه إليهم و
اتباعه إياهم و كذلك . . . قول إبراهيم : « فمن تبعني فإنه منّي . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: کسی که آل محمد را ولّی خود قرار دهد . . . پس او از آل محمد است . . . نه آنکه در
حقیقت از قوم آل محمد شود؛ بلکه او از آل محمد است، به خاطر آنکه آنان را ولّی خود برگزیده است و از آنان تبعیت می کند و چنین
است . . . سخن ابراهیم(ع): «فمن تبعنی فإنه منّي . . .».

ص: 87

13- آثار ولایت ائمه (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 64 - 18

18- « عن أبي عبدالله (ع) . . . [في قوله] « وشاركهم في الأموال والأولاد » . . . قال : إن الشيطان ليحيى حتى يقعد من المرأه كما يقعد الرجل منها ويحدث كما يحدث وينكح كما ينكح قلت : بأى شىء يعرف ذلك ؟ قال : بحبنا وبعصنا ، من أحبنا كان من نطفه العبد و من أبغضنا كان نطفه الشيطان ؛

از امام صادق (ع) در باره [سخن خداوند] «وشاركهم في الأموال والأولاد» روایت شده است که فرمود: همانا شیطان می آید و بر زنان می نشیند، همان گونه که مردان بر آنان می نشینند و همان می کنند که آنان انجام می دهند . . . [راوی می گوید] گفتم: به چه چیزی این مسأله شناخته می شود؟ حضرت فرمود: به حبّ و بغض نسبت به ما. هر کس ما را دوست بدارد، از نطفه پدرش می باشد و هر کس بر ما بغض بورزد، از نطفه شیطان می باشد».

14- آثار ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 15

15 _ کسب عزت ، تنها در گرو محبت خداوند و پذیرش ولایت اوست .

أبتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

خداوند پس از بیان این حقیقت که هدف منافقان در دوستی با کافران رسیدن به عزت است، می فرماید که عزتها از آن خداست. یعنی اگر طالب عزت هستید، باید ولایت خدا را پذیرا شوید و با او پیمان مودت داشته باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 56 - 5

5 _ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب الله هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5_ گزینش خداوند یگانه به ولایت و سرپرستی، زمینه شمول رحمت الهی بر آدمی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . من یصرف عنه یومئذ فقد رحمہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 15

15- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب كهف، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است.

قل الله أعلم بما لبثوا . . . ما لهم من دونه من ولیّ

ص: 88

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 44 - 7

7- ولایت خداوند و حَقَّائِیت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالك الولیة لله الحق هو خير ثوابًا و خير عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 25,26,27

25 - لزوم ادای تکالیف الهی ، برخاسته از حق ولایت خداوند بر آدمی

فأقيموا الصلوة .. هو مولیکم

26 - حق ولایت الهی ، تنها مجوز برای تشریح و قانون گذاری

فأقيموا الصلوة و ءاتوا الزکوة و اعتصموا بالله هو مولیکم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که «هو مولاکم» اشاره به این داشته باشد که چون خداوند بر آدمیان حق ولایت دارد، از این رو به جعل مقررات و تکالیف پرداخته است. بنابراین هر گونه تشریح و قانون گذاری، بایستی به گونه ای به ولایت الهی منتهی شود.

27 - مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری ، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است .

هو مولیکم

با توجه به ظهور «هو مولاکم» در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 10 - 6

6 - مقام ولایت و سرپرستی خداوند ، مقتضی مرجعیت نهایی او برای رفع تنازعات بشری است .

فالله هو الولی .. و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه إلی الله

از ارتباط این آیه با آیه قبل، می توان استفاده کرد که ولایت خداوند، مقتضی مرجعیت او در حل اختلافات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت ، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است .

ولا یغنی عنهم . . . ولا ما اتّخذوا من دون الله أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 1

1- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ینصرکم و یتّبت أقدامکم . . . ذلك بأنّ الله مولىّ الذین ءامنوا

ص: 89

15- آثار ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 28 - 4

4_ توجیه ارتکاب کارهای زشت و ناپسند به پندار اجرای فرمان خداوند، برخاسته از نفوذ و ولایت شیطان است.

إنا جعلنا الشیطين أولیاء للذین لا یؤمنون .. الله أمرنا بها

16- آثار ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 15 - 5

5_ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، موجب گرفتاری به عذاب شدید اخروی

أغیر الله أتخذ ولیاً .. ولا تكونن من المشرکین. قل إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 14

14 - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء .. و الظّلمون ما لهم من ولیّ ولا نصیر

17- آثار ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 3,1

1_ مدعیان ایمان، در صورت پذیرش سرپرستی و دوستی کافران، در زمره اهل نفاقند.

بشر المنفقین بأنّ لهم عذاباً ألیماً. الذین یتّخذون الکفرین أولیاء

«أولیاء» جمع «ولی» می تواند به معنای دوست و یا سرپرست باشد. گفتمی است که در برداشت فوق، «الذین»، وصف برای منافقان گرفته شده است.

3_ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، در پی دارنده عذابی دردناک

بَشْرُ الْمُنْفِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 143 - 10

10_ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، خیانت در جنگ ، خدعه با خدا ، سستی در عبادت ، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن ، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است .

و من يضلّل الله فلن تجد له سبيلا

از مصادیق مورد نظر برای (من يضلّل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از 138 تا 143) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

ص: 90

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 51 - 16، 11

11 - مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من يتولهم منكم فانه منهم

16 - مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من يتولهم منكم فانه منهم إنّ الله لا يهدي القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 56 - 8

8 - ناکامی و شکست، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود، نصارا و دیگر کافران

و من يتول الله ورسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

حصر در جمله «فان حزب الله ..» می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

18- آثار ولایت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 17

17- قبول سرپرستی اموال یتیم، تعهدی مسؤولیت آور است . *

و لا تقربوا مال الیتیم .. و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً

احتمالاً «أوفوا..» با توجه به اینکه پس از جمله «لا تقربوا مال الیتیم» آمده است، از نوع ذکر عام پس از خاص باشد. بنابراین کفالت اموال یتیمان، می تواند از موارد معاهدات باشد.

19- اجتناب از ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 57 - 3

3_ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا... الكفار أولياء

«هزواً» به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

20- احکام ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 9 - 7

ص: 91

7- هرگونه ولایت و سرپرستی، منتهی به ولایت غیر خداوند نامشروع و باطل

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ

از انحصار ولایت در خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

21- ارزش ولایت امام علی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 67 - 6

6- پیام مهم و ویژه خداوند در آیه تبلیغ (ولایت علی (ع))، دارای ارزشی هم طراز با تمامی رسالت

بلغ ما أنزل .. و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

22- اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 7

7- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی، نمودی از کوردلی کافران است.

كانت أعينهم في غطاء .. أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به «فاء» در «أفحسب» چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

23- اعراض از ولایت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 51 - 1

1_ ضرورت پرهیز مسلمانان از پذیرش ولایت و حاکمیت یهود و نصارا

يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا اليهود والنصرى أولياء

یکی از معانی ولایت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحيط)، بنابراین «ولی» می تواند به معنای امیر و حاکم باشد.

24- اعراض از ولايت يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 51 - 1

1_ ضرورت پرهيز مسلمانان از پذيرش ولايت و حاکميت يهود و نصارا

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود والنصرى اولياء

ص: 92

یکی از معانی ولایت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحيط)، بنابراین «ولی» می تواند به معنای امیر و حاکم باشد.

25- اعلام ولایت امام علی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 67 - 11، 12، 19، 7

7_ انجام وظیفه رسالت الهی از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در گرو ابلاغ پیام ویژه خداوند (اعلام ولایت علی (ع)) به مردم

بلغ ما أنزل... و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

11_ احساس خطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ناحیه برخی مردم جهت انجام رسالت ویژه خویش (ابلاغ ولایت علی (ع))

بلغ ما أنزل... و الله يعصمك من الناس

12_ خداوند، تضمین کننده حفاظت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خطر احتمالی ابلاغ پیام ویژه الهی (ولایت علی (ع))

بلغ ما أنزل... و الله يعصمك من الناس

19_ اعلام ولایت علی (ع) در روز غدیر خم توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امر خداوند

يايها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك

امام باقر(ع):... فإوحى الله عزوجل إليه «يايها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك...»... فقام بولايه علي(ع) يوم غدیر خم... .

کافی، ج 1، ص 289، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 652، ح 291.

26- اولویت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 13، 7

7_ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان، بر غیر خویشان اولویت دارند.

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

13_ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن الله بكل شيء عليم

جمله «إن الله . . .» پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

27- اهمیت ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 21

21_ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیانگر ولایت کسانی که خداوند به ولایت آنان فرمان داده است .

قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم

ص: 93

امام باقر(ع) درباره «بالحق» در آیه فوق فرمود: بولایه من امر الله تعالی بولایته.

مجمع البیان، ج 3، ص 221، ذیل آیه؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 428، ح 4.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 3 - 23، 24، 27، 29

23_ ولایت و امامت، مکمل اسلام

الیوم اکملت لکم دینکم

24_ ولایت و امامت، متمم نعمت خداوند بر مردم

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

ذکر اتمام نعمت پس از اكمال دین با تعیین امامت و رهبری، می تواند اشاره به این معنا باشد که تعیین امامت، موجب اتمام نعمت شده است.

27_ جایگاه ویژه و والای امامت و ولایت در اسلام

الیوم یئس... الیوم اکملت لکم دینکم

29_ اسلام همراه با ولایت، دین کامل و مورد رضایت خداست.

الیوم... و رضیت لکم الاسلام دیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 66 - 25

25_ بهره مندی یهود و نصارا از نعمت های بیکران خداوند، در گرو برپا داشتن حکومت و ولایت الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل... لا کلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: الولایه.

کافی، ج 1، ص 413، ح 6؛ نورالثقلین، ج 1، ص 650، ح 485.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 9، 4

4_ انسان در جستجوی ولی و سرپرست برای خویش و نیازمند به آن است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا

در استفهام انکاری صدر آیه، موضوعی مسلم فرض شده و آن نیاز به ولی و سرپرست است. لذا سخن از آن است که چه کسی را باید به عنوان ولی و سرپرست برگزید.

9_ نیازمندی و فقر آدمی، فلسفه احتیاج او به ولی و سرپرست

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . و هو یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 33 - 11

11_ « عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن الماضي (ع) قال : قلت : « هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق » قال : . . . الولایه هی دین الحق قلت : « لیظهره علی الدین کلّه » قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم . . . » ;

ص: 94

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره «هو الذی ارسل رسوله . . .» سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره «لیظهره علی الدین کله» فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 24 - 8

8- «عن أبی جعفر و أبی عبدالله علیهما السلام فی قول الله : «ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء» قال : یعنی النبی (صلی الله علیه و آله) و الأئمه من بعده هم الأصل الثابت و الفرع الولا یه لمن دخل فیها ;

از امام باقر و امام صادق _ علیهما السلام _ روایت شده است که در باره سخن خدا «ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء» فرمودند: یعنی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (ع) بعد از او، ریشه های ثابت [آن درخت] و شاخه های آن، ولایت است برای کسی که با [پذیرش آن] تحت ولایت داخل شود.

28- اهمیت ولایت امام علی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 67 - 20

20 _ اعلان نکردن ولایت علی (ع) از سوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) موجب حبط عمل آن حضرت

و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق خطاب به علی (ع) فرمود: و لو لم ابلغ ما امرت به من ولایتک لحبط عملی . . .

امالی صدوق، ص 400، ح 13، مجلس 74؛ نورالتقلین، ج 1، ص 654، ح 296.

29- اهمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 13

13 _ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمات والنور

کلمات «أعمى» (کور)، «بصیر» (بینا) و نیز «ظلمات» (تاریکیها) و «نور» (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 5

5 - انسان ها ، هیچ گونه سرپرست و یآوری جز خداوند ندارند .

ص: 95

و ما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

30- ایمان به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 51 - 9

9_ ایمان به خدا و سرپرستی او بر انسان ها ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از غیر اوست .

هو مولینا و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 18

18_ باور به توحید و ولایت خدا و ربوبیت او ، مراتبی گوناگون دارد و هر انسانی به اندازه استعدادش آن را درمی یابد .

قل من رب السموت و الأرض .. أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها ... كذلك يضرب

31- ایمان و ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 81 - 4

4_ ایمان به خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو کانوا یؤمنون بالله و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

32- برخورداری از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 9

9_ بهای بهشت و برخورداری از ولایت الهی، عمل در پرتو ایمان است.

لهم دارالسلام .. بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9_ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو ولیهم بما کانوا یعملون . . . نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون

ص: 96

33- بطلان ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 5 - 5

5_ ظهور بطلان ولایت غیر خدا برای مشرکان با آمدن عذاب الهی

و لا تتبعوا... فما كان دعويهم إذ جاء بأسنا إلا ان قالوا إنا كنا ظلمين

با توجه به جمله «و لا تتبعوا من دونه أولياء» معلوم می شود که مشرکان با نزول عذاب استیصال، حقیقت امر را دریافته و خود را به سبب پذیرش ولایت غیر خدا ستمگر خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 9

9_ قیامت، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشرهم جميعاً... وردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 9 - 7

7- هرگونه ولایت و سرپرستی، منتهی به ولایت غیر خداوند نامشروع و باطل

فالله هو الولی

از انحصار ولایت در خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

34- پاداش ولایت اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 8 - 10

10 - « قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ لا یسئل عباده عمَّا تفضَّل علیهم و لا یمنَّ بذلک علیهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلى الخالق عزَّوجلَّ ما لا یرضی المخلوق به و لکنَّ النعم

حَبَّتَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِئِنَا يَسْئَلُ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ النَّبُوَّةِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ إِذَا هِيَ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه «ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند».

ص: 97

35- پرسش از ولایت اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 8 - 10

10 - « قال الرضا (ع) ولقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ لا يسئل عباده عمَّا تفضَّل عليهم و لا يمتنَّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإِنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزَّوجلَّ ما لا يرضى المخلوق به و لـ كنَّ النعيم حبَّنا أهل البيت و مولاتنا يسئل الله عباده عنه بعد التوحيد و النبوه لأنَّ العبد إذا وفي بذلك ادَّاه إلى نعيم الجنَّة الذي لا يزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجل دربارہ آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجل چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعيم [در آیه «ثم لتسئلنَّ يومئذ عن النعيم»] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحيد و تبت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند».

36- جاودانگی ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 16

16_ توحيد ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل _ که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است _ توحيد و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 3

3 - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

وَقِيضْنَا لَهُمْ قَرْنَاءَ .. قال الذين كفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولياؤكم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به

دشمنی خواهد شد.

37- حاکمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 32 - 5

5- اراده، قدرت و ولایت الهی، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی اللّٰه . . . و لیس له من دونه أولیاء

ص: 98

38- حرمت ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 28 - 3

2_ حرمت و ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی کافران ، برای مؤمنان

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

3_ حرمت برگزیدن کافران و مقدم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 13

13_ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

بنابر اینکه جمله «لَنْ يَجْعَلَ...»، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 144 - 1

1_ حرمت ایجاد روابط دوستی و مودت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

39- حرمت ولایت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 144 - 7

7_ حرمت برقراری روابط دوستی با منافقان و پذیرش ولایت و حکومت آنان

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ .. لَاتَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 4

4_ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

ص: 99

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 108 - 3

3 - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «اتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر جمله «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ» بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم؛ پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 126 - 4

4 - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 131 - 3

3 - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 144 - 4

4 - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

وَأَطِيعُوا

تفریح «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 150 - 4

4 - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 163 - 3

3 - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفريع «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

ص: 100

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 179 - 4

4 - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «اتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر آیه قبل (اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ); بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 33 - 4

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

اطاعت رسول (صلی الله علیه و آله)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 6

6 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ

41- حقانیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 16

16_ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل _ که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و

ماندگار است _ توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 5

5- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادي من دوني أولياء

42- دلایل بی منطقی ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 101

6- بندگی و نیاز همه موجودات به درگاه خدا، خود، دلیل پوچی پندار ولایت برای آنان در برابر خداوند است.

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

با این که معنای آیه، بدون کلمه «عبادی» نیز تمام است، ولی ذکر «عبادی» برای توجه دادن به این نکته است که آنچه به عنوان «ولیت» از سوی کافران انتخاب و در رتبه الوهیت و ربوبیت پنداشته شده است، جملگی عبد خدایند و چگونه است که بی خردان، عبد را در رتبه معبود پنداشته اند؟! بنابراین، آیه، متضمن نوعی استدلال نیز هست.

43- دلایل رد ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 51 - 3

3- حضور نداشتن شیاطین در کار آفرینش جهان، نشان عدم صلاحیت آنان برای ولایت و تدبیر امور عالم است.

أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي .. مَا أَشْهَدُتَّهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

44- دلایل ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 29

29_ یکتایی خدا و غلبه و تسلط او بر هستی، دلیل ربوبیت و ولایت اوست.

أَفَاتَّخِذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ .. وَهُوَ الْوَحْدَ الْقَهَّارُ

45- دین و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 27

27_ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ آتَّخِذَ وَلِيًّا .. قُلْ إِنِّي أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ

جمله «إني أمرت ..» حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری «أغیر الله أتخذ

... « نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

46- ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 102

14 - لازم است که اتکا و توجه انسان ، تنها به ولایت و نصرت الهی باشد .

ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع أفلاتتذکرون

47- ذلّت نیازمند به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 9

9- موجود نیازمند ولایت (سرپرستی و دوستی) ، از سر ذلّت موجودی در مانده و دارای کاستی است .

و لم یکن له ولیّ من الذلّ

«ولایت» یا به معنای دوستی است و یا به معنای سرپرستی است که در هر دو صورت، در صورتی که از سر ذلّت باشد نشانگر وجود نقص و کاستی در شیء مورد حمایت و دوستی است.

48- رد ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 3

3_ معبود های مشرکان در روز رستاخیز ، اظهار می دارند که حق برگفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند .

قالوا سبح_ نک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

«أولیاء» می تواند از «ولایت» (به فتح «واو») به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از ولایت (به کسر «واو») به معنای «نصرت» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

49- رد ولایت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 2

2_ مدعیان ایمان در صورت قطع رابطه دوستی با اهل ایمان و نپذیرفتن ولایت آنان ، در شمار منافقانند .

بشر المنفقین .. الذین یتخذون الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

50- زمينه ذكر ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوري - 42 - 28 - 9

ص: 103

9- دریافت باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا . . . و هو الولی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 9

9- بلاها و تنگناهای زندگی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی و یآوری خواستن از او

و ما أصـبکم . . . و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانسیر

51- زمینه قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 113 - 10

10- نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند ، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد .

و ما لکم من دون الله من اولیاء

آوردن «ولی» به صورت مفرد به جای «اولیاء» در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن «اولیاء» اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

52- زمینه ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 29

29 - اقامه نماز ، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند ، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فاقیموا الصلوه . . . فنعم المولی و نعم النصیر

برداشت فوق، بدان احتمال است که «فنعم المولی . . .» مترتب بر تکالیف پیشین باشد که انجام آن، موجب بهره مندی از ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 3

3- ایمان ، عامل قرار گرفتن تحت ولایت و سرپرستی خداوند

اللّٰه مولى الذین ءامنوا

53- زمينه ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 12

ص: 104

12- تسلیم اغوا و ظاهرسازی های شیطان شدن ، ولایت او را در پی دارد .

فَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ

54- زمینه ولایت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 129 - 9

9_ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو وليهم بما كانوا يعملون ... نولى بعض الظلمين بعضا بما كانوا يكسبون

55- زمینه ولایت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 21 - 3

3 - جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعونى ، زمینه اعطای رسالت و سرپرستی بنی اسرائیل به وی از جانب خداوند

ففررت منکم .. فوہب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تفریع «وہب» بر «ففررت» اشاره به تأثیر جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعون در شایستگی وی برای دریافت حکم و رسالت داشته باشد. گفتنی است که در برداشت فوق واژه «حکم» به معنای ولایت و سرپرستی گرفته شد و مراد از آن سرپرستی بر بنی اسرائیل و هجرت دادن آنان از سرزمین مصر می باشد.

56- سرزنش قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 19

19- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه «استفهام» در «أَفْتَتَّخِذُونَهُ» مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

57- سرزنش قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 19

19- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان، کاری ناشایست و شگفت

ص: 105

انگیز و سزاوار سرزنش است .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه «استفهام» در «أَفْتَتَّخِذُونَهُ» مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

58- سرزنش قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 13

13_ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمات والنور

کلمات «أعمى» (کور)، «بصیر» (بینا) و نیز «ظلمات» (تاریکیها) و «نور» (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 1

1- کافران به جهت پذیرش ولایت غیر خدا ، مورد ملامت اویند .

أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء

استفهام در آیه، برای انکار و توبیخ است؛ یعنی، گزینش غیر خدا، به عنوان ولیّ، کاری نادرست و سزاوار توبیخ است. و مراد از «اتخاذ ولیّ» _ در آیه _ اطاعت معبودان و انتظار یاری از آن ها است.

59- سرزنش ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 9 - 1,2

1 - سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به واسطه پذیرش ولایت غیر او

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

2- انتخاب غیر خدا به عنوان ولی ، امری شگفت انگیز و ملامت بار

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

60- سرزنش ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 9

ص: 106

9_ پذیرش ولایت کافران ، هرگز مایه عزت و سربلندی نخواهد شد .

أَيُّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً

61- سقوط ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 5

5_ سرپرستان مسجدالحرام در صورت بازداشتن اهل ایمان از ورود به آن ، گنهکارند و از حق ولایت و سرپرستی محروم خواهند شد .

يَصُدُّونَ . . . و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

62- شرایط ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 7

7_ لیاقت و برتری ، از شرایط سرپرستی و مدیریت

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ

چون حق مدیریت مردان بر زنان به لحاظ برتری آنان دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 7,8

7_ پیاداشتن همواره نماز با تمامی شرایط آن و کوتاهی نورزیدن در پرداخت زکات ، شرط شایستگی برای ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما وليکم الله . . . الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

اقامه نماز به معنای برپا داشتن آن با تمامی شرایط است و فعل مضارع «یقیمون» و «یؤتون»، حاکی از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زکات است.

8_ حالت خضوع و فروتنی در پرداخت صدقه و زکات ، از شرایط لازم برای تصدی حکومت و ولایت بر اهل ایمان

انما وليکم الله . . . الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 51 - 2

2- داشتن اطلاع و آگاهی همه جانبه به ابعاد امور، شرط ضروری ولایت و سرپرستی است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي . . . مَا أَشْهَدُتَّهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 107

11 - قدرت و توانایی ، شرط شایستگی برای ولایت و سرپرستی است .

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ . . . وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

63- شرایط ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 19 - 9

9 - شرط بهره مندی از ولایت و سرپرستی خداوند ، تقوا است .

وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِيْنَ

64- شرایط ولایت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 2

2_ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

اِنَّ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَ هَاجَرُوْا . . . اَوْلِيَآءَ بَعْضِ

مشارالیه «أولئك» و مرجع ضمیر در «بعضهم»، «الذين» اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر_ مثلا_ اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

65- شگفتی قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 19

19- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

اَفْتَتَّخِذُوْنَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِيْ وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه «استفهام» در «أَفْتَتَّخِذُونَهُ» مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

66- شگفتی قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 108

19- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه «استفهام» در «أَفْتَتَّخِذُونَهُ» مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

67- شگفتی ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 9 - 2

2 - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی ، امری شگفت انگیز و ملامت بار

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

68- شؤون ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 10 - 7

7 - توان مندی بر رفع اختلافات و داوری بایسته ، از شؤون ولایت

فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ . . . وَ مَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ

69- شؤون ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 11

11 - آفرینش و تأمین نیاز مندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ أَوْلِيَاءَ لِيَا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ يَطْعَمُ وَ لَا يَطْعَمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6_ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغیر اللّٰه اتخذ ولیا .. و إن یمسک اللّٰه بضر ... فهو علی کل شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 22

22_ آموزش گناه خطاکاران و گسترانیدن رحمت بر ایشان ، از شؤون ولایت و سرپرستی خداوند بر بندگان خویش است .

ص: 109

أنت ولينا فاغفر لنا و ارحمنا

تقریر جمله «اغفر لنا و ..» بر «أنت ولینا» به وسیله حرف فاء، حاکی از برداشت فوق است.

70- ظالمان و ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 113 - 11

11_ ستمکاران ، شایسته ولایت و سرپرستی نیستند .

ولا تتركوا إلى الذين ظلموا .. و ما لكم من دون الله من أولياء

71- عقل و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 27

27_ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله «إنی أمرت ..» حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری «أغیر الله أتخذ ...» نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

72- عقیده به ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 10

10_ شرک (اعتقاد به وجود مولویت و ربوبیت برای غیر خدا) پنداری باطل و افترا بر خداوند است .

وردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 9 - 3

3 - اعتقاد انسان به ولایت غیر خدا ، ظلم و ستم بر خویشان

و الظّـلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر . أم اتّخذوا من دونه أولیاء

ص: 110

73- عقیده به ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19

19_ مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونه أولياء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. «أم» در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

74- علم در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 51 - 2

2- داشتن اطلاع و آگاهی همه جانبه به ابعاد امور ، شرط ضروری ولایت و سرپرستی است .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء من دوني .. ما أشهدتهم خلق السموت والأرض

75- عوامل محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 37 - 9

9_ خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به محروم کردن از یاری و حفاظت خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

«ولیّ» به معنای یاور و «واق» اسم فاعل از «وقایه» به معنای نگهدارنده است. «من الله» می تواند متعلق به محذوف و حال برای «ولیّ» و «واق» باشد. بر این مبنا جمله «مالک...» چنین معنا می شود: برای تو از جانب خداوند هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود ؛ یعنی، امدادهای خداوند به تو نخواهد رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا ، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

والذین اتّخذوا من دونه أولیاء . . . والظّٰلمون ما لهم من ولیّ ولا نصیر

76- عوامل ولایت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 111

7_ حاکمیت و ولایت یافتن ظالمان معلول کردار ظالمانه مردم جامعه است.

و کذلک نولی بعض الظلمین بعضاً بما كانوا یکسبون

77- فرجام شوم ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 4 - 5

5- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند

کتب علیه ائّه من تولّاه. .. ویهدیه الی عذاب السعیر

78- قبول ولایت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 57 - 12

12_ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین . . . أولیاء و اتقوا اللّٰه ان کنتم مؤمنین

لحن مذمت گونه جمله « و اتقوا اللّٰه ان کنتم مؤمنین» می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی برقرار کرده بودند.

79- قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 23

23_ آدمی بر سر دوراهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أغیر الله أتخذ ولیا

12_ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

18_ پذیرش ولایت خداوند، مستلزم تسلیم شدن محض در برابر اوست.

ص: 112

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

27_ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله «إنی أمرت . . .» حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری «أغیر الله أتخذ ...» نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 3 - 10

10_ پیروی از قرآن، پذیرش ولایت خداوند و فرمانبرداری از اوست.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لا تتبعوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 30 - 8

8_ پذیرش ولایت خداوند شرط بهرهوری از هدایت اوست.

و فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطین أولیاء من دون الله

مفهوم جمله «إنهم . . .» بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 21

21- پذیرش ولایت شیطان، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است.

أفتتخذونه و ذرّیته أولیاء من دونی

80- قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 30 - 10، 5

5_ پذیرش سرپرستی شیاطین بجای خدا، عامل تثبیت گمراهی و دور ماندن از هدایت الهی

فريقا حق عليهم الضلله إنهم اتخذوا الشيطان أولياء من دون الله

10_ پذیرندگان ولایت شیاطین، بی خبر از گمراهی خویش و در پندار برخورداری از توفیق هدایت هستند.

و يحسبون أنهم مهتدون

81- قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 118 - 8

ص: 113

8_ شرک و بت پرستی ، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است .

ان يدعون من دونه الا اثاثاً .. قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 15,16,19,23

15_ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

16_ اطاعت از دستورات شیطان ، در حقیقت پذیرش ولایت اوست .

ولا مرهم فليغيرن خلق الله و من يتخذ الشيطان ولياً

19_ پذیرندگان ولایت شیطان ، مردمی زیانکار با خسارتی آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

23_ آدمی بر سر دوراهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 121 - 2

2_ دوزخ ، فرجام پذیرندگان ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً .. أولئك ماويهم جهنم ولا يجدون عنها محيصاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 100 - 5

5- پذیرش ولایت شیطان و پیروی از او ، شرک به خداوند است .

الذين يتولّونه .. هم به مشرکون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «باء» در «به» برای سببیت باشد و ضمیر آن به «قبول و پذیرش» _ که در معنای «یتولّونه» (از او

فرمان می برند) اشراب شده است _ برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 21, 28, 29

21- پذیرش ولایت شیطان، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

28- گزینش ولایت شیطان به جای ولایت خدا، انتخابی ظالمانه و زشت است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ... بئس للظلمين بدلاً

مخصوص به «ذم» در فعل «بئس» ابلیس است. و «بدلاً» تمیز برای آن، لذا معنای جمله، چنین می شود که: «شیطان، بد جایگزینی است (به جای خداوند) برای ظالمان».

29- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او، ظالم اند.

بئس للظلمين بدلاً

ص: 114

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 4 - 1

1- پیروی از شیطان، به معنای پذیرش ولایت و سرپرستی او است.

و يتَّبِعْ كُلَّ شَيْطَانٍ... مِنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يَضِلُّهُ

82- قبول ولایت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 19 - 6

6 - پیروی از تمایلات جاهلانه ظالمان، به معنای پذیرش ولایت و رهبری آنان است.

و لا تتَّبِعْ أَهْوَاءَ... وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

با توجه به این که «إِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ...» تعلیل برای نهی «لا تتَّبِعْ» است، مفاد آیه شریفه چنین خواهد بود: اگر پیامبر یا موحد دیگری، در برابر خواسته یا خواسته های هواپرستان جاهل تسلیم شود، در حقیقت رهبری و ولایت آن هواپرستان ظالم را پذیرفته است.

83- قبول ولایت غیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 22

22 - پذیرش اندیشه و فرمان های دیگران، قبول ولایت آنهاست.

و لا ضلنهم ولا منینهم ولا مرنهم... و من يتخذ الشيطان ولياً

84- قبول ولایت غیر اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 18

18 - «عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل «و من یرد فیہ بالحاد بظلم» فقال: من عبد فیہ غیر الله عز وجل أو تولی فیہ غیر اولیاء الله فهو ملحد بظلم...» ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزوجل «و من یرد فیہ بالحاد بظلم» روایت شده است که فرمود: کسی که در مکه، غیر از خدای

عزوجلّ را پرستش کند، یا ولایت غیر اولیای خدا را بپذیرد، «الحاد به ظلم» کرده است».

85- قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 115

5 - انعام - 6 - 14 - 25

25_ پذیرش ولایت غیر خدا، شرک است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . ولا تكونن من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 15 - 4

4_ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، عصیان بر اوست.

أغیر الله أتخذ ولیا . . . ولا تكونن من المشرکین. قل إنی أخاف إن عصیت ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 3 - 9

9_ اطاعت و پیروی از دیگران در حقیقت پذیرش ولایت آنهاست.

اتبعوا . . . ولا تتبعوا من دونه أولیاء

با اینکه کلمه ای مانند «احدا» به جای «أولیاء» می توانست بیانگر معنای مقصود باشد، ولی کلمه «أولیاء» به کار برده شده تا اشاره باشد به اینکه پیروی و فرمانبرداری مساوی با پذیرش ولایت و سرپرستی پیروی شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 4 - 2

2_ عذاب سهمگین خداوند در انتظار جوامع مختلف از قوانین دین و پذیرنده ولایتهای غیر خداوند

ولا تتبعوا من دونه . . . و کم من قریه أهلکنها

بیان هلاکت جوامع پیشین پس از فرمان به رعایت قوانین دین و سرپیچی از ولایت غیر خدا «اتبعوا ما أنزل الیکم . . .»، بیانگر آن است که عذاب امتهای پیشین به سبب تخلف آنان از این فرمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 8

8_ کسانی که ولایت خدا را نپذیرند ، خویشان را به ولایت‌هایی متعدد و بی اساس گرفتار خواهند کرد .

و ما کان لهم من دون الله من أولیاء

جمع آوردن کلمه «أولیاء» با وجود این که بیان معنای مقصود با کلمه «ولیّ» نیز ممکن بود ، اشاره به این نکته دارد که انسان ، اگر ولایت الهی را نپذیرد ، گرفتار تعدد اولیا می شود و ناچار است به ولایت‌های متعددی گردن نهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 22

22_ پذیرش سرپرستی و ولایت غیر خدا شرک است .

أفأخذتم من دونه أولیاء . . . أم جعلوا لله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 4

ص: 116

4- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سر نهاده بر آستان شماری از بندگان اویند .

يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 104 - 10

10- کسانی که غیر خدا را معبود و ولیّ خود ساخته اند ، به خطا ، خود را کام روا و نیک کردار می پندارند .

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ . . . وَ هُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صِنْعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 41 - 2،4،8

2 - انتخاب کنندگان ولیّ و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنكبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمِثْلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا

4 - کسانی که ولایت و کارسازی خدا را رها کنند و به سراغ غیر خدا بروند ، مبتلا به اولیای متعددی می شوند .

مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمِثْلِ الْعَنْكَبُوتِ

جمع آورده شدن «اولیاء» احتمال دارد که ناظر به واقعیت خارجی باشد و آن، این است که گریزندگان از ولایت الهی، ارباب و اولیای متعدد پیدا می کنند.

8 - ولیّ و کارساز گیرندگان غیر خدا ، جاهلانه و از سر بی خبری ، انتخاب کرده اند .

مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمِثْلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا . . . لَوْ كَانُوا ي

86- قبول ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 144 - 10

10 _ پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، جبهه گیری در مقابل خداوند است .

لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ . . . أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَالِمًا بِمَا كَانُوا ي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 145 - 2

2_ مؤمنان، در صورت پذیرش ولایت کافران، محکوم به نفاق خواهند بود.

لا تتخذوا الكافرين أولياء... إنَّ المنفقين في الدرك الاسفل من النار

ظاهراً جمله «إنَّ المنفقين...»، بیان علت برای جمله «لا تتخذوا...» است. بنابراین مراد از «المنفقين»، همان کسانی خواهند بود که ولایت کافران را پذیرا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 17

17_ ناکامی و زیانکاری، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

ص: 117

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 32

32_ بیمار دلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله یقوم . . . ذلک فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 57 - 3،13

3_ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا . . . الکفار اولیاء

«هزوا» به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

13_ پذیرش ولایت و دوستی کافران و تمسخر کنندگان اسلام ، ناسازگار با ایمان و تقوا

و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 7،8،9،10،16،17

7_ بنی اسرائیل همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لایتناهون عن منکره فعلوه . . . تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از «منکر» که در آیه قبل مطرح شده بود.

8_ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با

آنان

کانوا لایتناهون عن منکر . . . تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

9_ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذين كفروا .. تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

10 _ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون .. كانوا لایتناھون ... يتولون الذين كفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

16 _ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون. كانوا لایتناھون ... وفي العذاب هم خلدون

17 _ غضب الهی و عذاب همیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان

یتولون الذين كفروا لبئس .. ان سخط اللہ علیهم وفي العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 118

11 _ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون

87- قبول ولایت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 51 - 16, 17, 11

11 _ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا ، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من یتولهم منکم فانه منهم

16 _ مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ الله لایهدی القوم الظلمین

17 _ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ الله لایهدی القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 20, 13, 11, 6, 2

2 _ شتاب زدگی بیمار دلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق «یسرعون فیهم» _ به قرینه آیه قبل _ به معنای «یسارعون فی تولیهم» گرفته شده است.

6 _ شتاب بیمار دلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إنّ الله لایهدی القوم الظلمین . فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

11 _ سرزنش و توییح خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

13_ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

20_ پشیمانی، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يسرعون فيهم... فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 53 - 16

16_ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

بدان احتمال که مراد از «اعملهم» تلاشهایی است که بیمار دلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند؛ بر این اساس مقصود از «خسارت» بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

ص: 119

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 4,5

4_ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من يتولهم منكم فانه منهم . . . یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که _ علی رغم نهی خداوند _ با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

5_ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 56 - 8

8_ ناکامی و شکست، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود، نصارا و دیگر کافران

و من يتول الله ورسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

حصر در جمله «فان حزب الله . . .» می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

88- قبول ولایت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 1,6

1_ بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری کثیراً منهم يتولون الذین کفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از «الذین کفروا» مشرکان مکه می باشد.

6_ پذیرش ولایت مشرکان و دوستی با آنان از جمله اعمال ناپسند و رایج در بین انبوهی از یهودیان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لبس ما كانوا يفعلون. ترى كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

جمله «یتولون الذین کفروا» مصداقی برای جمله «لبس ما كانوا يفعلون» است. وبه قرینه آیه 82 (و لتجدن اقربهم موده...) که مسیحیان را دوستار مسلمانان معرفی کرده است، معلوم می شود، مراد از بنی اسرائیل در این بخش از آیات، یهودیان است.

89- قبول ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 51 - 16، 17، 11

11 - مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من یتولهم منکم فانه منهم

ص: 120

16 _ مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من يتولهم منكم فانه منهم إنّ الله لا يهدي القوم الظالمين

17 _ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من يتولهم منكم فانه منهم إنّ الله لا يهدي القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 13، 11، 6، 2

2 _ شتاب زدگی بیمار دلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض يسرعون فيهم

در برداشت فوق «يسرعون فيهم» _ به قرینه آیه قبل _ به معنای «يسارعون فی تولیهم» گرفته شده است.

6 _ شتاب بیمار دلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إنّ الله لا يهدي القوم الظالمين. فتری الذین فی قلوبهم مرض يسرعون فيهم

11 _ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتری الذین فی قلوبهم مرض يسرعون فيهم

13 _ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یهود و

نصارا و پذیرش ولایت آنان

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

20 _ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يسرعون فيهم... فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 16

16 _ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا ، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

بدان احتمال که مراد از «اعملهم» تلاشهایی است که بیماردلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند؛ بر این اساس مقصود از «خسارت» بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 4,5

4_ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا، ارتداد و بازگشت از دین است.

و من يتولهم منكم فانه منهم . . . يا ايها الذين ءامنوا من يرتد منكم عن دينه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که _ علی رغم نهی خداوند _ با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

5_ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتري الذين في قلوبهم مرض . . . يا ايها الذين ءامنوا من يرتد منكم عن دينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8_ ناکامی و شکست ، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود ، نصارا و دیگر کافران

و من یتول الله ورسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

حصر در جمله «فان حزب الله . . .» می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیینا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

90- قدرت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 9 - 11

11 - قدرت و توانایی ، شرط شایستگی برای ولایت و سرپرستی است .

فالله هو الولیّ . . . و هو علی کلّ شیء قدیر

91- کفر ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 102 - 11

11- پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أَنْ یَتَّخِذُوا عِبَادَی مِنْ دُونِیَ أَوْلِیَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِینَ نَزْلًا

92- کفر قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 102 - 11

11- پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أَنْ یَتَّخِذُوا عِبَادَی مِنْ دُونِیَ أَوْلِیَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِینَ نَزْلًا

93- محبت در ولایت

25- محبت و دل سوزی، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری

ولایت، باید از کینه‌وزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

94- محرومان از ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 44 - 1

1 - کسانی که خداوند، آنان را گمراه کند، از هرگونه سرپرست و یاور محروم اند.

و من یضلل الله فما له من ولیّ من بعده

95- محرومان از ولایت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 10

10 - ستم پیشگان، محروم از هرگونه ولیّ و یآوری در قیامت

والظالمون ما لهم من ولیّ ولا نصیر

96- محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 120 - 18

18 - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی، با وجود قوانین الهی، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است.

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من الله من ولیّ ولا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 115 - 11

11 - خداوند، مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تفرقه افکنان در جامعه ایمانی را از ولایت خویش خارج و به حال خودشان رها می سازد.

و من یشاقق الرسول . . . و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 196 - 7

7_ شرکوری و پرستش غیر خدا، کرداری ناشایسته و مایه محرومیت از ولایت و حمایت های خداوند است .

و هویتولی الصلحین

مصدق مورد نظر برای صلاح و صالحان، به قرینه آیات گذشته، توحید و مؤمنان موحد است و در مقابل آن شرک و مشرکان

ص: 123

خواهد بود. بنابراین مفهوم جمله «و هو...» عدم حمایت خداوند از مشرکان است.

97- محمد(صلی الله علیه و آله) و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 2

2_ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر(صلی الله علیه و آله)

قل أغیر الله أتخذ ولیا

98- محمد(صلی الله علیه و آله) ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 18

18_ فرمان خداوند به پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای نصب علی(ع) به ولایت و سرپرستی امت

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا الذین .. یؤتون الزکوه و هم رکعون

امام باقر(ع): امر الله عزوجل رسوله بولایه علی(ع) و انزل علیه «انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا ..»

کافی، ج 1، ص 289، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 646، ح 264؛ الدرالمشور، ج 3، ص 105.

99- مدح ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 30

30 - ستایش خدا از سرپرستی خود نسبت به مسلمانان و یاری رساندن به آنان

هو سمّیکم المسلمین... فنعم المولی و نعم النصیر

100- مشرکان و ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - مشركان ، به شفاعت و ولايت و سرپرستی غير خدا ، اعتقاد داشتند .

أم يقولون .. ما لكم من دونه من وليّ ولا شفيع أفلاتتذكرون

ص: 124

101- مشمولان ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 4

4_ هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

فمن یرد الله . . . لقوم یذکرون. لهم دارالسلام عند ربهم و هو ولیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 8 - 42 - 15

15 - پیروان وحی، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و كذلك أوحینا . . . یدخل من یشاء فی رحمته... و الظّـلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 10 - 42 - 9

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذلکم اللّٰه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 23، 28

23 - خدا، مولا و سرپرست امت اسلامی

سمّیکم المسلمین . . . هو مولیکم

28 - خدا، سرپرست و یاور خوب و شایسته برای امت اسلامی

هو سمّیکم المسلمین . . . و اعتصموا باللّٰه . . . فنعم المولی و نعم النصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 196 - 4،6،1

1_ خداوند سرپرست پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یاور او در برابر کیدها و توطئه های مشرکان

ثم کیدون فلا تنظرون. ان ولی الله

4_ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو یتولی الصالحین

6_ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهرا سیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلا تنظرون . . . هو یتولی الصالحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهرا سند.

ص: 125

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 14,6

14- اصحاب كهف ، تدبير كننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولیّ

مراد از ضمیر در «لهم» اصحاب كهف است.

6- تنها خداوند بر تمام اسرار هستی آگاه است .

قل الله أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جمله «له غیب. ..» _ به قرینه «الله أعلم» _ علاوه بر بیان مالکیت خداوند بر اسرار هستی، بر آگاهی فراگیر او نیز دلالت دارد.

102- مضمولان ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 63 - 8

8- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمم من قبلک فزین لهم الشیطنَ اعم لهم فهو ولیهم الیوم

103- معرضان از ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 3 - 8

8 _ رویگردانان از ولایت خداوند، در وادی ولایتهای متعدد غیر خدا سرگردان هستند.

ولا تتبعوا من دونه أولیاء

بدیهی است حرمت تبعیت از غیر خداوند مشروط به این نیست که پیروی شونده متعدد باشد. بنابراین آوردن کلمه «أولیاء» به صورت

جمع می تواند اشاره به این باشد که آدمی با دور شدن از ولایت خدا و قرآن همواره تحت سیطره حاکمانی متعدد قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ جوامع بی اعتنا به قوانین دین و اعراض کنندگان از ولایت خداوند، از ظالمان هستند.

اتبعوا... قالوا إنا كنا ظلمین

ظالم خواندن اقوام هلاک شده پیشین پس از فرمان به تبعیت از قوانین دین و بر حذر داشتن مردم از پذیرش ولایت غیر خدا، بیانگر آن است که پذیرش ولایت غیر خدا و پیروی نکردن از قوانین دین، ظلم است.

ص: 126

104- معرضان از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 4

4- كافرين ، از ولایت خدا روی گردان و سر نهاده بر آستان شماری از بندگان اویند .

یتخذوا عبادی من دونی اولیاء

105- ملاک ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 8، 1

1 _ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله اتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

8 _ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

قل أغیر الله اتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 16

16 _ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموت و الأرض أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

یوسف(ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولیّ خویش می خواند تا به این حقیقت اشاره کند که:

چون خدا خالق هستی است ، ولیّ و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 11، 28

11 _ تنها کسی شایسته ولایت و سرپرستی است که بر نفع رسانی و دفع ضرر توانا باشد .

لا يملكون لأنفسهم نفعاً ولا ضرراً

28_ ربوبیت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفأخذتم من دونه أولياء .. قل الله خ_لق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 17

17- شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات ، در انحصار مالک آگاه و هوشمند جهان هستی است .

له غيب السموت و الأرض أبصر به و أسمع ما لهم من دونه من وليّ

ص: 127

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 3, 5, 6, 2

2_ خداوند ، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران ، با ذکر نشانی معین و مشخص

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله «و هم رکعون» جمله ای است حالیه و عامل آن فعل «یؤتون» است و نیز با توجه به ظهور «رکوع» در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر دارد؛ یعنی برای معرفی شخصی معین است.

3_ پرداخت زکات در حال رکوع نماز ، نشانه فرد تعیین شده در بین مسلمانان صدر اسلام برای حکومت و ولایت بر آنان

و یؤتون الزکوه و هم رکعون

5_ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

6_ ولایت و رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه «ولی» _ علی رغم جمع بودن خبر آن _ رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 27

27 - مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری ، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است .

هو مولیکم

با توجه به ظهور «هو مولاکم» در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 67 - 5

5_ نصب علی (ع) به امامت و ولایت بر اهل ایمان ، حکم نازل شده به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آیه تبلیغ

بلغ ما أنزل إليك

بر اساس شأن نزولهای متعدد و روایات فراوان، مراد از «ما انزل الیک»، امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع) است.

108- منشأ ولایت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 19

ص: 128

19_ ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر مؤمنان، نشأت یافته از مقام رسالت آن حضرت

و یطیعون الله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 33 - 4,5

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای حق ولایت بر مردم، در پرتو جعل و تفویض الهی

أطیعوا الله و أطیعوا الرسول

اطاعت رسول (صلی الله علیه و آله)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

5- ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مردم، نشأت یافته از منصب رسالت الهی آن حضرت

أطیعوا الله و أطیعوا الرسول

وصف «الرسول»، می تواند مشعر به علیت باشد؛ یعنی، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ولایت بر خلق را برای او به ارمغان آورده است.

109- موانع ولایت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 51 - 8

8- به کارگیری نیروهای ناصالح، ناسازگار با ولایت دل سوزانه و بر حق است .

و ما كنت متخذ المصلين عضداً

110- موانع ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 18

18_ ایمان به خداوند و آیات او مانع ولایت و حاکمیت شیاطین بر انسان

إنا جعلنا .. للذین لا یؤمنون

111- موانع ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 15 - 6

6_ ترس از عذاب قیامت، مانع از شرک و پذیرش ولایت غیر خدا

أغیر اللّٰه اتّخذ ولیا . . . إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظیم

ص: 129

112- مهربانی در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 25

25- محبت و دل سوزی، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذَرِّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینه‌هوی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

113- نشانه های ولایت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 25

25- محبت و دل سوزی، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذَرِّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینه‌هوی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

114- نشانه های ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 101 - 17

17_ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکتب و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قد آتیتنی من الملك و علمتنی . . . أنت ولی فی الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 11

11 - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس و ناامیدی انسان ، جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط الله الرزق .. ولکن ینزل بقدر ما یشاء ... و هو الذی ینزل الغیث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 2

2- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذلک بأنّ الله مولی الذین ءامنوا .. إنّ الله یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصالح

ص: 130

115- نعمت ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 38

38 - « بعض اصحابنا رفعه فی قول الله عز و جل « و لتكبروا الله على ما هداكم » قال : « التكبير » التعظيم لله ، و « الهدايه » الولايه ؛

از امام معصوم (ع) درباره سخن خداوند عز و جل که فرموده «و لتكبروا الله على ما هداكم» روایت شده که مراد از «تكبير»، تعظيم و بزرگداشت خداست و مراد از «هدایت» ولایت است (یعنی خدا را به عظمت یاد کنید به خاطر نعمت ولایت)».

116- نعمت ولایت اهل بیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 8 - 102 - 10

10 - « قال الرضا (ع) و لقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ لايسئل عباده عمَّا تفضَّل عليهم و لايمنَّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزَّوجلَّ ما لايرضى المخلوق به و لـكنَّ النعيم حبَّنا أهل البيت و موالنا يسئل الله عباده عنه بعد التوحيد و النبوه لأنَّ العبد إذا وفي بذلك آذاه إلى نعيم الجنَّه الذي لايزول ؛

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعيم [در آیه «ثم لتسئلنَّ يومئذ عن النعيم»] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحيد و نبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند».

117- نقش ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 17

17 _ محبت و دوستی و انتخاب ولی و سرپرست ، دارای نقشی اساسی و کارآمد در هدایت و گمراهی

انما وليكم الله و رسوله و الذين ءامنوا

با توجه به اینکه آیه مورد بحث، ناظر به آیات پیشین است و در آن آیات پذیرش ولایت یهود و نصارا، مایه محرومیت از هدایت الهی

دانسته شده بود، معلوم می شود پذیرش ولایت خدا، پیامبر(صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، مایه هدایت است.

118- نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 131

13 - انسان در قیامت ، نیازمند ولایت و یاورى است .

والظِّلمون ما لهم من ولّیّ ولا نصیر

119- نیاز به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - انسان ، نیازمند ولایت و یاورى از جانب خداوند ، در تمامی حالات زندگى خویش

و من یضلل الله فما له من ولّیّ من بعده

این که گمراهان با محروم شدن از ولایت الهی ره به جایی نمی برند، نشانگر آن است که انسان ها در تمامی حالات زندگى خویش نیازمند امداد و ولایت الهی اند.

120- ولایت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9_ قیامت ، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشرهم جمیعاً .. و ردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15_ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولّیّ فی الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و كذلك أوحينا . .. يدخل من يشاء في رحمة... و الظلمون ما لهم من ولي ولا نصير

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مضمولان رحمت الهی (یدخل من يشاء في رحمة) در برابر ستمگران قرارگرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 46 - 3

3 - قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

ص: 132

و ما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون الله

121- ولایت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 122 - 11، 12، 13، 16

11 _ پذیرش ولایت خداوند ، از بین برنده هر نوع سستی در انجام وظایف دینی

اذ همّت .. و الله وليّهما

«و الله وليّهما»، با لحن اعتراض گونه اش (در حالی که خداوند سرپرست و حمایت کننده شماست، سستی چرا؟) به این نکته اشاره دارد که پذیرش ولایت الهی و اعتقاد به آن، مانع از هر گونه سستی در راه انجام وظایف الهی است.

12 _ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت .. و الله وليّهما

جمله «و الله وليّهما»، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را داشتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

13 _ افتادن بندگان به ورطه انحراف ، در صورت قطع ولایت و حمایت الهی از آنان

اذ همّت .. و الله وليّهما

جمله «الله وليّهما»، بیانگر علت انصراف مسلمانان از تصمیم بر مخالفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. بنابراین قطع ولایت، موجب گرفتار شدن آدمی به انحراف و مخالفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

16 _ پذیرش ولایت خداوند ، مستلزم توکل و اتکا به او در هر حال و در همه امور

و الله وليّهما و على الله فليتوكل المؤمنون

جمله «و على الله فليتوكل»، با کلمه «فاء»، تفریع به جمله «و الله وليّهما» شده است یعنی حال که خداوند ولی شماست، تنها به او توکل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 123 - 7

7_ نصرت و یاری الهی به مؤمنان ، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

و الله وليّهما . . . و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله «و لقد نصرکم الله»، می تواند استدلالی باشد برای جمله «و الله وليّهما». یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است؛ به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 150 - 1,5,6,7,8,9

1_ تنها خداوند مولی و سرپرست اهل ایمان و بهترین یاور آنان است .

بل الله مولیکم و هو خیر التّاصرین

5_ اطاعت و پیروی جامعه ایمانی از کفرپیشگان ، موجب خروج از ولایت خداوند و محرومیت از یاری او

ص: 133

ان تطيعوا الذين كفروا... بل الله مولیکم و هو خيرُ الناصرين

6_ پذيرش ولايت خداوند ، موجب بهره مندی از پشتيبانی وی و زمينه ساز پیروزی بر کافران

بل الله مولیکم و هو خير الناصرين

تقديم ذکرى ولايت الهی بر یاری او، نشانه تقدّم خارجى آن است؛ يعنى آنگاه خداوند شما را یاری خواهد کرد که تنها ولايت او را پذيرا باشید.

7_ پذيرش ولايت الهی و عقیده به خدا به عنوان بهترین یاور ، مانع اطاعت از کافران و پذيرش ولايت آنان

ان تطيعوا الذين... بل الله مولیکم و هو خير الناصرين

چون معمولا اطاعت آدمی از کسی برای جلب یاری اوست، قرآن با بیان اینکه خداوند تنها سرپرست و بهترین یاور است به مؤمنان می فهماند که با یاری خداوند هیچ نیازی به یاری کافران نخواهید داشت تا مجبور شوید از آنان تبعیت کنید.

8_ توجه به ولايت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند ، از عوامل تقويت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل الله مولیکم و هو خير الناصرين

9_ پذيرش ولايت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او ، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردوکم على اعقابکم فتتقلبو خاسرين. بل الله مولیکم و هو خير الناصرين

پیامد پذيرش ولايت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذيرش ولايت خداوند _ به قرینه مقابله آن با پذيرش ولايت کافران _ باعث رشد و سعادت خواهد بود.

122- ولايت امام علی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 3 - 53,54

53_ اعلام جانشینی و ولايت علی (ع) توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، موجب کمال دین و تمام نعمت و رضای پروردگار

اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که هنگام نزول آیه فوق فرمود: ان کمال الدین و تمام النعمه و رضی الرب بارسالی الیکم بالولایه بعدی لعلی ابن ابی طالب (ع).

امالی صدوق، ص 291، ح 10، مجلس 56؛ بحار الانوار، ج 37، ص 111، ح 3.

54_ ولایت علی (ع)، آخرین فریضه نازل شده از سوی خداوند

الیوم اکملت لکم دینکم

امام باقر(ع): امر الله عزوجل رسوله بولایه علی(ع) . . . و کانت الولاية اخر الفرائض فانزل الله عزوجل «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» يقول الله عزوجل: ... قد اکملت لکم الفرائض.

کافی، ج 1، ص 289، ح 4؛ نور الثقلین، ج 1، ص 587، ح 25.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 18، 5

5_ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام، از آن خدا، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

ص: 134

انما وليكم الله ورسوله و الذين آمنوا . . . و يؤتون الزكوه و هم ركعون

18 _ فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای نصب علی (ع) به ولایت و سرپرستی امت

انما وليكم الله ورسوله و الذين آمنوا الذين . . . يؤتون الزكوه و هم ركعون

امام باقر(ع): امر الله عزوجل رسوله بولايه على(ع) و انزل عليه «انما وليكم الله ورسوله و الذين آمنوا . . .

کافی، ج 1، ص 289، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 646، ح 264؛ الدرالمنثور، ج 3، ص 105.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 67 - 16

16 _ خداوند هرگز به مخالفان پیام ویژه الهی (ولایت و امامت علی (ع)) مجال توطئه علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نخواهد داد .

بلغ . . . إن الله لا يهدى القوم الكافرين

بدان احتمال که متعلق حذف شده از فعل «یهدی» به قرینه (و الله يعصمك من الناس) توطئه های کافران باشد، یعنی خداوند کافران را به توطئه علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) موفق نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 23 - 6

6 _ «عن ابی جعفر (ع) فی قوله تعالى : «يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا آباءكم و اخوانكم اولياء ان استحبوا الكفر على الايمان» قال : فإن الإیمان و لایه علی بن ابی طالب (ع) ;

از امام باقر (ع) درباره قول خدای تعالی: «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر پدران و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دادند، آنان را ولی خود نگیرید.» روایت شده است: به درستی که ایمان، ولایت علی بن ابی طالب (ع) است».

123- ولایت امام مهدی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 13 - 7

7- «عن سدیدالصیرفی قال : دخلت . . . علی . . . أبی عبدالله الصادق (ع) . . . قال : . . . نظرت فی کتاب الجفر . . . و تأملت منه مولد

قائمنا و غیبتہ . . . و بلوی المؤمنین فی ذلک الزمان و تولد الشکوک فی قلوبہم من طول غیبتہ و إرتداد اکثرہم عن دینہم و خلعہم ربکہ الإسلام من أعناقہم التي قال اللہ تقدس ذکرہ : « و کلّ إنسان ألزمنہ طائرہ فی عنقہ » یعنی الولایہ ;

از سدیر صیرفی روایت شدہ است کہ گفت: بر امام صادق (ع) وارد شدم . . فرمود: ... در کتاب حفر نگاہ کردم ... و در آن در بارہ تولد و غیبت قائمان تأمل کردم: ... و [دیدم از] آزمایش مؤمنین در آن زمان و پیدایش شک در دلہایشان از طولانی شدن عیبت آن حضرت و مرتد شدن اکثر مؤمنان از دینشان و گسستن ریسمان اسلام از گردنہایشان، ریسمانی کہ خداوند _ تقدس ذکرہ _ می فرماید: «و کلّ إنسان ألزمنہ طائرہ فی عنقہ» کہ مقصود ولایت می باشد».

124- ولایت انبیا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 135

3 - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «اتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر جمله «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ» بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم؛ پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

وَأَطِيعُوا

تفریح «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 179 - 4

4 - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح «اتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» بر آیه قبل (اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ); بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

125- ولایت اولیای مقتول در دوران صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 49 - 8

8 - وجود قانون ولایت اولیای مقتول برای خونخواهی وی ، در عصر صالح پیامبر

لَنَبِیَّتَهُ وَاَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُوْلَنَّ لَوْلِیَّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلَکَ اَهْلِهِ

126- ولایت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 4

4_ ولایت غیر خداوند، بی اساس و باطل است.

ثُمَّ رَدُّوْا اِلَی اللّٰهِ مُوْلِیْهِمُ الْحَقِّ

127- ولایت بر اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 26 - 15، 14

14- اصحاب کهف ، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

مَا لَهُمْ مِنْ دُوْنِهِ مِنْ وَلِیٍّ

مراد از ضمیر در «لهم» اصحاب کهف است.

15- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است .

قل الله أعلم بما لبثوا .. ما لهم من دونه من ولیّ

128- ولایت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 137

14 - هارون، دارای حق ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) بود.

و لقد قال لهم هرون... فاتَّبِعُونِي واطِيعُوا أَمْرِي

فرمان هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

129- ولایت بر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 8

8- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان، تسلیم انبیا نشدند، تحت ولایت شیطانند.

أُمَمٌ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَ لَهُمْ فَهُمْ وَلِيَّهُمُ الْيَوْمَ

130- ولایت بر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 4, 5, 7, 11

4_ عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر، در صورت گذشتن ولی زن از حق وی

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلقه است، ظاهر این است که «الّا»، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که «الذی...» حمل بر ولی زن شود؛ نه شوهر.

5_ اختیار ازدواج زن_ در صورتی که شرعاً دارای ولی باشد_ با ولی اوست.

الذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه «الذی»، ولی زن باشد و این ولی، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

7_ چشمپوشی زن، شوهر و ولی زن از حقوق خویش (مهریه)، به تقوا نزدیکتر است.

و ان تعفوا اقرب للتقوی

در صورتی که خطاب «آن تعفوا» به کلیه افراد - اعم از زن و مرد و ولی - باشد.

11 - ولی زن مطلقه می تواند از حق وی (نصف مهر) ، صرف نظر کند .

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران بر آنند که مراد از «الذی . . . » ولی زن است ؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولی شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 19، 11، 6، 2، 1

1 - مدیریت و سرپرستی زنان هر جامعه بر عهده مردان است .

الرجال قوامون علی النساء

در برداشت فوق، کلمه «الرجال» و «النساء»، مطلق مردان و زنان گرفته شده، نه خصوص شوهران و همسران آنان. قوام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

ص: 138

2_ شوهران ، وظیفه دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش

الرجال قوامون علی النساء

به قرینه «بما انفقوا»، مراد از «الرجال» شوهران و «النساء» همسران آنان خواهد بود؛ زیرا هزینه زندگی زنان بر عهده شوهران خویش است و نفقه مطلق زنان بر عهده مردان نیست.

6_ برتری مردان بر زنان ، فلسفه تشریح حق سرپرستی و مدیریت آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض

11_ تأمین هزینه های زندگی از سوی مردان ، فلسفه تشریح حق مدیریت و سرپرستی آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون علی النساء . . . و بما انفقوا من اموالهم

19_ اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی ، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است .

الرجال قوامون . . . و بما انفقوا... فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله

مراد از «بما حفظ الله»، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و «باء» مقابله در «بما حفظ» می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

131- ولایت بر فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 7

7- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أيمسكه علی هون أم يدسه فی التراب

اینکه خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

132- ولایت بر فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 35 - 11، 5

5_ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی

11_ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش ، به هنگام در حیات نبودن عمران *

ربّ ائی نذرت لک

133- ولایت بر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 139

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذلکم اللہ ربّی

134- ولایت بر مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 6

6_ ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقوایبندگان است .

و ما کانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

135- ولایت بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 7

7_ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفأخذتم من دونه أولیاء

تفریع جمله «أخذتم ..» به وسیله حرف «فاء» بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد _ که مشرکان نیز آنها را باور دارند _ می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

136- ولایت بر موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 17، 16

16- موجودات آسمان ها و زمین ، فاقد ولیّ و سرپرستی جز خدا

له غیب السموت و الأرض ... ما لهم من دونه من ولیّ

محتمل است که ضمیر «لهم» _ به قرینه «السموات و الأرض» _ به موجوداتی که در آن ها است، بازگردد. در چنین مواردی، اهمیت عقلا، دیگران را تحت الشعاع قرار می دهد و ضمیر، مناسب آنان آورده می شود.

17- شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات ، در انحصار مالک آگاه و هوشمند جهان هستی است .

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع ما لهم من دونه من ولیّ

ص: 140

137- ولایت بر موجودات آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 16

16- موجودات آسمان ها و زمین ، فاقد ولی و سرپرستی جز خدا

له غیب السموت و الأرض . . . ما لهم من دونه من ولی

محتمل است که ضمیر «لهم» _ به قرینه «السموات و الأرض» _ به موجوداتی که در آن ها است، بازگردد. در چنین مواردی، اهمیت عقلا، دیگران را تحت الشعاع قرار می دهد و ضمیر، مناسب آنان آورده می شود.

138- ولایت بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 144 - 2

2_ کافران ، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

يأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین اولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 7,8,9,1,3,5

1_ تنها خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

3_ پرداخت زکات در حال رکوع نماز ، نشانه فرد تعیین شده در بین مسلمانان صدر اسلام برای حکومت و ولایت بر آنان

و یؤتون الزکوه و هم رکعون

5_ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

7_ پیداشتن همواره نماز با تمامی شرایط آن و کوتاهی نورزیدن در پرداخت زکات ، شرط شایستگی برای ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما وليکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

اقامه نماز به معنای برپا داشتن آن با تمامی شرایط است و فعل مضارع «یقیمون» و «یؤتون»، حاکی از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زکات است.

8_ حالت خضوع و فروتنی در پرداخت صدقه و زکات ، از شرایط لازم برای تصدی حکومت و ولایت بر اهل ایمان

انما وليکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

9_ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

ص: 141

برداشت فوق با توجه به کلمه «انما» که برای حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 19

19 - ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر مؤمنان، نشأت یافته از مقام رسالت آن حضرت

و یطیعون الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 27، 2، 1

1 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، دارای ولایتی تام بر مؤمنان است.

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

2 - ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مؤمنان، از ولایت خود آنان بر امورشان، برتر است.

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

27 - «عن النبي (صلی الله علیه و آله) قال: ما من مؤمن إلا وأنا أولى الناس به في الدنيا والآخرة اقرأوا إن شئتم: «النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم» فأیما مؤمن ترک مالاً فلیرثه عصبته من كانوا. فإن ترک دیناً أو ضیاعاً فلیأتنی فأنا مولاه»

از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: «النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم» پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند؛ زیرا من ولی او هستم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 1

1 - سعادت و نیک فرجامی مؤمنان، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ینصرکم و یتبیت أقدامکم . . . ذلك بأن الله مولى الذين آمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 7

7- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

ایمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

اینکه خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 12

ص: 142

12 - ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج ، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال إني أريد أن أنكحك . . . على أن تأجرني ثمنی حجج

140- ولایت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 20

20_ تنها خداوند شایسته ولایت بر انسان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 3 - 7

7_ ولایت خداوند، تنها ولایت شایسته و بایسته پذیرش است.

و لا تتبعوا من دونه أولياء

141- ولایت تشریحی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 4

4_ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض يتبوأ منها حيث يشاء

جمله «مكّنا ليوسف . . .» هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی ؛ یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

142- ولایت تکوینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 18

18_ اعطای ولایت تکوینی از جانب خدا، برای برخی از بندگان خاص خود

و اذ قال ابرهیم . . . یأتینک سعياً

143- ولایت تکوینی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 143

4_ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

جمله «مکنا لیوسف...» هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی؛ یعنی، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

144- ولایت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 5

5_ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت

145- ولایت حقیقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 2

2_ خداوند، مولا و سرپرست حقیقی آدمیان است.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

146- ولایت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 16

16_ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموت و الأرض أنت ولیّ فی الدنيا و الآخره

یوسف(ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولیّ خویش می خواند تا به این حقیقت اشاره کند که: چون خدا خالق هستی است، ولیّ و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 28

28_ ربوبیت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفأخذتم من دونه أولياء . . . قل الله خ لِق كل شيء

ص: 144

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 107 - 10، 4

4 - سرپرستی انسان ها و تدبیر امورشان ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

و ما لکم من دون اللّٰه من ولی و لانصیر

10 - مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یآوری برای بندگان جز او

له ملک السموت و الأرض و ما لکم من دون اللّٰه من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 257 - 1، 2، 4، 8، 12، 13، 14

1 _ شمول ولایت خاص الهی ، بر مؤمنانی که به طاغوت کفر ورزند .

فمن یکفر بالطّٰغوت . . . اللّٰه ولیّ الذّٰین امنوا

2 _ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستی ، یآوری و دوستی خداوند

فمن یکفر بالطّٰغوت . . . اللّٰه ولیّ الذّٰین امنوا

برای «ولیّ» معانی متعددی گفته شده است ؛ از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

4 _ هدایت مؤمنان از تاریکی ها به نور ، پرتویی از ولایت الهی بر آنان

اللّٰه ولیّ الذّٰین امنوا ینخرجهم من الظّٰلمات الی النّور

جمله «ینخرجهم . . . » پس از طرح ولایت الهی نسبت به مؤمنان، به منزله بیان و یا ارائه نمونه ای است از ولایت خداوندی.

8 _ مؤمنان از ولیّ واحد (خداوند) برخوردار هستند و کافران از اولیای متعدد

اللّٰه ولیّ الذّٰین امنوا . . . و الذّٰین کفروا اولیاءهم الطّٰغوت

12 _ عدم پذیرش ولایت الهی ، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّٰه ولیّ الذّٰین امنوا . . . و الذّٰین کفروا اولیاءهم الطّٰغوت

13_ هر ولایتی جز ولایت الهی، طاغوتی است.

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً تمامی انسانها تحت ولایت و سرپرستی هستند؛ به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت؛ بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

14_ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ

چون مؤمنان از یک «ولی» برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 8,9

8_ نمرود، نمونه ای از منحرفان راه رشد، محرومان از ولایت الهی، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبين الرشد .. اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ... الم تر الى الذی حاجّ ابرهيم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت «اللّه» و «طاغوت» در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم

ص: 145

(ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

9_ حضرت ابراهیم (ع) ، نمونه ای از هدایت یافتگان به راه رشد ، بهره مندان از ولایت الهی و روندگان به سوی نور

قد تبين الرشد .. الله ولي الذين امنوا ... الم تر الى الذي حاج ابراهيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 19, 20, 26

19_ اعتقاد و اقرار و اعتراف مؤمنان به ولایت الهی بر آنان

ربنا .. انت مولينا

20_ عفو ، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان ، از شؤون ولایت الهی

و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولينا

جمله «انت مولينا» به منزله دلیل برای درخواست مطالب قبلی است؛ یعنی خدایا چون تو مولای ما هستی عفو کن و ..

26_ نصرت و یاری مؤمنان در رویارویی با کافران ، از شؤون ولایت الهی بر مؤمنان

انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين

تفریع جمله «فانصرنا» بر «انت مولينا» بیانگر آن است که ولایت الهی بر مؤمنان، مقتضی یاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 28 - 7, 9

7_ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه «قل اللهم ..» است.

9_ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 68 - 9

9_ خداوند ، ولی و سرپرست مؤمنان

والله وليّ المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 151 - 2

2_ ایجاد رعب و هراس در دل های کفرپیشگان ، نمونه ای از نصرت خداوند به پذیرندگان ولایت او

بل الله مولیکم و هو خیر التّاصرین. سنلقى فی قلوب الذّین کفروا الرّعب

جمله «سنلقى . . .» ، پس از جمله «والله خیر التّاصرین» ، بیانگر مصداقی از یاری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 45 - 10، 7

7_ خداوند ، دوست و سرپرستی کافی است .

ص: 146

و كفى بالله ولياً

10 _ مؤمنان با اعتماد به ولایت و نصرت الهی ، نباید از دشمنی مخالفان ضعف و ترسی به خود راه دهند .

و الله اعلم باعدائکم و كفى بالله ولياً و كفى بالله نصيراً

هدف از بیان ولایت و نصرت الهی پس از معرفی یهودیان به عنوان دشمن، این است که مبادا با تصور دشمنی یهود از آنان بهراسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 15،20

15 _ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من يتخذ الشیطن ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً

20 _ تنها خداوند شایسته ولایت بر انسان

و من يتخذ الشیطن ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 38

38 _ خداوند برای وکالت و سرپرستی و تدبیر جهان ، کافی است .

و كفى بالله وکیلا

وکیل به کسی گفته می شود که کاری را به عهده بگیرد و تدبیر کند و چون سخن از جهان هستی بود، مراد از وکیل، سرپرست و مدبر جهان هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 11

11 _ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ تنها خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان فروتن، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

5_ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام، از آن خدا، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

6_ ولایت و رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست.

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه «ولی» _ علی رغم جمع بودن خبر آن _، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

9_ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان، به جز ولایت خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه «انما» که برای حصر است، استفاده شده است.

10_ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم . . انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 56 - 1,3

1_ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

و من یتول الله ورسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

«الذین ءامنوا» اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

3_ پذیرش ولایت خداوند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان شایسته ولایت، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من یتول الله ورسوله و الذین ءامنوا

عطف «رسوله» و «الذین ءامنوا» بر «الله» بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه «ولی» در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 1,8

1_ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

8_ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 5

5_ تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر اللّٰه اتّخذ ولیا .. و إنّ یمسک اللّٰه بضر .. فهو علی کل شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 1, 2

1_ آدمیان پس از مرگ، به سوی خداوند (مولای حقیقی خود) بازمی گردند.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

2_ خداوند، مولا و سرپرست حقیقی آدمیان است.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

ص: 148

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 5

5_ خداوند خود امور ره یافتگان به دارالسلام را بر عهده خواهد داشت.

لهم دارالسلام عند ربهم و هو وليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 3 - 7

7_ ولایت خداوند، تنها ولایت شایسته و بایسته پذیرش است.

ولا تتبعوا من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 20

20_ خداوند سرپرست همه انسانهاست .

أنت ولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 40 - 1,2,3

1_ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز بپردازند .

وإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق «تولوا» دست برداشتن از فتنه انگیزی است ؛ یعنی «إن تولوا عن الانتهاء فلم یتروا الفتنه». و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند «فقاتلوهم» است.

2_ خداوند ، سرپرست و یآوری نیک برای مؤمنان

نعم المولی و نعم النصیر

3_ باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او ، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن الله موليكم نعم المولى ونعم النصير

جمله «فاعلموا ..» علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقویت روحیه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگیز ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 51 - 4,5

4_ اتکای مؤمنان راستین بر ولایت و حمایت خداوند ، در جهاد و اقدام به تکالیف

قل لن یصیبنا إلا ما کتب الله لنا هو مولینا

5_ خدا، سرپرست و صاحب اختیار انسانهاست .

هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 7

ص: 149

7_ برای انسان ها ، هیچ سرپرست و یآوری جز خداوند نیست .

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 7

7_ خدا ، مولا و مالک حقیقی انسانهاست .

وردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 6

6_ تنها خداوند ، ولی و سرپرست انسانهاست .

و ما كان لهم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 113 - 9

9_ تنها خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لكم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 16

16_ تنها خداوند سرپرست و یاور انسانهاست .

ما لهم من دونه من وال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 7,8

7_ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أف اتخذتم من دونه أولياء

تفریع جمله «اتخذتم ..» به وسیله حرف «فاء» بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد _ که مشرکان نیز آنها را باور دارند _ می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

8_ تنها خداوند ولیّ و اختیاردار امور انسانهاست .

أف اتخذتم من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 44 - 1

1- آدمی ، به هنگام شدايد ، به ولایت و تسلّط مطلق خداوند بر همه امور ، پی می برد .

ولم تکن له فئه ینصرونه .. هنالک الولیه لله الحقّ

ص: 150

تردیدی نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره به مکان و واقعه خاص با واژه «هنالک» از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 50 - 22

22- ولایت الهی، تنها ولایت شایسته پذیرش و اتکا است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 22 - 5،7

5 - ولیّ مطلق، در عالم آخرت، فقط خداوند است.

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

7 - خداوند، انسان ها را تشویق می کند که او را یار و ولیّ، بگیرند و نه فرودستانش را.

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 10،11،12

10 - سرپرستی و شفاعت از شؤون تدبیر و مدیریت خداوند است.

ثم استوی علی العرش ما لكم من دونه من وليّ ولا شفيع

این که خداوند، پس از ذکر مدبریت خویش، وجود هر نوع ولایت و شفاعت را از غیر خود نفی کرده، می رساند که ولایت و شفاعت، تنها از آن مدبر هستی و شأنی از شؤون او است.

11 - انسان ها، هیچ سرپرستی جز خداوند ندارند.

الله الذی خلق .. ما لكم من دونه من وليّ

12 - یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یآوری برای انسان ها جز خود او است.

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ .. مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ

احتمال دارد ذکر «ما لكم من دونه ..» پس از بیان یکتایی خداوند در آفرینندگی و تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند ولیّ و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 6 - 2

2- ولایت و سرپرستی هستی ، تنها از آن خداوند است .

و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

از لحن تهدیدآمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 18

18 - ولایت و نصرت الهی ، جلوه ای از رحمت او است .

ص: 151

يدخل من يشاء في رحمة و الظلمون ما لهم من ولي ولا نصير

از مقابله دو بخش از آيه شريقه (يدخل من يشاء في رحمة) و «الظالمون..» مطلب بالا استفاده مي شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوري - 42 - 9 - 5

5 - ولايت و سرپرستي انسان ها ، در انحصار خداوند است .

فالله هو الولي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوري - 42 - 10 - 8

8 - ولايت منحصر و بي همتا ، قدرت نامحدود و مرجعيت نهايي در تشريع و داوري ، از ويژگي هاي پروردگار جهان

فالله هو الولي . . . ذلكم الله ربي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوري - 42 - 28 - 10

10 - ولايت بي نقص و شايسته ستايش ، مخصوص خداوند است .

و هو الولي الحميد

برداشت ياد شده بدین احتمال که «حميد»، وصف «ولي» باشد؛ نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - جايه - 45 - 10 - 6

6 - تنها خداوند ، سرپرست و ياور حقيقي انسان ها ، در دنيا و آخرت است .

ولا يغني . . . ما اتخذوا من دون الله اولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - جايه - 45 - 19 - 8

8 - خداوند ، سرپرست و حامی تقوایندگان

والله ولي المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 2

2- خداوند ، ولی (سرپرست و حامی) مؤمنان

بأن الله مولى الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 25 - 1

1 - ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

ص: 152

فلله الآخره و الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 6,7

6 - خداوند ، مولا و سرپرست حقیقی انسان ها است .

و الله مولیکم

7 - تشریح خداوند ، از موضع مولویت او نسبت به انسان ها است .

قد فرض الله لکم . . . و الله مولیکم

یادآوری مولا و سرپرست بودن خداوند - پس از تشریح قانون شکستن سوگند - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

148- ولایت در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 22 - 5

5 - ولیّ مطلق ، در عالم آخرت ، فقط خداوند است .

و ما لکم من دون الله من ولیّ و لا نصیر

149- ولایت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 35 - 6

6 - ولایت مادر نسبت به فرزند ، در ادیان گذشته *

ربّ ائّی نذرت لک ما فی بطنی

150- ولایت در ازدواج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 9

9_ ولایت مردان (پدران و . . .) بر زنان ، در امر ازدواج

و لا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا

بنابراین اگر ولایت مردان نبود، خطاب به خود زنان می شد که به ازدواج مشرکان در نیایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 5

5_ اختیار ازدواج زن _ در صورتی که شرعاً دارای ولی باشد _ با ولی اوست .

ص: 153

الذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه «الذی»، ولیّ زن باشد و این ولیّ، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 12

12_ ازدواج با کنیز، مشروط به اذن مالک اوست.

فانکحوهنّ باذن اهلهنّ

«اهل کنیز»، همان مالک اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 12

12 - ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال ائی اُرید ان اُنکحک .. علی ان تأجرنی ثمنی حجج

151- ولایت در انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 7، 1

1_ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند.

ان الذین ءامنوا و هاجروا .. اولیاء بعض

جمله «أولئک بعضهم أولیاء بعض» جمله ای خبری است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

7_ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد.

والذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء

«ولایت» به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه «شیء» مبتدا و «من» در آن زایده می باشد. «من» در «من ولا یتهم» بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای «من شیء» می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در «ولا یتهم» مفعول گرفته شده و

فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 13

13 - حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن الله بكل شيء عليم

جمله «إن الله . . .» پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

ص: 154

152- ولایت در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 7،13

7_ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان، بر غیر خویشان اولویت دارند.

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

13_ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن الله بكل شيء عليم

جمله «إن الله...» پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

153- ولایت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 11

11_ خداوند، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است.

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

154- ولایت در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 1،7،11

1_ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند.

إن الذین آمنوا و هاجروا .. أولیاء بعض

جمله «أولئک بعضهم أولیاء بعض» جمله ای خبری است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

7_ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد.

و الذین آمنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیّتهم من شیء

«ولایت» به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه «شیء» مبتدا و «من» در آن زایده می باشد. «من» در «من ولایتهم» بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای «من شیء» می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در «ولایتهم» مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

11_ مؤمنان غیر مهاجر در صورت هجرت ، همسان با دیگر مهاجران در برخورداری از حقوق ولایت و حمایت مقرر شده در میان مؤمنان

ما لکم من ولیّتهم من شیء حتی یهاجروا

ص: 155

1 _ خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند .

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إليه کلمه «بعد»، کلمه «ایمانکم» و یا «الهجرة الاولى» است. جمله «فأولئک منکم» اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

7 _ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب اللّٰه

155- ولایت در مهاجران

1 _ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند .

إن الذین ءامنوا و هاجروا .. أولیاء بعض

جمله «أولئک بعضهم أولیاء بعض» جمله ای خبری است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

2 _ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا .. أولیاء بعض

مشارالیه «أولئک» و مرجع ضمیر در «بعضهم»، «الذین» اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر_ مثلا _ اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

7 _ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر ، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد .

و الذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء

«ولایت» به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه «شیء» مبتدا و «من» در آن زایده می باشد. «من» در «من ولایتهم» بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای «من شیء» می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در «ولایتهم» مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 13

13 _ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

ص: 156

إن الله بكل شيء عليم

جمله «إن الله . . .» پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

156- ولایت دنیوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 15

15_ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

157- ولایت رهبری دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 20

20_ امداد و نصرت خداوند ، پیامد پذیرش ولایت رهبران الهی *

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

تقدیم تعیین «ولیّ» بر تعیین «نصیر»، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

158- ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 16

16_ کافران و منکران آیات الهی تحت نفوذ و ولایت شیاطین هستند.

ذلک من ءایة الله . . . إنا جعلنا الشیطان اولیاء للذین لا یؤمنون

جمله «ذلک من آیات الله» در آیه قبل می تواند بیانگر متعلق «لا یؤمنون» باشد.

159- ولایت شیطان

19_ مؤمنان مجاهد، از اولیای خداوند و دور از ولایت شیطان هستند.*

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ... ان كنتم مؤمنين

چون دشمنان دین (کافران و منافقان) از اولیای شیطانند، بنابراین مجاهدان، دور از ولایت شیطان و در نتیجه از اولیای خدا

خواهند بود. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که «یخوف اولیاء» به معنای «یخوفکم اولیاء» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 21

21_ انحراف در تفکر و ایجاد آرزوهای باطل و سپس تحت فرمان گرفتن، راه و روش شیطان برای اغوای مردم و سرپرستی آنان

و لاضلنهم ولا مینهم... و لامرنهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطن ولیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 122 - 4

4_ مؤمنان دارای اعمال صالح، خارج از نفوذ ولایت شیطان هستند.

و من یتخذ الشیطن ولیاً... و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

چون پذیرندگان ولایت شیطان، اهل دوزخ شمرده شدند و در مقابل، مؤمنان صالح به بهشت وعده داده شده اند، معلوم می شود که مؤمنان هرگز ولایت شیطان را نپذیرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 28 - 5

5_ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشیطن اولیاء للذین لا یؤمنون... الله أمرنا بها

160- ولایت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 257 - 12، 13

12_ عدم پذیرش ولایت الهی، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

الله ولی الذین امنوا... و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت

13_ هر ولایتی جز ولایت الهی، طاغوتی است.

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ

برداشت فوق مبتنی بر این است که اوّلاً تمامی انسانها تحت ولایت و سرپرستی هستند؛ به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت؛ بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 115 - 12

12_ رها شدن در ورطه ولایت و حکومت گمراهان، پیامد مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

و من يشاقق الرسول .. و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

ص: 158

161- ولایت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 49 - 17

17 - عیسی (ع)، برخوردار از ولایت تکوینی

اَئِیْ اَخْلَقَ لَکُمْ .. فَاَنْفَخَ فِیْهِ فِیْکُمْ طِیْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 14

14 - پندار غلط و خلافگویی یهود، در مورد تولد و مرگ حضرت عیسی (ع)

قولهم علی مریم بهتناً عظیماً. و قولهم اِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيْحَ ... ما لهم به من علم

162- ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 4

4 - ولایت غیر خداوند، بی اساس و باطل است.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 3 - 8

8 - رویگردانان از ولایت خداوند، در وادی ولایتهای متعدد غیر خدا سرگردان هستند.

ولا تتبعوا من دونه اولیاء

بدیهی است حرمت تبعیت از غیر خداوند مشروط به این نیست که پیروی شونده متعدد باشد. بنابراین آوردن کلمه «أولیاء» به صورت جمع می تواند اشاره به این باشد که آدمی با دور شدن از ولایت خدا و قرآن همواره تحت سیطره حاکمانی متعدد قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 8

8_ تبعیت از ولایت‌های غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمت‌های اوست.

و لا تتبعوا من دونه اولیاء .. . قليلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 9

9_ گرایش انسان‌ها به کفر و شرک، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

ص: 159

أولئك لم يكونوا معجزين في الأرض . . . ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا . . .)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست؛ بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 9

9_ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند، اسیر ولایت های متعدد و گوناگون می شوند .

أفأنتخذتم من دونه أولياء

برداشت فوق از جمع آوردن «أولياء» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 6 - 1

1 - خداوند، ناظر و مراقب عملکرد نهران و آشکار کسانی است که غیر او را ولی و سرپرست خویش بر می گزینند .

و الذين اتّخذوا من دونه أولياء الله حفيظ عليهم

163- ولایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 3 - 12

12_ قرآن، ولی و پیشوایی شایسته برای انسانهاست.

و لا تتبعوا من دونه أولياء

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در «من دونه» به «ما أنزل . . .» برگردانده شود.

164- ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 28 -

1_ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گو یا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه «قل اللهم .. » است.

8_ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

9_ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

11_ حاکمیت و سرپرستی کافران بر امور مؤمنان ، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

13_ پذیرش سرپرستی کافران ، جز در اضطرار و تقیه ، جایز نیست .

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. الا ان تتقوا منهم تقية

بنابراینکه ولایت به معنای سرپرستی باشد.

15_ تحذیر و هشدار مؤکد خداوند ، نسبت به مؤمنانی که پذیرای ولایت و سرپرستی کافران شده اند .

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و يحذركم الله نفسه و الى الله المصير

16_ ترس از خداوند ، موجب پرهیز از پذیرش ولایت کافران

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و يحذركم الله نفسه

19_ توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن ، عامل مقاومت در برابر ولایت کافران

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و الى الله المصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 29 - 6،13

6_ روابط پنهانی با کافران و برگزیدن ولایت آنان ، از حیطة علم الهی خارج نیست .

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ .. قل ان تخفوا ما فى صدوركم ... يعلمه الله

13_ تهدید خداوند نسبت به کسانی که ولایت کافران را بدون تقیه بپذیرند .

لا يَتَّخِذُ .. قل ان تخفوا ... يعلمه الله ... و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 150 - 2،3،4،7

2_ اطاعت از کفرپیشگان ، نشانه پذیرش ولایت و سرپرستی آنان

ان تطيعوا الذين كفروا .. بل الله موليكم

کلمه «بل» برای اضراب و نفی ولایت غیر خداوند است و چون در آیه قبل سخن از ولایت و پذیرش آن نیامده که با «بل» آن را نفی کند، معلوم می شود که همان اطاعت از کافران، در حقیقت پذیرش ولایت آنان است.

3_ ناشایستگی کافران برای ولایت و سرپرستی و یاری جامعه ایمانی

ان تطيعوا الذين كفروا . . . بل الله مولیکم و هو خير التاصرین

4_ ضرورت پرهیز جامعه ایمانی از پذیرش ولایت کفرپیشگان و یاری جویی از آنان

ان تطيعوا الذين كفروا . . . بل الله مولیکم و هو خير التاصرین

از جمله «بل الله مولیکم»، انحصار ولایت به خداوند استفاده می شود و مفهوم آن برحذر داشتن مسلمانان از پذیرش ولایت غیر خداوند است که از مصادیق مورد نظر به قرینه آیه قبل، ولایت و سرپرستی کافران است.

7_ پذیرش ولایت الهی و عقیده به خدا به عنوان بهترین یاور ، مانع اطاعت از کافران و پذیرش ولایت آنان

ان تطيعوا الذين كفروا . . . بل الله مولیکم و هو خير التاصرین

چون معمولا اطاعت آدمی از کسی برای جلب یاری اوست، قرآن با بیان اینکه خداوند تنها سرپرست و بهترین یاور است به مؤمنان می فهماند که با یاری خداوند هیچ نیازی به یاری کافران نخواهید داشت تا مجبور شوید از آنان تبعیت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 161

4_ عدم جواز پذیرش ولایت و سرپرستی کفار

الذین یتّخذون الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

در برداشت فوق، «ولی» به معنای سرپرست گرفته شده است.

7_ دستیابی به عزت و شکوه، هدف منافقان در پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان

الذین یتّخذون الکفرین أولیاء .. أیبتغون عندهم العزّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3_ گروهی از مسلمانان صدر اسلام، پذیرای دوستی و ولایت کفار، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین یتّخذون الکفرین أولیاء .. یکفر بها و یستهزأ بها فلا تتعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ کافران، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

یاأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء

3_ ایمان به خداوند، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

یاأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

8_ مؤمنان با پذیرش ولایت کافران، حجت روشن خداوند را علیه خویش فراهم می کنند.

یاأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا .. أتریدون أن تجعلوا الله علیکم سلطاناً مبیناً

9_ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لاتتخذوا الکفرین أولیاء .. أتریدون أن تجعلوا الله علیکم سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 _ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم . . . انما وليكم الله ورسوله و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 _ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا لبس ما قدمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 _ ایمان به خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کتب آسمانی راه رسیدن به استقلال و رهایی از یوغ بندگی کافران

و لو كانوا يؤمنون . . . ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که ولی به معنای سرپرست باشد.

165- ولایت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 3

3_ پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای منصب حکومت و ولایت

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول

تکرار کلمه «اطيعوا» دلالت بر این دارد که مراد از اوامر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، آن اوامری نیست که از طریق وحی خداوند ابلاغ شده، بلکه دستوراتی است که از ناحیه رسول خدا صادر می شده که همان اوامر حکومتی و ولایتی آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 11

11_ گستره دین اسلام و حکومت و ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فراگیر پیروان دیگر ادیان آسمانی

فاحکم بینهم بما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 1,5,6,9

1_ تنها خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان فروتن، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما وليکم الله و رسوله و الذين ءامنوا الذين .. و يؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

5_ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام، از آن خدا، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما وليکم الله و رسوله و الذين ءامنوا .. و يؤتون الزکوه و هم رکعون

6_ ولایت و رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست.

انما وليكم الله ورسوله و الذين آمنوا

مفرد آوردن کلمه «ولیی» _ علی رغم جمع بودن خبر آن _، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

9_ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان، به جز ولایت خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما وليكم الله ورسوله و الذين آمنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه «انما» که برای حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 56 - 1,3

1_ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

ص: 163

و من يتول الله ورسوله و الذين آمنوا فان حزب الله هم الغلبون

«الذين آمنوا» اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

3_ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من يتول الله ورسوله و الذين آمنوا

عطف «رسوله» و «الذين آمنوا» بر «الله» بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه «ولی» در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 120 - 4

4_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دارای مقام ولایت و مؤمنان موظف به پیروی بی چون و چرا از آن حضرت

ما كان .. أن يتخلفوا عن رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 6 - 27، 2، 4، 1

1 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، دارای ولایتی تام بر مؤمنان است .

النبيّ أولى بالمؤمنين من أنفسهم

2 - ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مؤمنان ، از ولایت خود آنان بر امورشان ، برتر است .

النبيّ أولى بالمؤمنين من أنفسهم

4 - مقام نبوت ، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) حق ولایت و تصمیم گیری ایجاد کرده است .

النبيّ أولى بالمؤمنين من أنفسهم

27 - « عن النبيّ (صلی الله علیه و آله) قال : ما من مؤمن إلا و أنا أولى الناس به في الدنيا و الآخرة اقرأوا إن شئتم : « النبيّ أولى بالمؤمنين من أنفسهم » فأيما مؤمن ترك مالا فليرثه عصبته من كانوا . فإن ترك ديناً أو ضياعاً فليأتنى فأنا مولاه ;

از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: «النبيّ أولى بالمؤمنين من أنفسهم» پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش

هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند؛ زیرا من ولی او هستم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 36 - 2،7

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) غیر از اوامر و نواهی خداوند، دارای اوامر و نواهی ولایی لازم الاتباع است.

و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله ورسوله أمراً أن يكون لهم الخيرة من أمرهم

7 - تمرد از فرمان های ولایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در حد تمرد از فرمان های خداوند است.

و من يعص الله ورسوله فقد ضلّ ضلّاً مبيناً

این که نتیجه تمرد از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی شمرده شده است، نشان می دهد که تمرد از فرمان رسول الله در حد نافرمانی از خداوند است.

ص: 164

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 6

6 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من یطع الله و رسوله یدخله جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 12 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای منصب حکومت و ولایت

و أطيعوا الله و أطيعوا الرسول

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از «أطيعوا الرسول»، اطاعت در امور حکومتی و ولایی است؛ زیرا اگر مراد احکام و اوامر الهی باشد، ذکر «أطيعوا الله» کافی است و تکرار «أطيعوا» درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مؤید همین برداشت است.

166- ولایت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 9

9_ ولایت مردان (پدران و...) بر زنان، در امر ازدواج

و لا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا

بنابراین اگر ولایت مردان نبود، خطاب به خود زنان می شد که به ازدواج مشرکان در نیایند.

167- ولایت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 10

10_ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم... انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 1,2

1_ بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از «الذین کفروا» مشرکان مکه می باشد.

2_ روابط دوستانه و ولایی بنی اسرائیل با کافران مشرک رابطه ای مداوم، علنی و آشکار

ص: 165

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

کلمه «تری» می رساند که روابط دوستانه بنی اسرائیل با مشرکان علنی بوده و فعل مضارع «یتولون» حاکی از استمرار و تداوم آن روابط می باشد.

169- ولایت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 15

15_ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

170- ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13_ پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

قل أغیر الله اتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توییخ و تعجب در «قل أغیر الله» حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 41 - 3

3- مشرکان ، معبودان خود را ، به عنوان کارساز و ولیّ برای خود ، انتخاب می کنند .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً

با توجه به آیه بعد _ که در آن ، از معبودان مشرکان سخن گفته شده است _ احتمال دارد مراد از «أولیاء» همان معبودان مشرکان باشد.

171- ولایت مقبول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

22- ولايت الهى ، تنها ولايت شايسته پذيرش و اتكا است .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء من دونى

ص: 166

172- ولایت ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 89 - 5

5_ ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی منافقان گسترش دهنده آیین کفر *

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ... فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ

در برداشت فوق، «ولّی» به معنی سرپرست گرفته شده است.

173- ولایت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 89 - 5

5_ ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی منافقان گسترش دهنده آیین کفر *

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ... فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ

در برداشت فوق، «ولّی» به معنی سرپرست گرفته شده است.

174- ولایت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 182 - 12

12 - ولایت مؤمنان بر یکدیگر در اصلاح اعمال خلاف *

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 28 - 7

7_ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمَلِكِ... لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه «قل اللهم ..» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 123 - 7

7_ نصرت و یاری الهی به مؤمنان، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

و الله وليّهما .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله «و لقد نصرکم الله»، می تواند استدلالی باشد برای جمله «و الله وليّهما». یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است؛ به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 167

1_ تنها خداوند مولی و سرپرست اهل ایمان و بهترین یاور آنان است .

بل الله مولیکم و هو خیر التّاصیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 2

2_ مدعیان ایمان در صورت قطع رابطه دوستی با اهل ایمان و پذیرفتن ولایت آنان ، در شمار منافقانند .

بشّر المنفقین .. الذین یتخذون الکفرین اولیاء من دون المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 1,2,6,9

1_ تنها خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق ، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

2_ خداوند ، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران ، با ذکر نشانی معین و مشخص

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله «و هم راکعون» جمله ای است حالیه و عامل آن فعل «یؤتون» است و نیز با توجه به ظهور «رکوع» در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر دارد ؛ یعنی برای معرفی شخصی معین است.

6_ ولایت و رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه «ولی» _ علی رغم جمع بودن خبر آن _ ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

9_ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان، به جز ولایت خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه «انما» که برای حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 56 - 1,3

1_ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

و من یتول الله ورسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

«الذین ءامنوا» اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

3_ پذیرش ولایت خداوند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان شایسته ولایت، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من یتول الله ورسوله و الذین ءامنوا

عطف «رسوله» و «الذین ءامنوا» بر «الله» بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی

ص: 168

از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه «ولی» در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 1,2,4,5,26,27

1_ روح ولایت و دوستی ، حاکم بر جامعه مؤمنان

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض

2_ عموم مؤمنان (زنان و مردان مؤمن) دارای نوعی ولایت و سرپرستی بر یکدیگر از جانب خداوند هستند .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض

برداشت فوق مبتنی بر این است که «ولی» به قرینه «یا مرون . . . و ینهون» به معنای سرپرست باشد.

4_ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

5_ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

26_ صفوان جمال می گوید : قلت لأبی عبدالله (ع) . . . : تأتینی المرأه المسلمه قد عرفتنی بعملی . . . و لیس لها محرم قال : فإذا

جائتک المرثه المسلمه فاحملها فإن المؤمن محرم المؤمنه و تلا هذه الآیه « المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض » ؛

به امام صادق (ع) عرض کردم: زن مسلمانی نزد من می آید و مرا به شغلم [که مسافری است] می شناسد . . . و محرمی همراه ندارد؟

فرمود هر گاه زن مسلمانی نزد تو آمد، او را به مسافرت ببر؛ زیرا مرد مؤمن محرم (معمد) زن مؤمنه است. سپس امام (ع) این آیه را تلاوت

فرمود: المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض».

27_ از امام حسین (ع) روایت شده . . . و به امیرالمؤمنین (ع) نیز نسبت داده شده که فرمودند : . . . خدا می فرماید : . . . « المؤمنون

و المؤمنات بعضهم أولياء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر » فبدء الله بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضه منه لعلمه

بأنها إذا ادیت و اقیمت استقامت الفرائض کلها هیینها و صعبها . . . ؛

. . . «مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند». خداوند [قبل از نماز و زکات] از امر به

معروف و نهی از منکر آغاز کرد؛ زیرا می دانست اگر این دو فریضه عملی گردد همه فرایض - آسان و مشکل آن - پابرجا می شود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مؤمنان، از ولایت خود آنان بر امورشان، برتر است.

النبيّ أولى بالمؤمنين من أنفسهم

3- مؤمنان، دارای ولایت و حق تصمیم گیری درباره امور مختلف خودند.

النبيّ أولى بالمؤمنين من أنفسهم

ص: 169

175- ولایت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 73 - 2

2_ ایجاد رابطه ولایتی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین کفروا... إلا تفعلوه تکن فتنه

ضمیر مفعولی در «لاتفعلوه» به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله «الذین کفروا...» استفاده شده، برگردانده شده است.

176- ولایت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 35 - 5,6

5_ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی

6_ ولایت مادر نسبت به فرزند، در ادیان گذشته *

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی

177- ولایت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 14

14 - هارون، دارای حق ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) بود.

ولقد قال لهم هرون... فاتّبعونی و اطیعوا امری

فرمان هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

178- ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 10

10_ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم . . . انما وليكم الله ورسوله و الذين ءامنوا

ص: 170

179- ویژگیهای ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 15

15_ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 3

3 - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

وَقَيِّضْنَا لَهُمْ قُرْنَاءَ... قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا... نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا... نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

ولایت تکوینی

180- {ولایت تکوینی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 28 - 7

7_ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمَلِكِ... لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه «قُلِ اللَّهُمَّ...» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 49 - 17

17_ عیسی (ع) ، برخوردار از ولایت تکوینی

انّی اخلق لکم . . . فانفخ فیہ فیکون طیراً

181- ولایت تکوینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 18

18_ اعطای ولایت تکوینی از جانب خدا، برای برخی از بندگان خاصّ خود

و اذ قال ابرهیم . . . یأتینک سعياً

ص: 171

182- ولایت تکوینی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 4

4_ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکنا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

جمله «مکنا لیوسف ..» هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی؛ یعنی، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولایت خدا

183- آثار اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 113 - 10

10_ نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد.

و ما لکم من دون الله من أولیاء

آوردن «ولی» به صورت مفرد به جای «أولیاء» در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن «أولیاء» اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 9

9_ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند، اسیر ولایت های متعدد و گوناگون می شوند.

أفأخذتم من دونه أولیاء

برداشت فوق از جمع آوردن «أولیاء» استفاده شده است.

184- آثار ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6_ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهرا سیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلاتنظرون ... هویتولی الصلحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهرا سند.

ص: 172

185- آثار رد ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 8

8_ کسانی که ولایت خدا را نپذیرند ، خویشان را به ولایتهایی متعدد و بی اساس گرفتار خواهند کرد .

و ما کان لهم من دون الله من أولیاء

جمع آوردن کلمه «أولیاء» با وجود این که بیان معنای مقصود با کلمه «ولیّ» نیز ممکن بود ، اشاره به این نکته دارد که انسان ، اگر ولایت الهی را نپذیرد ، گرفتار تعدد اولیا می شود و ناچار است به ولایتهای متعددی گردن نهد.

186- آثار عقیده به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 24

24 - اعتقاد به مولویت و سرپرستی خداوند ، مقتضی اعتصام به او و پرهیز از چنگ زدن به دامن غیر او

و اعتصموا بالله هو مولیکم

جمله «هو مولیکم» به منزله تعلیل برای «اعتصموا بالله» است؛ یعنی، به خدا اعتصام کنید؛ زیرا او مولا و قیّم شما است.

187- آثار قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 25

25_ پذیرش ولایت خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن در برابر خدا و شایسته بودن برای همزیستی با صالحان در سرای آخرت

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره توفنی مسلماً و ألحقنی بالصّـلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 16

16_ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرورفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . . أم هل تستوی الظلمت والنور

188- آثار محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 46 - 2

2- جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ . و ما كان لهم من أولياء

ص: 173

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 4

4- ذلت و بدفرجامی کافران، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ... ذَلِكَ... وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ

189- آثار ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 15

15_ کسب عزت، تنها در گرو محبت خداوند و پذیرش ولایت اوست.

أَيُّتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

خداوند پس از بیان این حقیقت که هدف منافقان در دوستی با کافران رسیدن به عزت است، می فرماید که عزتها از آن خداست. یعنی اگر طالب عزت هستید، باید ولایت خدا را پذیرا شوید و با او پیمان مودت داشته باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 56 - 5

5_ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب الله هم الغالبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 16 - 5

5_ گزینش خداوند یگانه به ولایت و سرپرستی، زمینه شمول رحمت الهی بر آدمی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا... من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب كهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است .

قل الله أعلم بما لبثوا .. ما لهم من دونه من ولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- ولایت خداوند و حَقّائیت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالك الولیّه لله الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

25 - لزوم ادای تکالیف الهی، برخاسته از حق ولایت خداوند بر آدمی

فأقيموا الصلوه . . هو مولیکم

26 - حق ولایت الهی، تنها مجوز برای تشریح و قانون گذاری

فأقيموا الصلوه وءاتوا الزکوه و اعتصموا باللّٰه هو مولیکم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که «هو مولاکم» اشاره به این داشته باشد که چون خداوند بر آدمیان حق ولایت دارد، از این رو به جعل مقررات و تکالیف پرداخته است. بنابراین هر گونه تشریح و قانون گذاری، بایستی به گونه ای به ولایت الهی منتهی شود.

27 - مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است .

هو مولیکم

با توجه به ظهور «هو مولاکم» در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 10 - 6

6 - مقام ولایت و سرپرستی خداوند، مقتضی مرجعیت نهایی او برای رفع تنازعات بشری است .

فاللّٰه هو الولیّ . . و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمہ الی اللّٰه

از ارتباط این آیه با آیه قبل، می توان استفاده کرد که ولایت خداوند، مقتضی مرجعیت او در حل اختلافات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 10 - 7

7 - رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است .

و لایغنی عنهم . . و لا ما اتّخذوا من دون اللّٰه اولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 1

1- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ينصركم ويثبت اقدامكم .. ذلك بأن الله مولى الذين آمنوا

190- اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 7

7- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

كانت أعينهم في غطاء .. أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به «فاء» در «أفحسب» چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کوری و فقدان شناخت آنان است.

ص: 175

191- اهمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 13

13_ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

کلمات «أعمى» (کور)، «بصير» (بینا) و نیز «ظلمات» (تاریکیها) و «نور» (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 5

5- انسان ها ، هیچ گونه سرپرست و یاوری جز خداوند ندارند .

و ما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

ایمان به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 51 - 9

9_ ایمان به خدا و سرپرستی او بر انسان ها ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از غیر اوست .

هو مولینا و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 18

18_ باور به توحید و ولایت خدا و ربوبیت او ، مراتبی گوناگون دارد و هر انسانی به اندازه استعدادش آن را درمی یابد .

قل من رب السموت والأرض .. أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها ... كذلك يضرب

برخورداری از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 9

9 - بهای بهشت و برخورداری از ولایت الهی، عمل در پرتو ایمان است.

لهم دارالسلام .. بما كانوا يعملون

ص: 176

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 129 - 9

9_ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو ولیهم بما كانوا یعملون... نولی بعض الظلمین بعضا بما كانوا یکسبون

جاودانگی ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 16

16_ توحید، ولایت خدا و ربوبیت او، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل _ که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است _ توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 3

3 - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت، ولایت خداوند است .

و قیضنا لهم قرناء... قال الذین کفروا... نجعلهما تحت أقدامنا... نحن أولیاؤکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

192- حاکمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 32 - 5

5- اراده، قدرت و ولایت الهی، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی الله . . . و لیس له من دونه اولیاء

193- حقانیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 16

16_ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل _ که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است _ توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

ص: 177

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 5

5- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادي من دوني أولياء

194- دلایل ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 29

29_ یکتایی خدا و غلبه و تسلط او بر هستی ، دلیل ربوبیت و ولایت اوست .

أفأنتخذتم من دونه أولياء . . . وهو الواحد القهّـر

195- دین و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 27

27_ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله «إنی أمرت . . .» حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری «أغیر الله أتخذ ...» نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

196- ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 14

14 - لازم است که اتکا و توجه انسان ، تنها به ولایت و نصرت الهی باشد .

ما لکم من دونه من ولیّ ولاشفیع أفلاتتذکرون

197- زمينه ذكر ولايت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوري - 42 - 28 - 9

ص: 178

9- دریافت باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا . . و هو الولی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 9

9- بلاها و تنگناهای زندگی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی و یآوری خواستن از او

و ما أصـبکم . . و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

198- زمینه ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 29

29- اقامه نماز ، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند ، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فاقیموا الصلوه . . فنعم المولی و نعم النصیر

برداشت فوق ، بدان احتمال است که «فنعیم المولی . .» مترتب بر تکالیف پیشین باشد که انجام آن ، موجب بهره مندی از ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 3

3- ایمان ، عامل قرار گرفتن تحت ولایت و سرپرستی خداوند

اللّٰه مولى الذین ءامنوا

199- شرایط ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 19 - 9

9- شرط بهره مندی از ولایت و سرپرستی خداوند ، تقوا است .

200- شؤون ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 11

11_ آفرینش و تأمین نیازمندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت والأرض وهو یطعم ولا یطعم

ص: 179

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 6

6_ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شوون ولایت الهی است.

أغیر الله أتخذ ولیا .. . وإن یمسک الله بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 22

22_ آمرزش گناه خطاکاران و گسترانیدن رحمت بر ایشان ، از شوون ولایت و سرپرستی خداوند بر بندگان خویش است .

أنت ولینا فاغفر لنا و ارحمنا

تقریب جمله «اغفر لنا و .. .» بر «أنت ولینا» به وسیله حرف فاء، حاکی از برداشت فوق است.

201- عقل و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 27

27_ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. . قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله «إنی أمرت .. .» حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری «أغیر الله أتخذ ...» نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

202- عوامل محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 37 - 9

9_ خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به محروم کردن از یاری و حفاظت خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. . مالک من الله من ولیّ ولاواق

«ولّی» به معنای یاور و «واق» اسم فاعل از «وقایه» به معنای نگهدارنده است. «من الله» می تواند متعلق به محذوف و حال برای «ولّی» و «واق» باشد. بر این مبنا جمله «مالک...» چنین معنا می شود: برای تو از جانب خداوند هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود؛ یعنی، امدادهای خداوند به تو نخواهد رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 14

14 - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

والذین اتّخذوا من دونه أولیاء . . . والظّـلمون ما لهم من ولیّ ولا نصیر

ص: 180

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 23

23_ آدمی بر سر دوراهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 27، 12، 2

2_ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر(صلی الله علیه و آله)

قل أغیر الله أتخذ ولیا

12_ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

18_ پذیرش ولایت خداوند، مستلزم تسلیم شدن محض در برابر اوست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

27_ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله «إنی أمرت . . .» حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری «أغیر الله أتخذ

...» نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 3 - 10

10_ پیروی از قرآن، پذیرش ولایت خداوند و فرمانبرداری از اوست.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لا تتبعوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 30 - 8

8_ پذیرش ولایت خداوند شرط بهره‌وری از هدایت اوست.

و فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطن أولیاء من دون الله

مفهوم جمله «إنهم...» بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 50 - 21

21- پذیرش ولایت شیطان، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است.

ص: 181

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذَرْيَتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

204- محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 115 - 11

11_ خداوند ، مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تفرقه افکنان در جامعه ایمانی را از ولایت خویش خارج و به حال خودشان رها می سازد .

و من يشاقق الرسول . . . و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 196 - 7

7_ شرکورزی و پرستش غیر خدا ، کرداری ناشایسته و مایه محرومیت از ولایت و حمایت های خداوند است .

و هو يتولى الصالحين

مصدق مورد نظر برای صلاح و صالحان، به قرینه آیات گذشته، توحید و مؤمنان موحد است و در مقابل آن شرک و مشرکان خواهد بود. بنابراین مفهوم جمله «و هو ...» عدم حمایت خداوند از مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 120 - 18

18 - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

205- محمد(صلی الله علیه و آله) و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 2

2_ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر(صلی الله علیه و آله)

قل أغیر اللّٰه اتّخذ ولیا

206- مدح ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 30

30 - ستایش خدا از سرپرستی خود نسبت به مسلمانان و یاری رساندن به آنان

ص: 182

207- مضمونان ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 196 - 4,6,1

1_ خداوند سرپرست پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یاور او در برابر کیدها و توطئه های مشرکان

ثم کیدون فلا تنظرون. إن ولی الله

4_ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو یتولی الصالحین

6_ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهرا سیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلا تنظرون .. هو یتولی الصالحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهرا سند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 14,6

14- اصحاب كهف ، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولیّ

مراد از ضمیر در «لهم» اصحاب كهف است.

6- تنها خداوند بر تمام اسرار هستی آگاه است .

قل الله أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جمله «له غیب..» _ به قرینه «الله أعلم» _ علاوه بر بیان مالکیت خداوند بر اسرار هستی، بر آگاهی فراگیر او نیز دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 23،28

23 - خدا، مولا و سرپرست امت اسلامی

سَمِّكُمْ الْمُسْلِمِينَ ... هُوَ مَوْلَاكُمْ

28 - خدا، سرپرست و یاور خوب و شایسته برای امت اسلامی

هُوَ سَمِّكُمْ الْمُسْلِمِينَ ... وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ ... فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 4

4_ هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

ص: 183

فمن یرد الله . . . لقوم یدکرون. لهم دارالسلم عند ربهم و هو ولیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 15

15 - پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و كذلك أوحینا . . . یدخل من یشاء فی رحمتہ... و الظلمون ما لهم من ولیّ ولا نصیر

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمتہ) در برابر ستمگران قرارگرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 10 - 9

9 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذلکم الله ربّی

208- معرضان از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 102 - 4

4- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سرنهاده بر آستان شماری از بندگان اویند .

یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

209- نشانه های ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 17

17_ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد آتیتنی من الملک و علمتنی . . . أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 11

11 - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس و ناامیدی انسان ، جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

ولو بسط الله الرزق .. ولکن ینزل بقدر ما یشاء ... وهو الذی ینزل الغیث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 2

ص: 184

2- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا . . . إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمَلُوا الصَّٰلِحِ

210- نیاز به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 44 - 4

4- انسان ، نیازمند ولایت و یآوری از جانب خداوند ، در تمامی حالات زندگی خویش

و من یضلل الله فما له من ولیّ من بعده

این که گمراهان با محروم شدن از ولایت الهی ره به جایی نمی برند، نشانگر آن است که انسان ها در تمامی حالات زندگی خویش نیازمند امداد و ولایت الهی اند.

211- ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 107 - 10، 4

4- سرپرستی انسان ها و تدبیر امورشان ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

و ما لکم من دون الله من ولیّ و لانصیر

10 - مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یآوری برای بندگان جز او

له ملک السموت و الأرض و ما لکم من دون الله من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 257 - 13، 12، 8، 4، 2، 1

1 _ شمول ولایت خاص الهی ، بر مؤمنانی که به طاعت کفر ورزند .

فمن یکفر بالطّٰغوت . . . الله ولیّ الذّٰین امنوا

2_ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستی ، یآوری و دوستی خداوند

فمن يكفر بالطّٰغوت . . . الله وليّ الذين امنوا

برای «ولّی»، معانی متعدّدی گفته شده است؛ از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

4_ هدایت مؤمنان از تاریکی‌ها به نور، پرتویی از ولایت الهی بر آنان

الله وليّ الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور

جمله «يخرجهم ...» پس از طرح ولایت الهی نسبت به مؤمنان، به منزله بیان و یا ارائه نمونه ای است از ولایت خداوندی.

8_ مؤمنان از ولّی واحد (خداوند) برخوردار هستند و کافران از اولیای متعدد

الله وليّ الذين امنوا . . . و الذين كفروا اولياؤهم الطّٰغوت

12_ عدم پذیرش ولایت الهی، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

الله وليّ الذين امنوا . . . و الذين كفروا اولياؤهم الطّٰغوت

13_ هر ولایتی جز ولایت الهی، طاغوتی است.

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً تمامی انسانها تحت ولایت و سرپرستی هستند؛ به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت؛ بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

14 _ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ

چون مؤمنان از یک «ولی» برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 8,9

8 _ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبين الرّشد .. اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ... الم تر الى الذّٰى حٰجّ ابرهيم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت «اللّه» و «طاغوت» در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

9 _ حضرت ابراهیم (ع) ، نمونه ای از هدایت یافتگان به راه رشد ، بهره مندان از ولایت الهی و روندگان به سوی نور

قد تبين الرّشد .. اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا ... الم تر الى الذّٰى حٰجّ ابرهيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 19,20,26

19 _ اعتقاد و اقرار و اعتراف مؤمنان به ولایت الهی بر آنان

رَبَّنَا .. انت مولينا

20 _ عفو ، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان ، از شوون ولایت الهی

و اعف عَنَّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولينا

جمله «انت مولینا» به منزله دلیل برای درخواست مطالب قبلی است؛ یعنی خدایا چون تو مولای ما هستی عفو کن و ..

26_ نصرت و یاری مؤمنان در رویارویی با کافران ، از شوون ولایت الهی بر مؤمنان

انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

تقریب جمله «فانصرنا» بر «انت مولینا» بیانگر آن است که ولایت الهی بر مؤمنان، مقتضی یاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 28 - 7،9

7_ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالک الملک . . لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه «قل اللهم . . .» است.

9_ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء

ص: 186

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 68 - 9

9_ خداوند ، ولی و سرپرست مؤمنان

و الله ولي المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 151 - 2

2_ ایجاد رعب و هراس در دل های کفرپیشگان ، نمونه ای از نصرت خداوند به پذیرندگان ولایت او

بل الله مولیکم و هو خیر التّاصرین. سنلقى فی قلوب الذّین کفروا الرّعب

جمله «سنلقى . . .» ، پس از جمله «و الله خیر التّاصرین» ، بیانگر مصداقی از یاری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 45 - 10، 7

7_ خداوند ، دوست و سرپرستی کافی است .

و کفی بالله ولیاً

10_ مؤمنان با اعتماد به ولایت و نصرت الهی ، نباید از دشمنی مخالفان ضعف و ترسی به خود راه دهند .

و الله اعلم باعدائکم و کفی بالله ولیاً و کفی بالله نصیراً

هدف از بیان ولایت و نصرت الهی پس از معرفی یهودیان به عنوان دشمن ، این است که مبادا با تصور دشمنی یهود از آنان بهراسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 20، 15

15_ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً

20_ تنها خداوند شایسته ولایت بر انسان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 38

38_ خداوند برای وکالت و سرپرستی و تدبیر جهان، کافی است.

و کفی بالله وکیلا

وکیل به کسی گفته می شود که کاری را به عهده بگیرد و تدبیر کند و چون سخن از جهان هستی بود، مراد از وکیل، سرپرست و مدبر جهان هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 11

11_ خداوند، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است.

ص: 187

و لا يجدون لهم من دون الله ولياً ولا نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 55 - 1,5,6,9,10

1 _ تنها خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما وليکم الله ورسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق ، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

5_ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما وليکم الله ورسوله و الذین ءامنوا . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

6_ ولایت و رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما وليکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه «ولی» _ علی رغم جمع بودن خبر آن _ ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دیگر واجدان شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

9_ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما وليکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه «انما» که برای حصر است ، استفاده شده است.

10_ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم . . . انما وليکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 56 - 1,3

1_ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

و من يتول الله ورسوله و الذين آمنوا فان حزب الله هم الغلبون

«الذين آمنوا» اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

3_ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من يتول الله ورسوله و الذين آمنوا

عطف «رسوله» و «الذين آمنوا» بر «الله» بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه «ولی» در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 8، 1

1_ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

8_ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

ص: 188

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 5

5_ تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر الله أتخذ ولیا .. و إن یمسک الله بضر ... فهو علی کل شیء قذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 1, 2

1_ آدمیان پس از مرگ، به سوی خداوند (مولای حقیقی خود) بازمی گردند.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

2_ خداوند، مولا و سرپرست حقیقی آدمیان است.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 5

5_ خداوند خود امور ره یافتگان به دارالسلام را بر عهده خواهد داشت.

لهم دارالسلام عند ربهم و هو ولیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 3 - 7

7_ ولایت خداوند، تنها ولایت شایسته و بایسته پذیرش است.

و لا تتبعوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 20

20_ خداوند سرپرست همه انسانهاست .

أنت ولينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 40 - 3، 2، 1

1_ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز پردازند .

وإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق «تولوا» دست برداشتن از فتنه انگیزی است ؛ یعنی «إن تولوا عن الانتهاء فلم یترکوا الفتنه». و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند «فقاتلوهم» است.

2_ خداوند ، سرپرست و یابوری نیک برای مؤمنان

نعم المولی و نعم النصیر

ص: 189

3_ باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی ونعم النصیر

جمله «فاعلموا ..» علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقویت روحیه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگیز ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 51 - 4,5

4_ اتکای مؤمنان راستین بر ولایت و حمایت خداوند، در جهاد و اقدام به تکالیف

قل لن یصیبنا إلا ما كتب الله لنا هو مولینا

5_ خدا، سرپرست و صاحب اختیار انسانهاست.

هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 7

7_ برای انسان ها، هیچ سرپرست و یآوری جز خداوند نیست.

و ما لکم من دون الله من ولیّ ولا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 7

7_ خدا، مولا و مالک حقیقی انسانهاست.

وردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 6

6_ تنها خداوند، ولی و سرپرست انسانهاست.

و ما کان لهم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 113 - 9

9_ تنها خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لكم من دون الله من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 16

16_ تنها خداوند سرپرست و یاور انسانهاست .

ما لهم من دونه من وال

ص: 190

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 7,8

7_ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفأخذتم من دونه أولياء

تفریع جمله «اتخذتم ..» به وسیله حرف «فاء» بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد _ که مشرکان نیز آنها را باور دارند _ می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است .

8_ تنها خداوند ولیّ و اختیاردار امور انسانهاست .

أفأخذتم من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 44 - 1

1- آدمی ، به هنگام شداید ، به ولایت و تسلّط مطلق خداوند بر همه امور ، پی می برد .

و لم تكن له فئة ينصرونه .. هنالك الوليُّ له لله الحقّ

تردیدی نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره به مکان و واقعه خاص با واژه «هنالك» از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 22

22- ولایت الهی ، تنها ولایت شایسته پذیرش و اتکا است .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء من دوني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 22 - 5,7

5 - وليّ مطلق ، در عالم آخرت ، فقط خداوند است .

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

7 - خداوند ، انسان ها را تشویق می کند که او را یار و ولیّ ، بگیرند و نه فرودستانش را .

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 10,11,12

10 - سرپرستی و شفاعت از شؤون تدبیر و مدیریت خداوند است .

ثم استوی علی العرش ما لكم من دونه من ولیّ ولا شفیع

این که خداوند، پس از ذکر مدیریت خویش، وجود هر نوع ولایت و شفاعت را از غیر خود نفی کرده، می رساند که ولایت و شفاعت، تنها از آن مدبر هستی و شأنی از شؤون او است.

11 - انسان ها ، هیچ سرپرستی جز خداوند ندارند .

الله الذی خلق .. ما لكم من دونه من ولیّ

ص: 191

12 - یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم ، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یاوری برای انسان ها جز خود او است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ .. مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ

احتمال دارد ذکر «ما لكم من دونه ..» پس از بیان یکتایی خداوند در آفرینندگی و تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند ولیّ و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 6 - 2

2- ولایت و سرپرستی هستی ، تنها از آن خداوند است .

و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

از لحن تهدیدآمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 18

18 - ولایت و نصرت الهی ، جلوه ای از رحمت او است .

يَدْخُلُ مِنَ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

از مقابله دو بخش از آیه شریقه (یدخل من یشاء فی رحمته) و «والظالمون ..» مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 9 - 5

5- ولایت و سرپرستی انسان ها ، در انحصار خداوند است .

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 10 - 8

8 - ولایت منحصر و بی همتا، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریح و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ . . . ذَلِكُمْ اللّٰهُ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوری - 42 - 28 - 10

10 - ولایت بی نقص و شایسته ستایش ، مخصوص خداوند است .

و هو الولیّ الحمید

برداشت یاد شده بدین احتمال که «حمید»، وصف «ولیّ» باشد؛ نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - جائیه - 45 - 10 - 6

6 - تنها خداوند ، سرپرست و یاور حقیقی انسان ها ، در دنیا و آخرت است .

ولا یغنی . . . ما اتّخذوا من دون اللّٰه أولیاء

ص: 192

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 19 - 8

8 - خداوند ، سرپرست و حامی تقوایندگان

و الله ولي المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 2

2- خداوند ، ولی (سرپرست و حامی) مؤمنان

بأن الله مولى الذين آمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 25 - 1

1 - ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فلله الآخرة والأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 2 - 6,7

6 - خداوند ، مولا و سرپرست حقیقی انسان ها است .

و الله مولیکم

7 - تشریح خداوند ، از موضع مولویت او نسبت به انسان ها است .

قد فرض الله لكم . . . و الله مولیکم

یادآوری مولا و سرپرست بودن خداوند - پس از تشریح قانون شکستن سوگند - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

212- ویژگیهای ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15_ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 3

3 - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

وَقِيضْنَا لَهُمْ قَرْنَاءَ... قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا... نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا... نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در

ص: 193

قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

ولایت و امامت

213- {ولایت و امامت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 196 - 26

26_ تمامیت و کمال حج ، به دیدار امام است .

و اتمّوا الحج

امام باقر (ع): تمام الحج لقاء الإمام.

کافی، ج 4، ص 549، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 183، ح 650.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 245 - 17

17_ صلّه و کمک مالی به امام مسلمین ، از مصادیق قرض به خداوند است .

من ذا الذی یقرض الله قرضاً

امام کاظم (ع) درباره آیه «من ذا الذی . . .» فرمود: نزلت فی صلّه الإمام

کافی، ج 1، ص 537، ح 4؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 131، ح 435.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 28 -

5,6,7,8,10,11,13,15,16,19

5_ ولایت و سرپرستی ، ضرورت نظام اجتماعی *

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

به نظر می آید تعیین ولی و سرپرست در آیه، مفروغ عنه گرفته شده و تنها نسبت به مصداق آن تذکر داده شده است.

6_ ایمان، ملاکی مهم برای شایستگی مدیریت و سرپرستی در نظام اسلامی

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين

7_ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالك الملك . . . لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه «قل اللهم . . .» است.

8_ کسی که ولایت کفران را بپذیرد، خداوند او را به خود وامی گذارد.

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

10_ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا يتخذ المؤمنون . . . و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

11_ حاکمیت و سرپرستی کفران بر امور مؤمنان، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء . . . و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

13_ پذیرش سرپرستی کافران، جز در اضطرار و تقیّه، جایز نیست.

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. . إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْيَةً

بنابراینکه ولایت به معنای سرپرستی باشد.

15_ تحذیر و هشدار مؤکد خداوند، نسبت به مؤمنانی که پذیرای ولایت و سرپرستی کافران شده اند.

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. . وَيَحذَّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

16_ ترس از خداوند، موجب پرهیز از پذیرش ولایت کافران

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. . وَيَحذَّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ

19_ توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن، عامل مقاومت در برابر ولایت کافران

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. . وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 31 - 11، 8

8_ کردار انسان، نمایانگر عُلقه ها و گرایش های درونی است.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي

11_ جلب محبّت خدا، هدف نهایی دین و دینداری است.

فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ

زیرا می فرماید تبعیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موجب محبّت خدا خواهد شد.

ص: 195

1- آگاهی ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 17

17- شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات، در انحصار مالک آگاه و هوشمند جهان هستی است.

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع ما لهم من دونه من ولیّ

2- اختیارات ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 12, 19, 20, 21

12 - جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال یتیم، در قبال خدمت به او، در صورت فقر

و من كان فقيراً فلیاكل بالمعروف

19 - جواز بهره گیری متعارف ولیّ یتیم از مال وی، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن (کافی بودن) آن مال

و من كان فقيراً فلیاكل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحیس نفسه عن المعیشه فلا بأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصلح لهم اموالهم فان کان المال قلیلاً فلا یاکل منه شیئاً . . .

کافی، ج 5، ص 130، ح 5؛ نورالثقلین، ج 1، ص 445، ح 69.

20 - جواز بهره گیری سرپرست یتیم از دارایی وی، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاكل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصی او القیم فی اموالهم و ما یصلحهم.

کافی، ج 5، ص 130، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 4546، ح 67.

21_ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من كان فقيراً فليأخذ من مال الیتیم قدر الحاجه و الكفايه على وجه القرض ثم یردّ علیه ما أخذ اذا وجد.

ص: 196

مجمع البيان، ج 3، ص 17؛ تفسير برهان، ج 1، ص 345، ح 20.

3- دفع ضرر در ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 11

11_ تنها کسی شایسته ولایت و سرپرستی است که بر نفع رسانی و دفع ضرر توانا باشد .

لايملكون لأنفسهم نفعًا ولا ضرًا

4- شرایط ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 113 - 11

11_ ستمکاران ، شایسته ولایت و سرپرستی نیستند .

ولا تركنوا إلى الذين ظلموا... و ما لكم من دون الله من أولياء

5- منفعت رسانی در ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 11

11_ تنها کسی شایسته ولایت و سرپرستی است که بر نفع رسانی و دفع ضرر توانا باشد .

لايملكون لأنفسهم نفعًا ولا ضرًا

6- ولی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 7

7_ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولی و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفأخذتم من دونه أولياء

تفریح جمله «اتخذتم . . .» به وسیله حرف «فاء» بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد _ که مشرکان نیز آنها را باور دارند _ می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

ص: 197

7- ولی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 17

17_ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قد آتیتنی من الملک و علمتني . . أنت ولی فی الدنيا و الآخره

ص: 198

8- ولید بن مغیره

1- آرزوهای ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 16 - 1

1 - ولیدبن مغیره، هرگز به تمامی آرزوهای مادی خود نرسید و عطش زیاده خواهی او سیراب نگردید.

ثمّ یطمع أن أزیّد. کلاً

2- استکبار ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 23 - 3

3 - ولیدبن مغیره، دارای خوی استکبار و برتری طلبی

و استکبر

3- اظهار دشمنی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 22 - 1

1 - ظاهر شدن عناد و دشمنی ولیدبن مغیره، در چهره او به هنگام رویه رو شدن با آیات الهی قرآن

ثمّ عبس و بسر

«عبس» به معنای روی ترش کردن و اخم نمودن است. «بسر» نیز به دو معنا آمده است: 1_ رو ترش کردن (این معنا معادل معنای

«عبس» است.) 2_ عجله کردن و گرفتن پیش از وقت.

4- اعراض ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 23 - 1

1 - روی گردانی کامل ولیدبن مغیره ، از آیات الهی و دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

ص: 199

ثمّ أدبر و استکبر

«إدبار» (مصدر «أدبر») به معنای پشت کردن است و مقصود از آن اعراض و روی گردانی کامل است.

5- امکانات مادی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 14 - 1

1 - ولیدبن مغیره، برخوردار از وسایل و امکانات بسیار زندگی

و مهّدت له تمهیداً

6- انگیزه دشمنی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 18 - 2

2 - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با اندیشه شیطنی و سنجیده کاری همراه بود.

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيِّ تَنَا عَنِيدًا .. إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

7- بینش باطل ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 24 - 3

3 - قرآن، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود.

فَقَالَ إِنَّ هَـذَا إِلَّا سِحْرٌ يُّوْثَرُ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «یوثر» از ماده «أثر» (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 25 - 1

1 - قرآن، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره، ساخته و پرداخته انسان است.

إن مـذا إلاً قول البشر

8- تداوم توطنه وليد بن مغیره

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - مدثر - 74 - 21 - 1

ص: 200

1 - اندیشه عمیق و مستمر ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ثمّ نظر

«ثمّ» در «ثمّ نظر» یا برای تراخی زمانی است و یا رتبی. در هر دو صورت بیانگر نظر و اندیشه عمیق و مستمر کافرانی است که پیش از این، به فکر و حسابگری علیه دین مشغول بودند (إنّه فکّر و قدر و...).

9- تفکر ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 18 - 2

2 - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه کان لأیّ تنا عنیداً .. إنّه فکّر و قدر

10- توطئه ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 22 - 2

2 - چاره اندیشی عجولانه و شتاب آلود ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إنّه فکّر و قدر .. ثمّ نظر . ثمّ عبس و بسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 24 - 2

2 - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنّه فکّر و قدر .. فقال إن هـذا إلاّ سحر

11- تهدید ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 11 - 1

1 - تهدید شدن ولیدبن مغیره به عذاب و شکست ، از سوی خداوند

ذرنی و من خلقت وحیداً

مطابق نظر مفسران، این آیه تا آیه 25 درباره ولیدبن مغیره (یکی از سران مکه) نازل شده است (مجمع البیان). گفتنی است کلمه «وحیداً» در این برداشت، حال برای «یا» در «ذرنی» است و عبارت «ذرنی و من خلقت وحیداً» (مرا تنها بگذار با آن کس که خلقش کردم) و مانند آن، برای تهدید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 201

1 - خداوند ، ولیدبن مغیره را به عذابی سخت و طاقت فرسا تهدید کرد .

سأرهقه صعودًا

«إرهاق»، به معنای به کاری دشوار واداشتن یا کار دشواری را بر شخصی تحمیل کردن است. «صعود» در اصل، به گردنه و راه دشوار کوه گفته می شود (قاموس المحيط). برای هر امر شاق و طاقت فرسا نیز استعاره آورده می شود. بنابراین «سأرهقه صعودًا»؛ یعنی، به زودی او را بر کاری بس سخت و طاقت فرسا وادار خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تهدید ولیدبن مغیره ، به عذاب دوزخ از سوی خداوند

سأصلیه سقر

12- نهمتهای ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، از سوی ولیدبن مغیره

فقال إن هـذا إلا سحر

2 - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنه فکّر و قدرّ . . . فقال إن هـذا إلا سحر

3 - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هـذا إلا سحر یؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «یؤثر» از ماده «أثر» (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

13- ثروتمندی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 12 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، فردی ثروتمند و دارای اموال فراوان

ذرنی و من خلقت وحیداً . و جعلت له مالاً ممدوداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 14 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، برخوردار از وسایل و امکانات بسیار زندگی

و مهّدت له تمهیداً

ص: 202

14- حق ستیزی و لید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 16 - 2

2 - ولیدبن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيِّ تَنَا عَنِيدًا

15- حق ناپذیری و لید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 23 - 2

2 - ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثُمَّ أَدْبِرَ

برداشت یاد شده، از «إدبار و روی گردانی» از آیات الهی و سخن بحق پیامبر (صلی الله علیه و آله) استفاده می شود.

16- دشمنی و لید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 13 - 5

5- برخی از عناصر زنازاده (ولیدبن مغیره) ، سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لا تطع کلّ... زنیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 16 - 2,3

2 - ولیدبن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيِّ تَنَا عَنِيدًا

3 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن

مغیره)

ثمّ يطمع أن أزيد . كلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(صلی الله علیه و آله) _ از جمله ولیدین مغیره _ از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاً) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد.

ص: 203

17- رذایل اخلاقی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 1

1 - ولیدبن مغیره، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً... ثمّ یطمع أن یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 23 - 2,3

2 - ولیدبن مغیره، فردی لجوج و حق ناپذیر بود.

ثمّ أدیر

برداشت یاد شده، از «إدبار و روی گردانی» از آیات الهی و سخن بحق پیامبر (صلی الله علیه و آله) استفاده می شود.

3 - ولیدبن مغیره، دارای خوی استکبار و برتری طلبی

و استکبر

18- زنازادگی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 11 - 6

6 - «عن أبی عبد الله و أبی جعفر (علیهما السلام) أنّ الوحید ولد الزّنا؛

از امام صادق و امام باقر (ع) روایت شده که مقصود از «وحدید»، زنازاده است (کسی که برای او پدری شناخته نشده)».

19- زیاده طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 1

1 - ولیدبن مغیره، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً .. ثمّ يطمع أن أزيد

20- طمع وليد بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 1

1 - وليدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً .. ثمّ يطمع أن أزيد

ص: 204

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 16 - 3

1 - ولیدبن مغیره ، هرگز به تمامی آرزوهای مادی خود نرسید و عطش زیاده خواهی او سیراب نگرددید .

ثمّ یطمع أن أزیّد . کلاً

3 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزیّد . کلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) _ از جمله ولیدبن مغیره _ از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاً) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

21- عجله ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 22 - 2

2 - چاره اندیشی عجولانه و شتاب آلود ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إنّه فکّر و قدّر .. ثمّ نظر . ثمّ عبس و بسر

22- فرزندان ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 13 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، دارای فرزندان همیشه حاضر

و بنین شهوداً

23- فلسفه دین ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خوی استکبار و برتری طلبی، عامل اصلی دین ستیزی و مخالفت ولیدین مغیره، با آیات الهی و پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)

و استکبر

خداوند در آیه 16، ولیدین مغیره را به عنوان مخالف و دشمن آیات قرآن معرفی کرده (إِنَّهٗ كَانَ لَآيَاتِنَا عَنِيدًا) و در آیه مورد بحث، از او به عنوان مستکبر و برتری طلب یاد نموده است. از این نکته می توان استفاده کرد که مخالفت و دشمنی او با قرآن و پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)، ناشی از خوی استکبار و برتری طلبی او بود.

ص: 205

24- فلسفه مخالفت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 23 - 4

4 - خوی استکبار و برتری طلبی ، عامل اصلی دین ستیزی و مخالفت ولیدبن مغیره ، با آیات الهی و پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)

و استکبر

خداوند در آیه 16، ولیدبن مغیره را به عنوان مخالف و دشمن آیات قرآن معرفی کرده (إِنَّهٗ كَانَ لَآيَاتِنَا عَنِيدًا) و در آیه مورد بحث، از او به عنوان مستکبر و برتری طلب یاد نموده است. از این نکته می توان استفاده کرد که مخالفت و دشمنی او با قرآن و پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)، ناشی از خوی استکبار و برتری طلبی او بود.

25- قدرت طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 16 - 3

3 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ . كَلَّا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) _ از جمله ولیدبن مغیره _ از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاً) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

26- قیاس ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 18 - 2

2 - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إِنَّهٗ كَانَ لَأَيُّ تَنَا عَنِيدًا .. إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

27- لجاجت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 23 - 2

2- ولیدبن مغیره، فردی لجوج و حق ناپذیر بود.

ثم ادبر

برداشت یاد شده، از «ادبار و روی گردانی» از آیات الهی و سخن بحق پیامبر (صلی الله علیه و آله) استفاده می شود.

ص: 206

28- لعن بر ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدر

عبارت «قتل»، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 20 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثم قتل کیف قدر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و «ثم» برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

29- مخالفت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 11 - 3

3 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در برابر مخالفت ها و کارشکنی های سران کفر و شرک (همچون ولیدبن مغیره)

ذرنی و من خلقت وحیداً

30- ولید بن مغیره و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 25 - 1

1 - قرآن ، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هـذا إلاً قول البشر

ص: 207

9- ویرانی

1- آثار ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 2، 1

1 - توبه و پشیمانی باغداران یمنی، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظالمین

2 - باغداران یمنی، از مشاهده نابودی محصولات خویش از خواب غفلت بیدار شده و به تسبیح و تنزیه خداوند پرداختند.

قالوا سبحن ربنا

2- حتمیت ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 58 - 4

4- ویرانی شهرها و مرگ و میر همه مردمان قبل از قیامت، امری حتمی، غیر قابل تغییر و نوشته شده در کتاب تقدیر الهی است.

كان ذلك في الكتـب مسطورًا

«ال» در «الکتاب» برای معرفی و عهد است و مراد از آن، لوح محفوظ و کتاب تقدیر است.

3- زمینه ویرانی روستاها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 4

4 - کفر و گناه، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهرها و روستاها (نابودی باغها، نهرها و...)

استغفروا ربکم... و یمددکم بأموال و بنین... و یجعل لکم أنهـرًا

4- زمینه ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- کفر و گناه، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهرها و روستاها (نابودی باغ ها، نهر ها و...)

استغفروا ربکم... و یمددکم بأمول و بنین... و یجعل لکم أنهراً

5- عذاب با ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 102 - 1

1_ جوشش آب های سیل آسا، بارش باران های طوفان زا، زیر و زبر شدن آبادیها، فروریختن سنگ های عذاب و ایجاد صیحه و غرش های تخریب گر، نمونه هایی است از عقوبت های الهی و عذاب های استیصال.

و کذلک أخذ ربک

«ذلک» اشاره به عذابهایی است که در این سوره بیان شده است؛ از قبیل طوفان نوح، زیر و زبر شدن آبادیهای قوم لوط و... .

6- عوامل ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 3,4

3 - ویرانی شهرها، تباهی جامعه و ذلت عزتمندان، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوک إذا دخلوا قرية أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

4 - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إنّ الملوک... و کذلک یفعلون

7- عوامل ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 53 - 3,4

3 - ظلم و طغیان، عامل نابودی شهرهای قوم لوط

إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى . وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى

از این که در آیه قبل، قوم نوح «أظلم» و «أطغى» معرفی شده اند، اصل ظلم و طغیان برای اقوام دیگری که در این بخش آمده اند، ثابت می شود.

4 - عذاب الهی ، باعث پرتاب شدن شهر های قوم لوط ، به طرف بالا و سپس سقوط و هلاکت آنها

وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى

«أهوى» معادل «أسقط» (فرو افکند) است.

ص: 209

8- ملاک ویرانی مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 8

8 - مساجدی که مردم در آن حضور نیابند و در آنها ذکر خدا نگویند، در حقیقت مساجدی ویرانه اند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که جمله «سعی فی خرابها» (در تلاش برای تخریب مساجد هستند) تفسیر و توضیح جمله «منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه» باشد.

9- منشأ ویرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 7

7 - ویرانی و آبادانی سرزمین ها، به اراده خدا و نشان قدرت او است.

کم أهلکنا من قبلهم .. أنا نسوق ... فنخرج به زرعاً

10- منشأ ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 53 - 1

1 - شهرهای قوم لوط، از جمله سرزمین های نابودشده به اراده خداوند

و المؤمنة أهوی

مفسران، «المؤتفکه» را شهرهای قوم لوط دانسته اند؛ یعنی، «والقری المؤمنة».

11- وقت ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 3

3 - ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

ص: 210

12- ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 1

1 - باغداران یمنی ، با مشاهده باغ خویش هیچ اثری از آن ندیده و گمان بردند که راه راگم کرده اند .

فلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که در این جا معنای اصلی و لغوی «ضالّون» مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 2

2 - اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار ، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَغِبُونَ

13- ویرانی خانه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 26 - 12، 13

3- توطئه کنندگان علیه دین الهی ، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان ، به هلاکت رسیدند .

قد مكر الذین من قبلهم فأتی الله بنی نهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

ذکر قید «من فوقهم» پس از بیان «فخر علیهم السقف» (سقف بر آنها فرو ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

12- «عن أبی جعفر (ع) فی قول الله : « فأتی الله بنیانهم من القواعد » قال : كان بیت غدر یجتمعون فیه ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا «فأتی الله بنیانهم من القواعد» فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند».

13- «عن ابی جعفر (ع) فی قوله : « قد مكر الذین من قبلهم فأتی الله بنیانهم من القواعد » فخر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لا یشرعون قال : بیت مکرهم ای ماتوا فألقاهم الله فی النار . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا «.. فأتى الله بنيانهم من القواعد...» فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد؛ یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند».

14- ویرانی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 52 - 4، 1

1 - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، نشانه ای گویا از فرود آمدن کیفر الهی بر آنان

أَتَا دَمْرًا هُمْ وَقَوْمُهُمْ أَجْمَعِينَ . فَتَلَكَ بِيُوتِهِمْ خَاوِيَةً

«خواء» (مصدر «خاویه») به معنای ویرانی و نیز خالی از سکنه شدن است. در برداشت فوق هر دو معنا لحاظ شده است.

4 - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، در بردارنده درس عبرتی بزرگ برای اهل فهم و دانش

ص: 211

فتلك بيوتهم خاويه .. إن في ذلك لآيه لقوم يعلمون

واژه «آیه» در آیه یاد شده معادل «عبره» و تنکیر آن بیانگر بزرگی است؛ یعنی، «إن في ذلك لعبره عظیمه لقوم يعلمون».

15- ویرانی سد ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 98 - 9

9- موانع هجوم یاجوج و مأجوج به همسایگان خود، در آستانه قیامت، منهدم خواهد شد.

فإذا جاء وعد ربِّي جعله دكاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 99 - 3,7

3- از پیدایش درگیری های داخل میان یاجوج و مأجوج، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است. *

فإذا جاء وعد ربِّي جعله دكاء .. و تركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض

بدان احتمال که ضمیر در «بعضهم» به یاجوج و مأجوج بازگردد؛ یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

7- ویرانی سد ذوالقرنین، از علایم نزدیکی قیامت است. *

فإذا جاء وعد ربِّي جعله دكاء .. و نفخ في الصور فجمعنهم جمعًا

16- ویرانی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 40 - 3

3_ شهر قوم لوط، به وسیله بارانی از سنگ گل، به ویرانه ای تبدیل شد.

و لقد أتوا على القرية التي أمطرت مطر السوء

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید _ به قرینه آیات دیگر از جمله آیه 82 سوره «هود» (و أمطرنا عليها حجارة من سجيل منضود)_ سنگ گل و کلوخ بود.

1 - بارش بارانی از سنگ گِل (سجیل) بر قوم لوط ، پس از هلاکت آنان و ویرانی کامل دیارشان

ثم دمرنا الآخرين . و أمطرنا عليهم مطرًا

«إمطار» (مصدر «أمطرنا») به معنای بارانیدن است. «مطرًا» مفعول «أمطرنا» و تنکیر آن تنکیر تنويع است؛ یعنی، «بر روی آنان نوعی باران فرو ریختیم». در سوره حجر (آیه 74) نوع باران را بیان کرده است: «فجعلنا عاليها سافلها و أمطرنا عليهم حجارة من سجیل؛ شهرشان را زیرورو کردیم و بر آنان سنگ هایی از سجیل (سنگ گِل) فرو ریختیم».

17- ویرانی شهر بصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 53 - 5

5 - « عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) في قول الله... «والمؤتفكه أهوى» قال: هم أهل البصره هي المؤتفكه... »؛

ابی بصیر از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند... «والمؤتفكه أهوى» روایت نموده که مراد، اهل بصره هستند. آن جا شهر زیرو رو شده است...».

18- ویرانی شهر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 35 - 1

1 - مأموران عذاب قوم لوط، شهر آن قوم را، با عذابی آسمانی، درهم کوبیدند.

إنا منزلون على أهل هذ القريه رجلاً من السماء.. ولقد تركنا منها آية

19- ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 70 - 8

8 - واژگون شدن بسیاری از شهرهای آباد با نزول عذاب الهی

والمؤتفكت

«اتفك» به معنای انقلاب و زیر و رو شدن است. بنابراین مقصود از «مؤتفكات» به قرینه مقام، شهرهایی است که با عذاب و قهر الهی زیر و رو شده اند.

20- ویرانی شهرهای اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 58 - 9

9 - غیر مسکونی شدن شهرهای جوامع هلاک شده پیشین، پس از نابودی آنها

فتلك مسـ كنهم لم تسكن من بعدهم

ص: 213

21- ویرانی شهرهای امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 59 - 2, 1

1- خداوند، آبادی های فراوانی را از امت های پیشین، ویران ساخت و مردم آنها را هلاک کرد.

و تلک القرى أهلکنهم

2- ستم گری و کفر برخی از جوامع پیشین، مایه هلاکت آنان با عذاب ویران کننده الهی است.

أهلکنهم لَمَّا ظلموا

مراد از ظلم در «ظلموا» - به قرینه آیات قبل - اعراض از آیات خدا است.

22- ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 53 - 2

2 - هلاکت قوم لوط، به وسیله زیور و شدن سرزمین آنان

و المؤتفکه أهوی

«اتفک» به معنای زیور و شدن است. «قرای مؤتفکه»؛ یعنی، آبادی هایی که با اهلش زیور و شده اند.

23- ویرانی کاخ فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 137 - 16

16 - خداوند پس از هلاکت فرعونیان، کاخ ها و خوش نشین های آنان را بکلی ویران کرد.

و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما کانوا یعرشون

«تدمیر» (مصدر دمرنا) به معنای نابودن کردن است.

10- هابیل

1- آثار قتل هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 30 - 13

13_ زیانکاری قایل، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

2- ادب هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 - 22

22_ هابیل، انسانی خداشناس، پرهیزگار، آگاه به معارف الهی و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعی

قال انما يتقبل الله من المتقين

تصریح نکردن هابیل به بی تقوایی قایل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پذیرش ورد اعمال، حاکی از اندیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

3- اصلاح طلبی هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 28 - 2

2_ هابیل، در صدد آرام نمودن روح طغیانگر قایل

قال لاقتلنک قال... لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک

طغیانگری قایل از تأکید در «لاقتلنک» به دست می آید و سخنان نرم و آموزنده هابیل، نشانگر تلاش وی برای نرم و آرام ساختن قایل است.

4- انتصاب هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

33 - هابيل و قابيل ، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قابیل در مورد فرمان خدا به انتصاب هابیل به وصایت حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذقربا قرباناً

از امام صادق(ع) روایت شده: .. ان الله تبارک و تعالی اوحی الی آدم ان یدفع الوصیه و اسم الله الاعظم الی هابیل و کان قابیل اکبر منه فبلغ ذلک قابیل فغضب فقال: انا اولی بالکرامه و الوصیه فامرهما ان یقربا قرباناً بوحي من الله الیه ففعلا ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

5- انگیزه قتل هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 - 21

21 - قابیل ، _ به تحریک ابلیس _ برای آنکه نسلی از هابیل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قابیل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: .. ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قابیل قد تقبل قربان هابیل و لم یقبل قربانک و انک ان ترکته یکون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یکون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ...

کافی، ج 8، ص 113، ح 92؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 458.

6- ایمان هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 28 - 6

6 - هابیل ، انسانی خداترس و مؤمن به توحید ربوبی

انى اخاف الله رب العلمين

7- پاداش هابيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 27 - 10

10_ هابيل سزاوار و شايسته بهره مندى از پاداش هاى الهى با پذيرفته شدن قربانى وى

فتقبل من احدهما

ص: 216

«تقبل» به پذیرفته شدنی اطلاق می گردد که مقتضی پاداش باشد. (مفردات راغب)

8- تحریف قصه هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 - 8

8_ آثار اهل کتاب مشتمل بر داستان قایل و هابیل به گونه ای تحریف شده و آمیخته با باطل

بالحق

کلمه «بالحق» به قرینه آیات گذشته، که درباره اهل کتاب بود، می تواند اشاره به تحریفهایی باشد که در آثار اهل کتاب نسبت به فرزندان آدم وجود دارد.

9- تقوای هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 - 22، 24

22_ هابیل، انسانی خداشناس، پرهیزگار، آگاه به معارف الهی و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعی

قال انما يتقبل الله من المتقين

تصریح نکردن هابیل به بی تقوایی قایل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پذیرش و رد اعمال، حاکی از اندیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

24_ تقوای هابیل، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما .. قال انما يتقبل الله من المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 28 - 6، 7

6_ هابیل، انسانی خداترس و مؤمن به توحید ربوبی

انی اخاف الله رب العلمین

7_ ترس هابیل از خداوند، مانع اقدام وی به قتل برادر

ما إنا بباسط يدي إليك لاقتلك انى اخاف الله رب العلمين

10- تهديد هاييل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مانده - 5 - 27 - 13

13_ قابيل ، برادرش هاييل را به قتل تهديد كرد .

قال لاقتلك

ص: 217

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 28 - 8

8 _ نهراسیدن هابیل از تهدید برادرش به قتل وی *

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی .. انی اخاف اللّٰه رب العلمین

تأکید هابیل بر ترس خویش از خداوند (انی اخاف)، می تواند اشاره به این باشد که از تهدید برادر، ترسی به دل او راه نیافته است.

11- خدانشناسی هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 22

22 _ هابیل ، انسانی خدانشناس ، پرهیزگار ، آگاه به معارف الهی و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعی

قال انما یتقبل اللّٰه من المتقین

تصریح نکردن هابیل به بی تقوایی قایل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پذیرش و رد اعمال، حاکی از اندیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

12- دفن هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 -

1,2,3,16,21,23,25,28

1 _ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هابیل به سوی قایل گسیل داشت .

فبعث اللّٰه غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

2 _ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قایل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث اللّٰه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

3 _ قایل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هابیل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

16_ قابیل ، برخوردار از امداد خداوند برای دفن جسد برادرش هابیل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه

برداشت فوق بر این مبناست که روانه ساختن کلاغ و تعلیم قابیل برای رفع سرگردانی وی صورت گرفته باشد.

21_ قابیل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هابیل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

23_ پشیمانی قابیل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله «فاصبح ..» متفرع بر جمله «اعجزت» باشد. بنابراین پشیمانی قابیل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

ص: 218

25_ قابیل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یوبلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب ..

تفریح ندامت قابیل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل «اعجزت» این معنا را تأیید می کند.

28_ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر_ پس از زد و خورد میان آنها_ ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاده(ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

تفسیر قمی، ج 1، ص 166; تفسیر برهان، ج 1، ص 459، ح 4.

13- شجاعت هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 28 - 8

8_ نهراسیدن هابیل از تهدید برادرش به قتل وی *

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی .. انی اخاف الله رب العلمین

تأکید هابیل بر ترس خویش از خداوند (انی اخاف)، می تواند اشاره به این باشد که از تهدید برادر، ترسی به دل او راه نیافته است.

14- شخصیت هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 28 - 5

5_ سرشت و شخصیت هابیل ، بر حذر از برادرکشی

ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

هاییل از نکشتن برادر، به دست نگشودن برای کشتن تعبیر کرد و آن را با قسم و «باء» زایده تأکید کرد و نیز جمله اسمیه به کار برد تا بفهماند هرگز شخصیتش با چنین کاری سازگاری ندارد.

15- عفو هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 28 - 1

ص: 219

1_ تأکید هاییل بر دست نیازیدن به قتل برادر ، حتی در صورت اقدام قاییل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در «لئن» و نیز «باء» زایده در «ببساط»، دلالت بر تأکید دارد.

16- عقیده هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 29 - 3،10

3_ قاییل در دیدگاه و سخن هاییل ، در صورت اقدام به تهاجم ، مسؤول تمامی پیامد های سوء عملکرد هر کدام

انی ارید ان تبوا بائمی و ائمک

مراد از «ائمی»، به قرینه «ائمک»، گناهای است که بر اثر درگیری آن دو به وجود می آید. زیرا به شهادت مقام، مراد از گناه قاییل، همان برادرکشی و مقدمات آن است. بنابراین مقصود هاییل این است که من تهاجمی را علیه تو آغاز نمی کنم و هرگز قصد کشتن تو را نخواهم کرد تا در درگیری احتمالی، تو مهاجم باشی و آغازگر و در نتیجه اگر تو تلف شدی و یامن کشته شدم در هر صورت گناه به گردن تو افتد.

10_ هاییل ، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف الله رب العلمین . . . تبوا بائمی و ائمک فتکون من اصحب النار

17- علم هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 27 - 22

22_ هاییل ، انسانی خدانشناس ، پرهیزگار ، آگاه به معارف الهی و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعی

قال انما یتقبل الله من المتقین

تصریح نکردن هاییل به بی تقوایی قاییل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پذیرش ورد اعمال، حاکی از اندیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

18- فضایل هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 _ هابيل سزاوار و شايسته بهره مندى از پاداش هاى الهى با پذيرفته شدن قربانى وى

فتقبل من احدهما

«تقبل» به پذيرفته شدنى اطلاق مى گردد كه مقتضى پاداش باشد. (مفردات راغب)

22 _ هابيل ، انساني خداشناس ، پرهيزگار ، آگاه به معارف الهى و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعى

قال انما يتقبل الله من المتقين

ص: 220

تصریح نکردن هابیل به بی تقوایی قایل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پذیرش ورد اعمال، حاکی از اندیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 28 - 5، 6، 2، 1

1 - تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر، حتی در صورت اقدام قایل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در «لئن» و نیز «باء» زایده در «ببساط»، دلالت بر تأکید دارد.

2 - هابیل، در صدد آرام نمودن روح طغیانگر قایل

قال لاقتلک قال .. لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک

طغیانگری قایل از تأکید در «لاقتلک» به دست می آید و سخنان نرم و آموزنده هابیل، نشانگر تلاش وی برای نرم و آرام ساختن قایل است.

5 - سرشت و شخصیت هابیل، بر حذر از برادرکشی

ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

هابیل از نکشتن برادر، به دست نگشودن برای کشتن تعبیر کرد و آن را با قسم و «باء» زایده تأکید کرد و نیز جمله اسمیه به کار برد تا بفهماند هرگز شخصیتش با چنین کاری سازگاری ندارد.

6 - هابیل، انسانی خداترس و مؤمن به توحید ربوبی

انی اخاف الله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 15

15 - مقام والای هابیل در پیشگاه خداوند *

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

بر اساس این احتمال که هدف از فرستادن کلاغ و آموزش قایل، پنهان سازی جسد هابیل باشد، نه برطرف کردن تحیر و سرگردانی قایل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 13 - 4

4 - « عن جعفر بن محمد (ع) في قوله عزّ وجلّ « ثلّة من الأولين » ... قال : ... ابن آدم الذي قتله أخوه ، و مؤمن آل فرعون و حبيب النجار ... » ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ « ثلّة من الأولين» .. روایت شده که آنان، فرزند مقتول آدم(ع) (هابیل) و مؤمن آل فرعون (حزقیل) و حبيب نجار... هستند».

19- قابیل و هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 221

22_ پیکر بیجان هابیل ، ناخوشایند برای قابیل

کیف یوری سوءه اخیه .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هابیل «سوءه» (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قابیل ناخوشایند بوده است.

20- قبول قربانی هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 - 32، 30، 24، 15، 14، 10

10_ هابیل سزاوار و شایسته بهره مندی از پاداش های الهی با پذیرفته شدن قربانی وی

فتقبل من احدهما

«تقبل» به پذیرفته شدنی اطلاق می گردد که مقتضی پاداش باشد. (مفردات راغب)

14_ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک

15_ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

24_ تقوای هابیل ، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما .. قال انما يتقبل الله من المتقين

30_ فربه ترین گوسفند هابیل ، قربانی قبول شده وی به درگاه خدا و دسته ای از خوشه های گندم یا مانند آن ، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاده (ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم (ع) روایت شده: .. قرب احدهما اسمن کبش کان فی صیانتہ و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الکبش و هو هابیل و لم يتقبل من الاخر

تفسیر قمی، ج 1، ص 165؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 459، ح 4.

32_ در گرفتن آتش و به کام خود فرو بردن قربانی هابیل ، نشانه پذیرفته شدن آن از سوی خداوند

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

از امام باقر (ع) روایت شده: .. فتقبل قربان هابیل و لم يتقبل قربان قابیل و هو قول الله عزوجل: «و اتل علیهم ...» و كان القربان اذا قبل تاكله النار

کمال الدین، ص 213، ح 2، ب 22؛ نورالثقلین، ج 1، ص 612، ح 131.

ص: 222

21- قتل هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 12،14

12 - تصمیم قطعی قاییل بر کشتن برادرش هاییل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قاییل بر قتل است.

14 - پذیرش قربانی هاییل و رد شدن قربانی قاییل ، عامل انگیزش قاییل به قتل برادرش هاییل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 - 1،2،3،5،16،19

1 - درگیری و کشمکش درونی قاییل با هوای نفس خویش در مورد قتل هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

2 - وسوسه های نفسانی قاییل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

«طوعت» از مصدر «تطویع» به معنای «تسهیل» و نیز «متابعت» است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

3 - وسوسه های نفسانی قاییل ، وادار کننده وی به کشتن هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

5 - قاییل ، برادرش هاییل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

16 - نفس قاییل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

«طوعت» می تواند به معنای «تابعیت» باشد، یعنی نفس قاییل در قتل برادرش هاییل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قاییل نفس خورا فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته و سوسه های خویش شده باشد.

19_ قاییل، کیفیت قتل برادرش هاییل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاده (ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . . .

تفسیر قمی، ج 1، ص 165؛ نورالثقلین، ج 1، ص 616، ح 140.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 24، 22

22_ پیکر بیجان هاییل، ناخوشایند برای قاییل

کیف یوری سوءه اخیه . . . فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هاییل «سوءه» (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قاییل ناخوشایند بوده است.

24_ قاییل، پشیمان از قتل برادرش هاییل *

ص: 223

بنابر اینکه «فاصبح . . .» متفرع باشد بر «فقتله» که در آیه قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 32 - 5

5_ جنایت و برادرکشی قایل، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . . . من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرئیل انه من قتل نفساً بغير نفس

«ذلک» اشاره است به داستان هاییل و قایل.

22- قدرت هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 28 - 4

4_ توانایی هاییل بر قتل برادرش قایل

ما إنا بباسط . . . لاقتلک انی اخاف الله

اگر هاییل از قتل برادرش ناتوان بود، اقدام نکردن به قتل را ناشی از خداترسی خویش نمی شمرد.

23- قربانی هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 1,3,4,6,7,9,31

1_ داستان قربانی پسران حضرت آدم (ع) (هاییل و قایل)، داستانی پرفایده، عبرت آموز و شایان ذکر

و اتل علیهم نبأ ابني آدم بالحق

آگاه نبودن قایل از کیفیت دفن جسد هاییل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از «آدم»، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هاییل و قایل هستند. گفتنی است که «نبأ» به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

3_ دو قربانی تقدیم شده از سوی هاییل و قایل از یک نوع و از یک جنس بود. *

مفرد آوردن کلمه «قرباناً» _ علی رغم اینکه هر کدام جداگانه هدیه ای را قربانی کردند _ می تواند اشاره به این باشد که آن دو قربانی از یک جنس بوده است.

4 _ پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هاییل و قایل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی اءدم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در «علیهم»، اهل کتاب هستند.

6 _ ماجرای قربانی هاییل و قایل ، ماجرای واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی اءدم بالحق

در برداشت فوق «بالحق» توصیف «نبأ» گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

7_ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق «بالحق» متعلق به «اتل» گرفته شده است.

9_ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

31_ فرمان حضرت آدم (ع) به هاییل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذقربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هاییل و قابیل ان یقربا قرباناً... و هو قول الله عزوجل: «و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم...».

کافی، ج 8، ص 113، ح 92؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 458، ح 1.

24- قصه هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 -

2,4,6,12,13,14,15,19,21,24,31,32

2_ هر یک از هاییل و قابیل هدیه ای را به رسم تقرب به پیشگاه خداوند تقدیم کردند .

اذقربا قرباناً

«قربان» هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

4_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هاییل و قابیل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در «علیهم»، اهل کتاب هستند.

6_ ماجرای قربانی هاییل و قابیل ، ماجرای واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل عليهم نبأ ابني آدم بالحق

در برداشت فوق «بالحق» توصیف «نبأ» گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

12 _ تصمیم قطعی قاییل بر کشتن برادرش هاییل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قاییل بر قتل است.

13 _ قاییل ، برادرش هاییل را به قتل تهدید کرد .

قال لاقتلنک

14 _ پذیرش قربانی هاییل و رد شدن قربانی قاییل ، عامل انگیزش قاییل به قتل برادرش هاییل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک

15 _ رد قربانی قاییل و پذیرش قربانی برادرش هاییل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هاییل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هاییل، انگیزه ای برای تصمیم قاییل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هاییل فحسده قاییل فقتله

ص: 225

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

19_ هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما يتقبل الله من المتقين

21_ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی او

قال انما يتقبل الله من المتقين

24_ تقوای هابیل، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما .. قال انما يتقبل الله من المتقين

31_ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذقربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول الله عزوجل: «واتل عليهم نبأ ابني آدم...».

کافی، ج 8، ص 113، ح 92؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 458، ح 1.

32_ در گرفتن آتش و به کام خود فروبردن قربانی هابیل، نشانه پذیرفته شدن آن از سوی خداوند

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

از امام باقر(ع) روایت شده: ... فتقبل قربان هابیل و لم يتقبل قربان قابیل و هو قول الله عزوجل: «واتل عليهم...» و كان القربان اذا قبل
تاكله النار ...

کمال الدین، ص 213، ح 2، ب 22؛ نورالثقلین، ج 1، ص 612، ح 131.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ تأکید هاییل بر دست نیازیدن به قتل برادر ، حتی در صورت اقدام قبیله برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در «لئن» و نیز «باء» زایده در «ببساط»، دلالت بر تأکید دارد.

7_ ترس هاییل از خداوند ، مانع اقدام وی به قتل برادر

ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک انی اخاف الله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 29 - 1,2,3

1_ عزم هاییل بر آلوده نساختن دست خویش به خون برادر و گرفتار نیامدن به پیامد های آن

انی ارید . . . فتکون من اصحب النار

2_ تأکید هاییل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا بائمی

چنانچه مراد از «ائمی»، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قبیله به دست هاییل صورت گیرد، معلوم می شود هاییل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

ص: 226

3_ قابیل در دیدگاه و سخن هایبیل ، در صورت اقدام به تهاجم ، مسؤول تمامی پیامد های سوء عملکرد هر کدام

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

مراد از «اثمی»، به قرینه «اثمک»، گناهانی است که بر اثر درگیری آن دو به وجود می آید. زیرا به شهادت مقام، مراد از گناه قابیل، همان برادرکشی و مقدمات آن است. بنابراین مقصود هایبیل این است که من تهاجمی را علیه تو آغاز نمی کنم و هرگز قصد کشتن تو را نخواهم کرد تا در درگیری احتمالی، تو مهاجم باشی و آغازگر و در نتیجه اگر تو تلف شدی و یامن کشته شدم در هر صورت گناه به گردن تو افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 -

1,2,3,5,10,19,20,21

1_ درگیری و کشمکش درونی قابیل با هوای نفس خویش در مورد قتل هایبیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

2_ وسوسه های نفسانی قابیل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

«طوعت» از مصدر «تطویع» به معنای «تسهیل» و نیز «متابعت» است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

3_ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هایبیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

5_ قابیل ، برادرش هایبیل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

10_ بی اعتنایی قابیل به هشدار ها و اندرز های برادرش هایبیل

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

19_ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هایبیل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاده (ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . . .

تفسیر قمی، ج 1، ص 165؛ نورالثقلین، ج 1، ص 616، ح 140.

20 _ کوه قاسیون در دمشق، مکان کشته شدن هاییل توسط برادرش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده: بدمشق. حبل یقال له قاسیون فیه قتل ابن آدم اخاه.

الدرالمنثور، ج 3، ص 61.

21 _ قاییل، _ به تحریک ابلیس _ برای آنکه نسلی از هاییل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قاییل افتخار کنند، برادرش را کشت.

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر (ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: . . . ثم ان ابلیس . . . فقال له: یا قاییل قد تقبل قربان هاییل و لم یتقبل قربانک و انک ان ترکته یکون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یکون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله

....

کافی، ج 8، ص 113، ح 92؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 458.

ص: 227

1,2,3,4,5,6,16,22,23,24,25,28

1_ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هاییل به سوی قاییل گسیل داشت .

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

2_ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قاییل را به کیفیت دفن جثه هاییل رهنمون ساخت .

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

3_ قاییل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هاییل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

4_ قاییل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هاییل

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قاییل هاییل و ترکه بالعرء لایدری ما یصنع به . . .

مجمع البیان، ج 3، ص 286؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 124.

5_ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قاییل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در «لیریه» به «غراب» برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قاییل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نمان می ساخت.

6_ فاصله زمانی اندک میان مرگ هاییل و گسیل کلاغی برای آموزش قاییل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف «بعث» بر «قتله» به وسیله «فاء»، بیانگر برداشت فوق است.

16_ قابیل ، برخوردار از امداد خداوند برای دفن جسد برادرش هابیل

فبعث الله غراباً يبحث في الارض ليريه

برداشت فوق بر این میناست که روانه ساختن کلاغ و تعلیم قابیل برای رفع سرگردانی وی صورت گرفته باشد.

22_ پیکر بیجان هابیل ، ناخوشایند برای قابیل

كيف يورى سوءه اخيه .. فاورى سوءه اخى

از آن جهت جسد هابیل «سوءه» (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قابیل ناخوشایند بوده است.

23_ پشیمانی قابیل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون .. فاصبح من الندمين

ظاهر این است که جمله «فاصبح ..» متفرع بر جمله «اعجزت» باشد. بنابراین پشیمانی قابیل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

24_ قابیل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمين

بنابر اینکه «فاصبح ..» متفرع باشد بر «فقتله» که در آیه قبل آمده است.

25_ قابیل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال يوبلتى اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب ..

ص: 228

تفریح ندامت قایل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل «اعجزت» این معنا را تأیید می کند.

28_ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر_ پس از زد و خورد میان آنها_ ، راهنمای قایل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاده (ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه

تفسیر قمی، ج 1، ص 166؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 459، ح 4.

25- مسؤولیت هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 33

33_ هاییل و قایل ، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قایل در مورد فرمان خدا به انتصاب هاییل به وصایت حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذقربا قرباناً

از امام صادق (ع) روایت شده: .. ان الله تبارک و تعالی اوحی الی آدم ان یدفع الوصیه و اسم الله الاعظم الی هاییل و کان قایل اکبر منه فبلغ ذلک قایل فغضب فقال: انا اولی بالکرامه و الوصیه فامرهما ان یقربا قرباناً بوحدی من الله الیه ففعلا ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

26- مکان قتل هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 - 20

20_ کوه قاسیون در دمشق ، مکان کشته شدن هاییل توسط برادرش

فطوعت له نفسه قتل اخيه فقتله

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده: بدمشق. حبل يقال له قاسيون فيه قتل ابن آدم اخاه.

الدرالمنثور، ج 3، ص 61.

27- منطق هابيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 229

22_ هابیل، انسانی خدانشناس، پرهیزگار، آگاه به معارف الهی و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعی

قال انما يتقبل الله من المتقين

تصریح نکردن هابیل به بی تقوایی قایل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پذیرش و رد اعمال، حاکی از اندیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

28- هابیل در اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 8

8_ آثار اهل کتاب مشتمل بر داستان قایل و هابیل به گونه ای تحریف شده و آمیخته با باطل

بالحق

کلمه «بالحق» به قرینه آیات گذشته، که درباره اهل کتاب بود، می تواند اشاره به تحریفهایی باشد که در آثار اهل کتاب نسبت به فرزندان آدم وجود دارد.

29- هابیل و قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 12، 13، 15

12_ تصمیم قطعی قایل بر کشتن برادرش هابیل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قایل بر قتل است.

13_ قایل، برادرش هابیل را به قتل تهدید کرد.

قال لاقتلنک

15_ رد قربانی قایل و پذیرش قربانی برادرش هابیل، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل*

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هاییل، انگیزه ای برای تصمیم قاییل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هاییل فحسده قاییل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 28 - 1,4

1_ تأکید هاییل بر دست نیازیدن به قتل برادر، حتی در صورت اقدام قاییل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

ص: 230

لام قسم در «لئن» و نیز «باء» زایده در «ببساط»، دلالت بر تأکید دارد.

4_ توانایی هاییل بر قتل برادرش قابیل

ما إنا ببساط .. لاقتلك انی اخاف الله

اگر هاییل از قتل برادرش ناتوان بود، اقدام نکردن به قتل را ناشی از خداترسی خویش نمی شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 29 - 2، 1

1_ عزم هاییل بر آلوده نساختن دست خویش به خون برادر و گرفتار نیامدن به پیامد های آن

انی ارید .. فتکون من اصحب النار

2_ تأکید هاییل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از «اثمی»، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قابیل به دست هاییل صورت گیرد، معلوم می شود هاییل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 28، 4

4_ قابیل، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هاییل

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قابیل هاییل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به ...

مجمع البیان، ج 3، ص 286؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 124.

28_ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر - پس از زد و خورد میان آنها - ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً يبحث في الارض ليريه كيف يورى سوءه اخيه

از امام سجاد(ع) روايت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا يتضاربان حتى قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذى بقى الارض بمخالبه و دفن فيها صاحبه

تفسير قمى، ج 1، ص 166; تفسير برهان، ج 1، ص 459، ح 4.

30- هديه هاييل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 27 - 2

2_ هر يك از هاييل و قابيل هديه اى را به رسم تقرب به پيشگاه خداوند تقديم كردند .

اذقربا قرباناً

ص: 231

«قربان» هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

31- هشدار هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 29 - 6

6_ هشدار هابیل به قایل دربارہ بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا بائمی و اثمک فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 - 10

10_ بی اعتنایی قایل به هشدارها و اندرزهای برادرش هابیل

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید . . . فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

ص: 232

11- هاروت

1- تبعیت یهود از هاروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 17

17 - یهودیان ، تعالیم هاروت و ماروت را دنبال کرده و آنها را در جهت مبارزه با پیامبر به کار گرفتند .

اتبعوا ما تتلوا .. و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

«ما أنزل» عطف بر «ما تتلوا ..» است؛ یعنی: اتباعوا ما تتلوا الشیاطین و اتباعوا ما أنزل علی الملکین.

2- معلّم هاروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 14

14 - هاروت و ماروت فرشتگانی ساکن سرزمین بابل

و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

«ببابل» متعلق به محذوف و حال برای «الملکین» می باشد؛ یعنی: الملکین کائین ببابل. مقصود از «بابل» بنابر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، بابل عراق - که شهری بر ساحل رود فرات و نزدیک حله است - می باشد.

3- هاروت در بابل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 14

14 - هاروت و ماروت فرشتگانی ساکن سرزمین بابل

و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

«ببابل» متعلق به محذوف و حال برای «الملکین» می باشد؛ یعنی: الملکین کائین ببابل. مقصود از «بابل» بنابر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، بابل عراق - که شهری بر ساحل رود فرات و نزدیک حله است - می باشد.

4- هاروت و تعلم جادوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 16

16 - هاروت و ماروت ، علم سحر را از ناحیه خداوند دریافت می کردند . *

و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

5- هاروت و تعلیم جادوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 15،18،19،24

15 - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین .. و ما یعلمان من أحد

18 - هاروت و ماروت ، تعالیم خود (سحر) را آزمونی برای مردم دانسته و به آنان هشدار می دادند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه

19 - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه فلا تکفر

24 - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

6- هشدارهای هاروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 18،19

18 - هاروت و ماروت ، تعالیم خود (سحر) را آزمونی برای مردم دانسته و به آنان هشدار می دادند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه

19 - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما يعلمان من أحد حتى يقولوا إنما نحن فتنه فلا تكفر

ص: 234

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

